



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

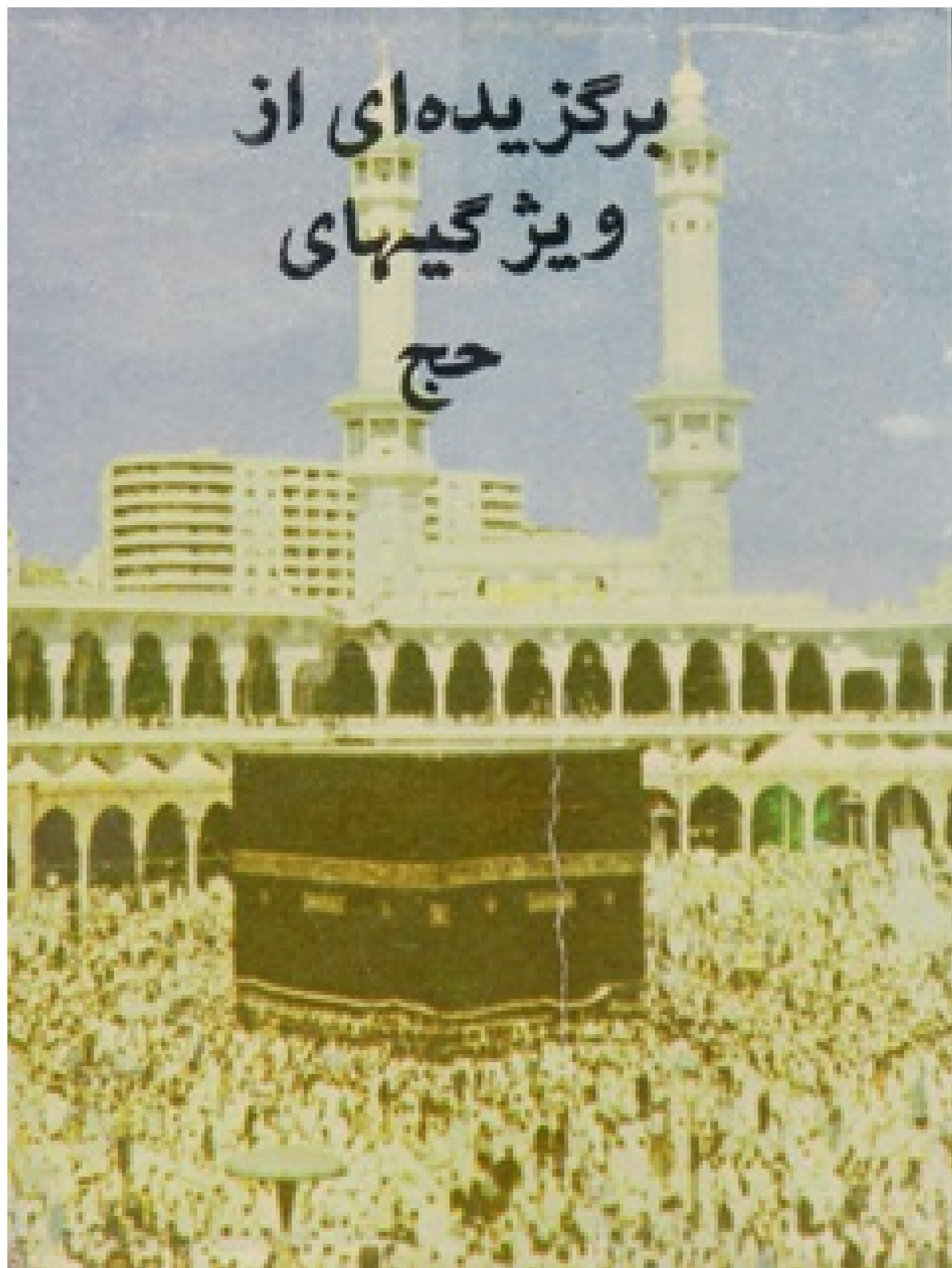
.com

.org

.net

.ir

برگزیده‌ای از  
ویژگی‌های  
حج



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حج ، یا، کنگره جهانی مسلمین : برگزیده ای از ویژگیهای حج

نویسنده:

محمد حسن نائینی

ناشر چاپی:

کتابفروشی حضرت مهدی (عج)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۰	حج ، یا، کنگره جهانی مسلمین : برگزیده ای از ویژگیهای حج
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	پیش گفتار
۱۶	عظمت و پاداش حج
۱۶	اشاره
۱۸	حج واجب
۱۸	بخش اول
۱۹	بخش دوم
۲۰	بخش سوم
۲۲	دعوت ابراهیم علیه السلام برای حج
۲۳	چرا حج را حج نامیدند
۲۳	فضیلت حج
۲۷	حاجیان سه دسته اند
۲۷	اصناف حاجیان
۲۹	پاداش بی نظیر حج
۳۱	حاجی میهمان خداست
۳۳	حج جهاد ضعیفان
۳۵	کدام یک افضل است حج یا نماز؟
۳۶	حج افضل است یا برده آزاد کردن؟
۳۶	حج افضل است یا صدقه ؟
۳۷	نتایج حج نسبت به خویشان
۳۷	پاداش نیابت از حج دیگران

- ۳۹ ..... کسی که عادت به حج داشته و حال موفق نشده
- ۴۱ ..... دعا برای توفیق حج یافتن
- ۴۲ ..... پاداش تعدد حج
- ۴۵ ..... حقیقت حج چیست؟
- ۴۸ ..... چه کسی در روز قیامت کور است؟
- ۴۹ ..... از وصایای پیامبر صلی الله علیه وآله به علی بن ابیطالب علیه السلام
- ۵۲ ..... کیفر کسی که مانع حج دیگران گردد
- ۵۴ ..... کیفر سهل انگاری در نیابت حج میت
- ۵۵ ..... لزوم مال حلال برای حج
- ۵۶ ..... حج زن مشروط به همراهی محرم نیست
- ۵۸ ..... پاداش کسی که در راه حج فوت کند
- ۶۰ ..... دلجوئی از خانواده حاجی
- ۶۱ ..... کیفر مصرف پول حج در غیر موردش
- ۶۳ ..... راهنمایی های پرارزش
- ۶۷ ..... اسرار و حکمت های حج
- ۸۲ ..... فلسفه حج و چرا یکبار واجب شده؟
- ۸۶ ..... پاداش آدم در ساختن کعبه
- ۸۷ ..... وجود کعبه قبل از آدم علیه السلام
- ۸۹ ..... تعداد حج آدم علیه السلام
- ۹۱ ..... تاریخ کعبه و بنای آن
- ۱۰۲ ..... فلسفه نامگذاری کعبه به (کعبه)
- ۱۰۲ ..... فلسفه علامت ها و حدود حرم
- ۱۰۴ ..... سرزمین امن وامان
- ۱۰۵ ..... برتری کعبه و مسجد الحرام
- ۱۰۷ ..... نگاه به کعبه عبادت است
- ۱۱۰ ..... فلسفه حج و بنای کعبه از گفتار علی بن ابیطالب علیه السلام

- ۱۱۴ ..... محشور شدن کعبه در روز قیامت
- ۱۱۴ ..... مکان های برگزیده خداوند کدامند؟
- ۱۱۵ ..... علت نامگذاری کعبه به اولین خانه
- ۱۱۶ ..... علت نامگذاری کعبه به ( خانه عتیق )
- ۱۱۸ ..... علت نام گذاری مکه به ام القری
- ۱۱۸ ..... علت نامگذاری مکه به ( بیت الله الحرام )
- ۱۱۹ ..... علت نامگذاری حرم به (مکه)
- ۱۱۹ ..... علت نامگذاری مکه به (بکه)
- ۱۲۱ ..... نام های مکه
- ۱۲۲ ..... درب های مکه
- ۱۲۲ ..... بهترین مکان ها در مکه
- ۱۲۳ ..... ارزش نماز در مکه
- ۱۲۴ ..... ارزش سجده در مکه
- ۱۲۵ ..... ارزش ذکر در مکه
- ۱۲۵ ..... پاداش ختم قرآن در مکه
- ۱۲۶ ..... پاداش بیمار در مکه
- ۱۲۸ ..... علت وجود کبوتر مخصوص در حرم
- ۱۳۰ ..... داستان ابراهیم و مکه
- ۱۳۹ ..... لرزش قلب هنگام لبیک گفتن
- ۱۴۳ ..... فلسفه لبیک گفتن
- ۱۴۸ ..... عدم جواز تلبیه در مواردی که دستور نیست
- ۱۴۹ ..... فلسفه ورود بکعبه از باب بنی شیبه و تکبیر در آن
- ۱۵۲ ..... فلسفه طواف کعبه
- ۱۵۴ ..... چرا طواف هفت دور است ؟
- ۱۵۷ ..... پاداش طواف کنندگان
- ۱۵۹ ..... چرا بشهر طائف (طائف) گویند ؟

- ۱۶۰ ..... چند سؤال در مورد حجر الاسود و پاسخ آن
- ۱۷۷ ..... علت نامگذاری حطیم
- ۱۸۰ ..... انجام دور کعت نماز پشت مقام ابراهیم
- ۱۸۲ ..... سنگ مقام ابراهیم علیه السلام
- ۱۸۴ ..... حجر اسماعیل علیه السلام یا قبر مادر او
- ۱۸۴ ..... شفا بودن آب ناودان
- ۱۸۶ ..... آب زمزم درمان هر دردی است
- ۱۸۹ ..... فلسفه سعی بین صفا و مروه
- ۱۹۳ ..... تقصیر، همه محرمات احرام را حلال می کند
- ۱۹۴ ..... مساله ای در مورد زن حائض
- ۱۹۵ ..... چرا روز هشتم را روز «ترویبه» گویند؟
- ۱۹۷ ..... فلسفه نامگذاری عرفات
- ۱۹۸ ..... علت توقف در عرفات
- ۲۰۰ ..... فضیلت عرفات، و استجاب دعا در آن
- ۲۰۶ ..... بزرگ ترین جرم در عرفات
- ۲۰۶ ..... فلسفه نامگذاری «مزدلفه»
- ۲۰۷ ..... علت نامگذاری مزدلفه به «جمع»
- ۲۰۹ ..... علت نامگذاری «مشعر»
- ۲۱۱ ..... علت نام گذاری ابطح
- ۲۱۲ ..... نماز در مزدلفه (مشعر)
- ۲۱۳ ..... علت نام گذاری «منی»
- ۲۱۶ ..... برچیدن سنگ ریزه برای رمی جمرات
- ۲۱۷ ..... علت سنگ انداختن به ستون های جمرات
- ۲۱۹ ..... فلسفه قربانی
- ۲۲۳ ..... موارد وجوب سر تراشیدن
- ۲۲۸ ..... علت نام گذاری مسجد خیف



۲۲۸	« مسجد خیف »
۲۳۰	داستان ابرهه
۲۳۵	نیایش امام حسین علیه السلام
۲۳۸	مختصر احکام حج و عمره افعال عمره تمتع پنج است
۲۳۹	اعمال حج تمتع و آن ۱۴ عمل است
۲۴۱	اعمال مکه مکرمه
۲۴۳	فهرست
۲۵۰	درباره مرکز

## حج، یا، کنگره جهانی مسلمین: برگزیده ای از ویژگیهای حج

### مشخصات کتاب

سرشناسه: نائینی، محمدحسن

عنوان و نام پدیدآور: حج، یا، کنگره جهانی مسلمین: برگزیده ای از ویژگیهای حج / نوشته محمدحسن نائینی؛ ترجمه محمدباقر فالی

مشخصات نشر: قم: کتابفروشی حضرت مهدی (عج)، 1363.

مشخصات ظاهری: ص 240

یادداشت: عنوان اصلی: روائع مختاره من الحج.

یادداشت: عنوان از روی جلد: برگزیده ای از ویژگیهای حج.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

عنوان دیگر: کنگره جهانی مسلمین: برگزیده ای از ویژگیهای حج

موضوع: حج

موضوع: زیارتگاههای اسلامی -- عربستان سعودی -- مکه

شناسه افزوده: فالی، محمدباقر، مترجم

رده بندی کنگره: 8/BP188/ن 2 9041 1363

رده بندی دیویی: 297/357

شماره کتابشناسی ملی: م 63-2623

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره

ترجمه : روايع مختاره من الحج

مشخصات

نام حج يا كنگره جهانى مسلمين

مؤلف حضرت حجة الاسلام شيخ محمد حسن نائينى

ناشر قم كتابفروشى حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

تيراژ 3000 نسخه

تاريخ آذرماه 1363

چاپخانه مهر

ص: 2

## پیش‌گفتار

حمد و شکر مخصوص خداوند جهانیان است ، و درود و سلام بر محمد و دودمان پاکش باد ، بفرموده قرآن که می فرماید : ( وَ إِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا ) (نحل آیه 18)

(اگر نعمت های خدا را بشمارید نمی توانید آن را بشمار آرید) بلی لطف و مواهب و نعمت های خدا بیش از آن

است که تصورش کنیم، و آنرا بشمار آریم، و سپس شکر آنرا بجا آوریم، نعمت های خدا بر دو بخش است.

1 - نعمت های آشکار

2 - نعمت های پنهانی.

اما نعمت های آشکار نعمت هائی است که در برابر چشم ما قرار گرفته و بقدری زیادند که شمارش آنها امکان پذیر نبوده و بهمین مناسبت ما قادر بر شکرگزاری آنها نیستیم.

اما نعمت های پنهانی که بدون تفکر و اندیشه نمی توانیم آنها را درك کنیم نیز بسیار است و قابل شمارش نیست و در نتیجه بشر از شکرگزاری در مورد آنها نیز عاجز است.

آیه فوق (وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا) به همین مطلب اشاره می کند شکی نیست که شکر نعمت را افزون کند چنان که خداوند در قرآن می فرماید (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) اگر شکر کنید نعمت را بر شما می افزایم (ابراهیم آیه 7) از خداوند بزرگ توفیق شکرگزاری از

ص: 4

نعمت هایش را خواهانیم.

از نعمت هایی که خداوند در سال های گذشته از عمرم نصیب من کرده اینکه تاکنون بیست بار به حج خانه خدا زیارت بارگاه پیامبر و امامان معصوم سلام الله علیهم مشرف شده ام از حسن اتفاق در این سفرهای روحانی و ملکوتی با دوستانی خوش ذوق و خوش طبع از کشورهای مختلف با زبان های گوناگون ملاقات کرده و اکثریت می پرسیدند که فلسفه حج ، وطواف ، وسعی ، وفضیلت آن ، وعلت نامگذاری هر یک بنام های مخصوص چیست ؟

اینجانب طبق اطلاعات خود به پاسخ آنان می پرداختم عده ای از من خواستند پیرامون این مسائل کتاب مختصر و مفید بنگارم و فلسفه و علت این امور را در آن تشریح کنم ، من هم با کمال شوق به خواسته آنان پاسخ مثبت داده این کتاب را تألیف نمودم .

این کتاب شامل روایاتی است که از ناحیه پیامبر

ص: 5

اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهما السلام به ما رسیده است، که مشتمل بر مقداری از مسائل و ویژگی های حج و توجه باجر و پاداش حاجیان در پیشگاه خدا، و چگونگی شمول رحمت وسیع خداوند است که همین مقدار خواستاران تشنه این مسائل را سیراب می کند.

خداوندا حج خانه گرامیت را امسال و در همه سال ها نصیب ماگردان بحق محمد و دودمان پاکش .

مؤلف - محمدحسن نائینی

ص: 6

### اشاره

علوم انسان از اول خوردسالی تا پایان زندگانی برای جلب منافع مختلف می کوشد و همیشه در تکاپو است، از این رو کودک را می بینیم که هر وقت نیاز غذا و آب پیدا می کند و یا وقتی که برای پیش گیری با سرما به پوشش نیازمند می شود و یا درد و رنج را از خود دور سازد گریه و ناله می کند.

همچنین انسان بزرگسال شب و روز می کوشد که تا منافع مختلفی را در حد امکان بدست آورد.

ص: 7



ولی نکته مهمی جالب توجه ما این است که انسان با کوشش بسیاری که منفعت طلبی دارد بسیار اتفاق می افتد که خود را از اموری که می تواند به منافع آن دست یابد محروم می سازد. زیرا که آن منافع را ناچیز تصور می کند، در صورتی که بسیار عظیم است.

در نتیجه از عدم توجه به آن فوائد پشیمان می شود. اما این پشیمانی سودی برایش نخواهد داشت. تأسف و حسرت می خورد اما این تأسف و حسرت برای او بی فایده است.

بدین سبب ما در این کتاب مختصر به یکی از واجباتی که فوائد آن را اکثر حاجیان نمی دانند شرح می دهیم. با اشاره به پاداش هائی که فوق تصور است که خداوند در دنیا و آخرت برای عاملان به آن ذخیره می کند تا موجب بصیرت و توجه بیشتر برای مؤمنین گردد و آن فریضه حج است.

ص: 8

## حج واجب

واجبات الهی بر سه بخش است .

1- يك بخش آن بستگی ب روح و بدن دارد مانند نماز و روزه .

2 - بخش دیگر بستگی ب اموال دارد مانند زکات و خمس .

3 - بخش دیگر هم به بدن بستگی دارد ، و هم به مال مثل حج و جهاد .

## بخش اول

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود : وقتی که نمازگزار برای انجام نماز بر می خیزد از آفاق آسمان تا پهنه زمین

ص: 9

بر او رحمت نازل می شود و فرشتگان او را در بر می گیرند ، و فرشته ای اور امخاطب قرار داده و گوید : اگر این نمازگزار می دانست که نماز دارای چه موهبت فراوانی است از آن منصرف نمی شد (1).

و آنحضرت درباره روزه فرمود : کسی که برای خدا در شدت گرما روزه بدارد و تشنه شود ، خداوند هزار فرشته را مأمور می کند که به صورت او مسح کشیده و او را مژده بدهند تا هنگام افطار که در این هنگام خداوند به او می فرماید چه خوش است بوی تو ، و چه با صفا است روح تو ؟ ای فرشتگان من شاهد باشید که من او را آمرزیدم . (2)

## بخش دوم

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: محبوب ترین

ص: 10

---

1- کافی ج 3 ص 265 .

2- کافی ج 4 ص 64 .

افراد نزد خداوند متعال کسی است که دست سخاوتمند داشته باشد، و سخی ترین مردم کسی است که زکات مالش را بدهد، و در مورد آنچه خداوند در ثروت او واجب گردانیده بخل نرزد.

امام موسی بن جعفر علیه السلام در ضمن روایتی فرمود: سوگند به خداوند عالم که او روزی های افراد با ایمان را به پنج درهم قسمت کرده، تايك درهم آنرا برای خدا قرار دهند، و چهار درهم آن را که برای آنها حلال است بخورند.

### **بخش سوم**

که مراد از آن حج است. دارای مزایا و ویژگی هائی است نسبت به سایر عبادات چرا که در حج، زحمت و رنج، دشواری سفر، شب زنده داری، صرف ثروت و هراس از دزد و قتل و غارت و غیره وجود داشته، و لذا پاداش آن

ص: 11

چند برابر است .

محمد بن مسلم گوید : مردی به حضور امام رضا علیه السلام شرفیاب شد ، حضرت باو فرمود: از حج می آئی ؟ عرض کرد : آری .  
فرمود: آیا پاداش بجا آورنده حج را می دانی؟ گفت فدایت شوم ، نمی دانم .

فرمود: کسی که بحج عزیمت می کند وقتی که وارد مکه شد ، باید با حالت تواضع و فروتنی ، و هنگام ورود به مسجد الحرام گام های خود را از ترس خدا کوتاه بردارد، و طواف خانه خدا کند، و دو رکعت نماز بخواند . خداوند هزار پاداش برای او می نویسد و هفتاد هزار گناه از او محو می نماید، و برای او ثواب آزادی هفتاد هزار بنده را که ارزش هر يك ده هزار درهم است بحساب می آورد .

ص: 12

## دعوت ابراهیم علیه السلام برای حج

در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت شده ، که حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام به این تعبیر ندا کرد که (هلم الی الحج) بشتاب به حج (هلم الی الحج) بشتاب به حج و اگر تعبیر (هلموا الی الحج) بشتابید به حج را ندا می کرد ، جز آن انسان هائی که در آن زمان ، وجود داشته اند کسی حج انجام نمی داد ، ولی با تعبیر (هلم الی الحج) بشتاب بسوی حج . مردم را دعوت کرد ، مردمی که در نسل مردان و ارحام زنان بودند به دعوت ابراهیم علیه السلام لبیک گفتند ، کسی که یکبار

ص: 13

لیبک گفت يك مرتبه حج را بجا می آورد ، و کسی که ده بار لیبک گفت ده بار حج را بجا می آورد ، و کسی که اصلا باین ندالیبک نگفت ، هیچ گاه موفق به حج نمی گردد . (1)

### چرا حج را حج نامیدند

أبان بن عثمان از کسی نقل می کند که گفته: عرض کردم خدمت امام محمد باقر علیه السلام ، چرا حج را حج نامیدند؟ فرمود : معنای این که می گویند (فلانی حاجی شد) اینست که فلانی رستگار شد . (2)

### فضیلت حج

امام جعفر صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خود بنام عیسی فرمود: اگر در اثر حج هر ساله ، تنها به نان و نمک

ص: 14

---

1- محجة البيضاء ص 146 .

2- وسائل الشیعه ج 8 ص 17 .

دست یابی، با این شرایط حج را ترك نکن، و شرفیاب شو.

(وسائل ج 5 ص 95)

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که بنده با ایمان بار و بساط حج را بسته و آماده می کند، برای هر گامی که در این راه بر می دارد، يك پاداش برای او نوشته می شود تا هنگامی که بار را بر شتر ببندد، که آنگاه بعدد هر گامی را که شتر بر می دارد خداوند برای او پاداش می نویسد، تا هنگامی که تمام اعمال حج را بجا آورد، و سپس در ماه های ذی الحجة، و محرم، و صفر، فقط پاداش برای او می نویسد و گناهان او را به حساب نمی آورد مگر اینکه گناه کبیره ای را مرتکب گردد. (1)

بنقل از ابو بصیر: امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی با ایمان وقتی که بقصد حج بیرون آید، خداوند او و خانواده اش را حفظ می کند تا وقتی که به مکانی برسد که در

ص: 15

---

1- بحار، حج ص 2.



آنجا احرام می بندد، در این موقع خداوند دوفرشته مأمور او می کند که پاداش کوشش او را بنویسند، و بردوش او می زنند و به او می گویند، آنچه در گذشته داشته ای خداوند همه را بخشید و حال: از نو شروع بعمل کن. (1)

سعد اسکافی گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم می فرمود: وقتی که حاجی با رو بساط خود را آماده می کند، هر قدمی که بر می دارد، خداوند ده پاداش برای او نوشته، و ده گناه از صفحه اعمال او محو، و ده درجه به او می بخشد، تا هنگامی که فارغ شود از جمع آوری بارو بساط تا هر وقت باشد، و وقتی که راحله و مرکبش به حرکت در آمد، برای هر قدمی که بر می دارد خداوند همان مقدار اجر و پاداش برای او می نویسد تا هنگامی که اعمال حج را بجا آورد، و وقتی که اعمال را پایان رسانید، خداوند گناهانش را می بخشد، و در چهار ماه ذی الحجه، و محرم، و صفر، و

ص: 16

---

1- بحار، حج ص 2

ربیع الاول، برای او پاداش خیر می نویسد ، مگر در صورتی که گناه بزرگی کند که موجب نوشتن آن شود ، و وقتی که چهار ماه پایان رسید ، آنگاه بمردم می پیوندد و مثل سایر مردم با او رفتار می شود (محلّجه ص 148) .

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر هزار نفر را در حجت شرکت دهی برای هر يك از آنها يك حج هست بی آنکه از حج تو چیزی کاسته شود . (محلّجه ص 148) .

بنقل از ابن عمار ، امام صادق علیه السلام فرمود: حفظ اثاثیه و ضمانت سفر بجا آورنده حج برخدا است ، وقتی که او وارد مسجد الحرام شد خداوند دو فرشته را مأمور بر او می کند، تا طواف وسعی او را حفظ کند، و وقتی که شب عرفه یعنی (شب نهم ذی الحجّه) شد بر دوش راستش می زنند و به او می گویند ای شخص آگاه باش آنچه از اعمال گذشته است جبران کردی بنگر در آینده چگونه رفتار می کنی؟ (1)

ص: 17

---

1- بحار ص 2 .

## حاجیان سه دسته اند

بنقل امام باقر علیه السلام رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: حاجیان سه دسته اند، بهترین آنان در پاداش. مردی است که خداوند گناهان گذشته و آینده او را بخشد و او را از آتش دوزخ بازدارد، پس از او مردی است که خداوند گناهان گذشته او را بخشد و او از نو شروع بعمل کند و در فکر آینده باشد، و پس از او مردی است که در میان خانواده و ثروتش حفظ شود. (1)

## اصناف حاجیان

از امام محمد تقی علیه السلام نقل شده که فرمود: بفرموده پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: حاجیان سه گروهند:

(1) بهترین آنان مردی است که خداوند متعال گناهان

ص: 18

---

1- محجة ص 147 .

گذشته و آینده اش را ببخشد، و او را از آتش دوزخ رهائی بخشد .

(2) صنف دوم افرادی است که خداوند متعال گناهان گذشته آنان را می بخشد، و آنان مجدداً عمل خود را در بقیه عمر خویش از سر می گیرند.

(3) و بالاخره صنف سوم گروهی هستند که در خاندان و در اموال خویش محفوظ مانده باشند

و در روایت صحیح نیز آمده که حاجیان سه گروهند ، گروهی آزاد شده از آتش دوزخ ، و گروهی از گناهان چنان پاک می شوند مثل روزی که از مادر متولد شده اند ، و گروهی که در خاندان و ثروتشان حفظ می شوند ، و این کم ترین مقامی است که بعنوان امتیاز به حاجی داده می شود. (1)

ص: 19

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که رسول اکرم صلی الله علیه وآله بازگشت از حج نمودند، در ابطح (بین مکه و منی) بادیه نشینی با آنحضرت برخورد کرد و پرسید: من از خانه بیرون آمده، و تصمیم بحج داشتم، ولی مانعی پیش آمد و موفق نشدم، و من ثروت بسیاری دارم، مرادستور فرمائید که با ثروتم کاری انجام بدهم که به پاداش حج نائل آیم، رسول اکرم صلی الله علیه وآله به کوه ابوقییس رو کرده و فرمود: اگر به وزن این کوه طلای سرخ داشته باشی و آنرا در راه خدا انفاق کنی بآن پاداشی که بجا آورنده حج می رسد نخواهی

رسید. (بحار ص 6).

ابراهیم بن میمون گوید: بامام صادق علیه السلام عرض کردم من یکسال حج بجا می آورم، و شریک من سال دیگر، فرمود: چه چیز مانع آنست که حج بجا آوری ای ابراهیم؟ گفت: فدایت شوم عدم آمادگی مانع است. آیا می شود پانصد درهم بجای حج صدقه بدهم؟

امام فرمود حج بالاتر است. گفتم هزار درهم؟ فرمود: حج بالاتر است، گفتم هزار و پانصد؟ فرمود: حج بالاتر است. گفتم دو هزار؟ فرمود: آیا در دو هزار درهم تو، طواف خانه خدا هست؟ گفتم نه. فرمود: آیا در دو هزار درهم تو سعی بین صفا و مروه هست؟ عرض کردم نه. فرمود: در دو هزار تو وقوف در عرفات هست؟ گفتم نه. فرمود: در دو هزار تو مناسک هست؟ گفتم نه. فرمود پس حج بالاتر است. (وسائل ج 8 ص 81)

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر یکی از شما به وزن کوه

ص: 21

ابوقبیس طلا داشته باشد، و آنرا در راه خدا انفاق کند به پاداش حج نمی رسد و يك در همی که حاجی در این راه انفاق می کند معادل دو هزار درهم در راه خداست .

### حاجی میهمان خداست

امام باقر علیه السلام فرمود : بجا آورنده حج و عمره میهمان خداست، که اگر هر چه از خدا بخواهند ، خداوند به آنان می دهد، و اگر دعا کنند دعایشان را مستجاب می کند، و اگر شفاعت کنند شفاعتشان را می پذیرد ، و اگر ساکت بمانند و طلب نکنند، خداوند بدون خواسته آنان به آنان می دهد، بهر در همی که مصرف می نمایند هزار هزار درهم. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: وقتی که رسول اکرم صلی الله علیه وآله آخرین حج (حجة الوداع) را انجام می داد در عرفات ایستاد، و رو بمردم کرد و سه بار فرمود: مرحبا بکاروان خدا آنان که وقتی چیزی بخواهند به آنان داده می شود و آنچه از مال

ص: 22

و نفقه صرف کرده اند جبران می شود ، و در آخرت برای هر دره‌می که صرف کرده اند هزار پاداش به آنان داده می شود ، سپس فرمود: آی مردم آیا نمی خواهید شمارا مژده بدهم؟ گفتند: مژده ده ما را ای رسول خدا ، فرمود : وقتی که امشب ( شب عرفه ) فرارسد . خداوند به وجود این افرادی که در عرفات توقف کرده اند به فرشتگان مباحثات می کند، و به آنان می گوید: به بندگان و کنیزان من بنگرید که از اطراف و اکناف زمین غبار آلوده، وژولیده مو به نزد من آمده اند آیا می دانید که آنان از من چه می خواهند؟ فرشتگان؟ می پرسند، چه می خواهند؟ می فرماید: آنان می گویند: پروردگارا ما از تو آمرزش می طلبیم ، آنگاه خداوند می فرماید: ای فرشتگان شما را گواه می کنم که من آنان را آمرزیدم، آنان از عرفات در حالی منصرف می شوند که همه گناهان گذشته شان آمرزیده شده است .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بجا آورنده حج و عمره ،

ص: 23



جزو افراد کاروان خداست، آنچه بخواهند خدا به آنها می دهد، ودعایشان را مستجاب می کند، و آنچه از مال و نفقه صرف کرده اند جبران می نماید.

## حج جهاد ضعیفان

کاهلی گوید: از امام صادق علیه السلام که پیرامون حج صحبت می کرد شنیدم که فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: حج یکی از دو جهاد است و آن جهاد ضعیفان است و ضعیفان ما هستیم (منظور این است که ائمه در مقابل قدرت بنی امیه و بنی عباس قرار گرفته بودند و حقشان غصب شده بود، و در ظاهر قدرت مقابله با آنانرا نداشتند) هیچ چیز جز نماز بهتر از حج نیست و در حج هم نماز وجود دارد، ولی در نماز حج نیست. اگر استطاعت حج داری آنرا ترک نکن.

آیا نمی بینی که در حج موی سرت ژولیده، و بدنت کثیف شده، و از نگاه کردن به زنان منع می شوی، ما در

اینجا نزدیک هستیم، و با آنکه از آب بطور متصل برخورداریم، باز چه قدر دشوار است که به حج برسیم، پس چه گونه است حال شما که از شهرهای دور به اینجا می آئید، که هیچ کسی از پادشاه و بازاری به حج نمی رسد مگر اینکه خوراکی و آشامیدنیش تغییر می یابد و هوا و آفتاب عوض می شود و قادر بررد آن به صورت اول نیست.

چنان که قرآن (سوره نحل آیه 7) می فرماید ( وَ تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا بِشَقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُفٌ رَّحِيمٌ ) و برمی دارند بارهای گران شمارا می برند بشهری که نباشید رسانده بآن مگر با خستگی جان ها، بدرستی که پروردگار شما هر آینه مهربان و رحیم است (1)

حضرت رضا علیه السلام فرمود: حج جهاد ضعیفان است و آنان شیعیان ما هستند (2).

ص: 25

---

1- سورة 16 آیه (7)

2- وسائل ج 8 ص (7)

## کدام يك افضل است حج يا نماز؟

امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: حج بهتر از نماز و روزه است، چرا که نمازگزار از خانواده اش بمقدار مدت زمان مختصری از سفیدی روز باز داشته می شود، ولی بجا آورنده حج بدنش را به زحمت می اندازد و خود را بسختی می افکند و مالش را صرف می کند، و دوری از خانواده اش بطول می انجامد، نه بخاطر کسب مال و یا تجارت، و پدرم می فرمود: چه قدر خوب است که مردی که پیشاپیش خانواده اش بیاید، و مردم در عرفات در راست و چپ توقف کرده اند او از راه دور به آنها می پیوندد پس خداوند آن ها را آزمایش می نماید. (1)

ص: 26

---

1- وسائل ج 8 ص 8 (8)

## حج افضل است يا برده آزاد كردن؟

معاوية بن عمار از امام رضا عليه السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: حج و عمره فقر را برطرف می کند همچنان که دمنده آهنگر خاشاک آهن را بر طرف می سازد.

معاویه گوید: پرسیدم، حج بهتر است یا آزاد کردن برده؟ فرمود: حج بهتر است. گفتم آزاد کردن دو برده چه طور؟ فرمود: حج بهتر است. و من همچنان اضافه می کردم، و امام می فرمود که حج بهتر است. تا اینکه گفتم حج بهتر است یا آزاد کردن سی برده؟ فرمود: حج بهتر است. (محبجة ص 147)

## حج افضل است يا صدقه؟

عبد الرحمن گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: عده ای از داستان سرایان می گویند اگر مردی حج بجا

ص: 27

نیاورد، و سپس صدقه بدهد، وصله رحم نماید، برای او بهتر است؟ فرمود: دروغ می گویند، اگر این مردم چنین کنند این خانه (کعبه) تعطیل می شود، خداوند این خانه را محل قیام مردم قرار داده است. (بحار حج ص 4)

### **نتایج حج نسبت به خویشان**

سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند می آمرزد بجا آورنده حج و خانواده و فامیل او و هر کسی را که حاجی، در بقیه ماه ذی الحجه، و محرم، و صفر و ربیع الأول، و دهه اول ربیع الآخر، برایش طلب آمرزش کند.

### **پاداش نیابت از حج دیگران**

امام صادق علیه السلام در مورد مردی که بنیابت از دیگری حج بجا می آورد، فرمود: او دارای پاداش ده حج است،

ص: 28

و خداوند او و پدر و پسر و دختر و برادر و عمو و عمه و دایی و خاله اش را می آمرزد، خداوند وسعت بخش و سخاوتمند است.

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: کسی که به نیابت از دیگری حج بجا آورد آیا اجر و پاداش دارد؟

فرمود: چنین کسی دارای ده پاداش حج است، و خداوند او و پدر و مادر و پسر و دختر و برادر و خواهر و عمو و عمه و دایی و خاله اش را می آمرزد، خداوند وسعت بخش و دانا است.

ص: 29

## کسی که عادت به حج داشته و حال موفق نشده

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر از عادت مردی این بوده که هر ساله بحج برود، ولی یکسال تخلف کرد و بحج نرفت، فرشتگانی که در زمین هستند، به فرشتگانی که بر کوه ها هستند می گویند، ما صدای فلان کس را نمی یابیم، آنها در جواب می گویند. جستجو کنید تا او را بیابید، آنها جستجو می کنند، ولی او را در بین حاجیان نمی بینند.

ص: 30

سپس می گویند خداوندا. اگر نیامدن او بحج بخاطر وام بوده و امش را اداء کن و اگر بخاطر بیماری بوده شفایش بخش، و اگر بخاطر فقر بوده بی نیازش کن، و اگر بخاطر زندان بوده آزادش کن، و یا اگر بر اثر کاری برای مردم بوده آنها را انجام بده، و در حالی که مردم برای خود دعا می کنند، فرشتگان برای کسی که موفق بحج نشده دعا می نمایند. (1)

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که شب عرفه می شود، خداوند دو فرشته را مأمور می کند که چهره های مردم را جستجو کنند، وقتی که

مردی را که خود را عادت بحج داده بود در میان مردم ندیدند، یکی از آنها بدیگری می گوید، فلان کس چه شده؟ او می گوید خداوند عالم می داند، یکی از آن ها گوید: خدایا: اگر چیزی که مانع او از حج شده، فقر بوده او را بی نیاز بگردان، و اگر وام بوده و امش را ادا

ص: 31



کن ، و اگر بیماری بوده شفایش بخش ، و اگر مرگ بوده او را بیمارز و بر او رحمت بفرست. (1)

## دعا برای توفیق حج یافتن

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در يك مجلس هزار بار بگوید (ماشاء الله) همان سال ، حج روزی او می شود ، و اگر در آن سال موفق نشد ، خداوند او را زنده نگاه می دارد تا بحج موفق شود . (بحار حج ص 6)

امام صادق علیه السلام فرمود : کسی که هزار بار بگوید «لا حول ولا قوة الا بالله» خداوند متعال حج را نصیب او می کند و اگر عمرش نزدیک به آخر رسیده ، خداوند عمرش را طولانی می کند تا موفق بحج گردد.

عبد الله بن فضل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم. من بدهی بسیار دارم، و عیال بار هستم ، و قدرت

ص: 32

---

1- وسائل ج 8 ص 96 .

انجام حج ندارم، به من دعائی بیاموز تا بوسیله آن موفق شوم. فرمود: بعد از هر نماز واجب بگو: (اللهم صل علی محمد و آل محمد و اقض عینی دین الدنیا و دین الاخرة) گفتم قرض دنیا را می دانم که چیست؟ اما قرض آخرت؟ فرمود قرض آخرت حج است (بحار ص 6)

### پاداش تعدد حج

امام رضا علیه السلام فرمود: هرگاه شخصی از مؤمنان سه بار حج را بجا آورد، خود را از خداوند به بهائی خریده است و خداوند از او نمی پرسد که ثروتش را از کجا بدست آورده؟ از راه حلال یا حرام، و هر شخصی چهار بار حج بجا آورد، هرگز تنگی و فشار قبر به او وارد نمی آید. و وقتی که از دنیا رفت خداوند حج های او را بصورت زیبایی که از همه صورت ها در برابر او زیباتر است در می آورد، و آن صورت در کنار قبرش می ماند، و نماز می خواند تا وقتی که

ص: 33

خداوند او را از قبر بیرون آورده، و پاداش این نماز را برای او ثبت کند، و بدانکه يك رکعت از این نماز معادل با هزار رکعت از نماز معمولی انسان ها است، و کسی که پنج حج بجای آورد، خداوند هرگز او را عذاب ندهد، و کسی که ده بار حج بجای آورد. خداوند هرگز او را به محاسبه نکشد، و کسی که بیست بار حج بجای آورد، جهنم را نمی بیند و فریاد و ناله جهنم را نمی شنود، و کسی که چهل بار حج بجای آورد، به او گفته می شود شفاعت کن در مورد آنان که دوستشان داری، و دری از درهای بهشت برای او باز می شود، و او و کسی که مشمول شفاعت او شده از آن در وارد بهشت می شوند، و کسی که پنجاه بار حج بجای آورد، برای او شهری در بهشت عدن ساخته می شود که دارای هزار قصر است، و در هر قصری هزار حوریه از حور العین و هزار همسر هست و او از هم نشینان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در بهشت قرار می گیرد، و کسی که بیش تر از

پنجاه بار حج بجای آورد، مانند کسی است که پنجاه حج با پیامبر و ائمه علیه السلام انجام داده و مانند کسی است که خداوند متعال در هر جمعه او را زیارت کند، و او از کسانی است که وارد بهشت عدن و آن بهشتی است که خداوند با دست قدرت خود آنرا ساخته، و هیچ چشمی آنرا ندیده و هیچ مخلوقی از آن اطلاع ندارد، وارد می شود و هر کسی حج

بسیار انجام دهد خداوند برای هر نوبت حج او شهری در بهشت برایش می سازد و در آن، بهشت اطاق هائی است که در هر يك از آن اطاق ها، حوریه هائی از حورالعین وجود دارد، و هر حوریه ای دارای سیصد کنیز است، آن کنیزان آنقدر زیبايند که احدی: بمانند زیبایی و قشنگی آنان ندیده است (وسایل ج 8 ص 90).

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که سه بار حج بجای آورد هرگز گرفتار فقر نمی شود (بحار حج ص 4).

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که حج اسلام را بجای

ص: 35

آورد طوق آتش از گردنش گشوده می شود . و کسی که دوبار حج بجای آورد همیشه در سعادت است ، تا از دنیا برود و کسی که سه بار حج پشت سر هم بجای آورد. سپس خواه به حج برود یا نه، او همانند حاجی دائم است. (محبه ص 149)

### حقیقت حج چیست؟

کسی که می خواهد بین خود و خدا ارتباط برقرار سازد و اخلاص در عبادت حق داشته باشد واجب است برای خدای متعال خود را از هر گونه هوس ها و لذائذ و مادیات جدا ساخته ، و تنها بموارد ضروری اکتفا کند ، و سپس در تمام افعال و حرکات خود بسوی خدا توجه کند ، این عبادت ها و کرنش ها در ملل گذشته کاملاً جاری بوده ، و بنام رهبانیت یعنی جدائی از مردم و ترک خانواده و شهر، و توجه به غارها و کوه ها برای عبادت .. و سوم بوده است ، و به همین

ص: 36

مطلب قرآن مجید اشارت برده و می فرماید (به این که کشیشان و راهبان از آن بوده و آنان تکبر نمی کنند).

لیکن چنین عبادتی، از میان رفته ، و دیگر امروزه هیچ اثری از آن باقی نمانده ، و بعد از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله عباداتی چون نماز، روزه، زکات و حج به میان آمده ، و هر کدام به نوعی خاص ...

وحج شامل طواف پیرامون سنگ های بنا شده، سعی بین صفا و مروه و رمی جمرات ، و توقف در بیابان عرفات که مثل يك میدان است، خداوند این امور را بجای رهبانیت برای مسلمین قرار داده، که عبارت از عبادت و فروتنی است .

این اموری که فکر و اندیشه از آن متحیر مانده و حقیقت معانی ، آن درک نمی شود، موجب رنجش بدن، در اثر ترك از وطن و خانواده، دوری از دوستان ، و ترك هر گونه هوس های روانی است، به علاوه خضوع در برابر

ص: 37

اوامر و نواهی الهی در هر زمان و مکان معین و حکایت از نهایت خشوع در برابر خدا و پرستش او خواهد بود .

بنابراین حج عبارت است از بیرون آمدن از ذلت شیطان و هوس ها و مادیات و وارد شدن به عزت عبادت برای کسب منافع و پاداش و اجر اخروی :

ص: 38

## چه کسی در روز قیامت کور است؟

معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که هرگز حج انجام نداده با اینکه ثروت مند است سؤال کردم؟ فرمود: چنین کسی مشمول این آیه است ، ( وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ) اعمی او را در روز قیامت کور محشور می کنیم (طه - 124) گفتم سبحان الله کور محشور می شود؟ فرمود: خداوند او را از دیدن راه بهشت کور می کند . (بحار حج ص 2) .

ص: 39



## از وصایای پیامبر صلی الله علیه وآله به علی بن ابیطالب علیه السلام

ای علی از این امت ده دسته بخدای بزرگ کافر شدند :

- 1 - کشتار کننده .
- 2 - جادوگر .
- 3 - دیوث و بی غیرت .
- 4 - آمیزش کننده بازن غیر محرم از راه دبر (پشت)
- 5 - آمیزش کننده با حیوان .
- 6 - آمیزش کنندگان با زنان محرم (غیر همسر)
- 7 - سعی کننده در فتنه و فساد.
- 8 - فروشنده اسلحه به جنگجویان دشمن .
- 9 - مانع زکات .
- 10 - کسی که استطاعت و تمکن برای رفتن به حج

ص: 40

دارد اما حج نکرده می میرد . (بحار حج ص 2) .

ابو بصیر گوید : از امام صادق علیه السلام در باره این آیه پرسیدم که خداوند در قرآن می فرماید: ( من كان في هذه اعمى فهو في الآخرة اعمى واضل سبيلا ) ( اسراء - 72 ) کسی که در این دنیا کور باشد، در آخرت نیز کور، و گمراه تر است ، فرمود: این شخص کسی است که حج اسلام را به تأخیر انداخته و می اندازد و می گوید امسال بجا می آورم ، تا اینکه مرگش فرارسد. (بحار ص 3)

ابو صباح کنانی گوید : به امام صادق علیه السلام عرض کردم ، آیا روا می دانید، مرد تاجری که ثروتمند است هر سال حج را به تأخیر بیندازد، در حالی که عذرش غیر تجارت و وام نیست ؟ فرمود برای او عذری نیست که حج را به تأخیر بیندازد ، اگر در حالی که حج را ترک نموده بمیرد قانونی از قوانین اسلام را ترك کرده است . (1)

ص: 41

---

1- وسائل ج 8 ص 17 .

ذریح گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود: کسی که بمیرد ولی حج اسلام را بجا نیاورده باشد و از افرادی نباشد که مانعی مانند نیازی که او را بزحمت اندازد، یا بیماری که به خاطر آن قدرت بر حج نداشته باشد، یا سلطانی که جلو او را بگیرد، بر سر راهش باشد، و در این حالت بمیرد، پس خواهد مرد اگر خواست بدین یهود و اگر خواست بدین نصرانیان.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: کسی که بمیرد و حج را بجا نیاورد، مانعی نیست که یهودی یا نصرانی بمیرد (1).

ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: کسی که وسایل حج برایش فراهم شد، هر چند با الاغ بینی بریده و دم بریده هم که باشد ولی او روی گردانید، او استطاعت برای حج داشته، و بایستی ترك حج نکند (وسائل ج 8 ص 27).

ص: 42

محمد بن مسلم گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: اگر برای کسی وسایل حج فراهم شد ولی او به خاطر شرم و خجالت آنرا ترک نمود، حکمش چیست؟ فرمود: چنین کسی مستطیع است و نباید خجالت بکشد، هرچند با الاغ بینی بریده و دم بریده هم باشد، سپس فرمود: اگر بتواند - قسمتی از راه را سواره و قسمتی از راه را پیاده طی کند، همین کار را بکند.

### کیفر کسی که مانع حج دیگران گردد

اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم مردی: در مورد حج با من مشورت کرد، ولی حالت ناتوانی داشت، اشاره کردم حج نرود، فرمود چه واداشت تو را که یکسال بیماری برای خود فراهم کنی؟ اسحاق گوید یکسال بیمار شدم (1).

ص: 43

امام صادق علیه السلام فرمود: حتماً برحذر می دارم کسی را که باعث تأخیر حج برادرش بشود از این که فتنه و گرفتاری در دنیا به او برسد  
به اضافه گرفتاری های آخرت که برای او ذخیره می شود (وسائل ج 8 ص 98)

ص: 44

## کیفر سهل انگاری در نیابت حج میت

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: کسی که وصیت میت را در مورد حج ضمانت کند، سپس بدون عذر در اجرای آن سهل انگاری کند، خداوند نماز و روزه او را قبول نکرده و دعایش را مستجاب نمی فرماید، و هر شبانه روز صد گناه برای او می نویسد، که کوچک ترین آن مانند زنا کردن با مادر و دختر خویش است، ولی اگر در همان سال به وصیت عمل نماید، خداوند برای هر يك در همی که مصرف می کند پاداش يك حج و عمره را برای او

ص: 45

می نویسد ، و اگر در این میان بمیرد ، شهید مرده و برای او هر شبانه روز بین امسال و سال بعد پاداش شهید می نویسند و برای اوست پاداش دنیا و آخرت . (مستدرک ج 2 ص 12)

## لزوم مال حلال برای حج

امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که به یکی از چهار راه مالی بدست آورده باشد، صرف آن در چهار راه قبول نمی شود، کسی که مالی را از راه تقلب ، یاربا ، یاخیانت ، یادزدی، بدست آورد صرف آن در راه زکات و صدقه و حج و عمره قبول نمی شود (1).

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند متعال قبول نمی کند حج و عمره ای که با مال حرام انجام پذیرد (2).

ص: 46

---

1- بحار حج قدیم ص 27

2- بحار چاپ قدیم ص 22.

## حج زن مشروط به همراهی محرم نیست

صفوان جمال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: تو مرا به عملم می شناسی (صفوان دارای شتر کرایه ای بود، و به تعبیر امروز حمله دار بود) زنی نزد من می آید او را می شناسم که مسلمان است و به شما علاقه مند و ولایت شما را قبول دارد ولی محرم ندارد او را بحج ببرم؟ فرمود: هرگاه زن مسلمانی آمده او را برای حج ببر، مرد مؤمن، محرم زن با ایمان است، سپس این آیه را قرائت کرد ( الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ) مردان و زنان با ایمان بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند (1) (2)

معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد

ص: 47

---

1- وسائل ج 8 ص 108

2- توبه آیه 71



زنی که بدون ولی و سرپرست به حج می رود سؤال کردم؟ فرمود: اگر به همراه کاروان مورد اطمینان برود مانعی نیست . (1)

او می گوید نیز از آن حضرت در مورد زنی که بدون ولی و سرپرست به حج می رود پرسیدم؟ فرمود: مانعی ندارد هر چند دارای شوهر یا برادر یا پسر برادر باشد ، و آنان از رفتن همراه او به حج، آباداشته باشند ، و مستطیع حجهم نباشند ، برای زن سزاوار نیست که در خانه بنشیند و حج نرود و برای آنان شوهر و برادر و برادرزاده سزاوار نیست که زن را از رفتن بحج منع کنند . (2)

ص: 48

---

1- وسائل ج 8 ص 109 .

2- وسائل ج 8 ص 109 .

## پاداش کسی که در راه حج فوت کند

امام صادق علیه السلام فرمود: بجا آورنده حج و عمره در ضمانت خداست، اگر در حال حرکت بمیرد، خداوند گناهانش را می بخشد، و اگر در حال احرام بمیرد خداوند او را در روز قیامت بالبیک گویند محشور می کند، و اگر در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه وآله بمیرد، خداوند او را در روز قیامت در صف ایمن شدگان از عذاب محشور می کند، و اگر در مراجعت بمیرد، خداوند همه گناهانش را می آمرزد.

ص: 49

علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: برای شش دسته بهشت را ضمانت می‌کنم:

- 1 - کسی که برای دادن صدقه از خانه خارج شده و در راه مرده، او اهل بهشت است.
- 2 - مردی که برای عیادت بیمار از منزل بیرون رفته و در بین راه مرده، او اهل بهشت است.
- 3 - مردی که به عنوان جهاد در راه خدا از منزل بیرون آمده و در راه بمیرد اهل بهشت است.
- 4 - مردی که بعنوان حج خارج شده، و در راه بمیرد اهل بهشت است.
- 5 - مردی که برای نماز جمعه از خانه بیرون آمده و در راه بمیرد اهل بهشت است.
- 6 - مردی که برای تشییع جنازه مرد مسلمان از خانه خارج شده و در این راه بمیرد اهل بهشت است. [\(1\)](#)

ص: 50

---

1- وسائل ج 8 ص 68.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله درضمن خطبه ای فرمود: کسی که از خانه خود به عنوان انجام حج یا عمره بیرون آید، برای هر قدمی که بر می دارد تا هنگام مراجعت صد هزار پاداش در نامه عملش نوشته می شود، و هزار هزارگناه او بخشوده می شود، و هزار هزار درجه با و داده می شود، و برای هر درهمی که خرج می کند هزار هزار در هم نزد خدا دارد، و برای هر دیناری هزار هزار دینار، و برای هر کار نیکی که در راه حج برای خدا انجام می دهد هزار هزار پاداش دارد تا مراجعت نماید و او در ضمانت خداست، اگر در این مسیر فوت کند خداوند او را به بهشت وارد می کند و اگر مراجعت کرد در حالی که آمرزیده شده و دعایش مستجاب شده مراجعت نماید، دعاها و غنیمت بشمارید، چرا که خداوند دعای او را رد نمی کند، او صد هزار مرد را در

روز قیامت شفاعت می کند و کسی که پرسش حال خانواده شخصی نمود که در حج و عمره است، به خیر و خوبی او نیز بدون کم و کاست دارای چنین اجر و پاداش است. (وسائل ج 8 ص 72)

### **کیفر مصرف پول حج در غیر موردش**

در کتاب خرائج آمده: ابو محمد دعجلی که یکی از نیکان اصحاب بود، و سعی در نقل روایات داشت، دارای دو پسر بود، یکی از آنان بنام ابو الحسن، شخص نیکی بود و در خط مستقیم اسلام گام بر می داشت، و اموات مسلمین را غسل می داد، ولی دیگری هوس باز و همشین جوانان فاسد بوده و از کارهای ناروا باکی نداشت، از ناحیه شخصی پولی به ابو محمد داده شد تا با آن پول به نیابت امام زمان عجل الله فرجه حج بجای آورد، و این کار از عادت شیعه بود، ابو محمد از آن پول مبلغی به آن پسر فاسق خود داد، و بعد بمکه رفت،

ص: 52

وقتی که مراجعت کرد، چنین نقل کرد: روزی که در عرفات توقف کرده بودم، دیدم جوانی زیبا چهره و گندم گون که حالت دعا و راز و نیاز و تضرع و عمل نیک از قیافه اش آشکار بود، در کنارم ایستاده، وقتی که حرکت مردم از عرفات نزدیک شد، او بمن رو کرد و گفت: ای شیخ آیا حیا نمی کنی؟ گفتم: از چه ای آقای من؟ فرمود: حجبی که از ناحیه کسی که می دانی به تو واگذار می شود، ولی مبلغی از آنرا به فاسقی می دهی که شراب می خورد، حال نزدیک است که بخاطر این کار، چشمت کور گردد. به چشم من اشاره کرد و من از آن روز تا بحال در حال ترس و خوف هستم ابو عبدالله محمد بن نعمان گوید: این را شنیدم و پس از آن چهل روز بیشتر نگذشت که در چشم ابو محمد که مورد اشاره واقع شده بود زخمی پدیدار شد و موجب کوری آن گردید (1)

ص: 53

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که اراده حج داری ، قلب خود را تنها متوجه خدا کن و آنرا از هر چیزی که مشغولش می کند، و پرده غفلت بر رویش می افکند تهی کن ، و همه امور خود را به آفریدگارت واگذار ، و در همه آنچه که از حرکات و سکناتت بروز می کند بر خدا توکل نما، و تسلیم قضا و قدر و فرمان او باش، دنیا و آسایش و مخلوقات را رها کن ، و خود را از حقوقیکه از ناحیه مخلوق بر تو لازم شده تبرئه کن ، و برتوشه ، و مرکب، و یار، و نیرو، و دوران جوانی ، و ثروت خود تکیه نکن، از ترس آنکه همین ها دشمن و وزرو و بال تو شوند .

سپس فرمود: کسی که مدعی خوشنودی خدا باشد، ولی بر غیر خدا تکیه کند ، خداوند همان غیر را دشمن و مایه

رنجش او قرار می دهد، باید بداند که برای او و برای احدی نیرو و چاره ای جز عصمت و توفیق خدا نیست.

آنچنان آماده باش. همانند کسی که امید مراجعت ندارد دو در زندگی خود نیکو کار باش و وقت های واجبات الهی و سنت های پیامبر صلی الله علیه و آله و آنچه را که بر تو از ادب و تحمل و صبر و شکر و مهربانی و سخاوت و انفاق، همیشگی لازم است. رعایت و توجه کن، سپس با آب خالص توبه گناهانت را بشوی و لباس راستی و خضوع و خشوع بپوش و هر چیزی تو را از یاد خدا باز می دارد و مانع می شود از اطاعت خدا، بر خود حرام کن و لیبیکی بگو که بمعنی اجابت صاف و خالص و پاک، خدا درعونت باشد، در حالی که تمسک به دستگیره های محکم می افکنی.

هنگامی که با مسلمانان طواف کعبه می کنی، با قلبت همراه فرشتگان اطراف عرش را طواف کن و از همه قدرت و قوت خود، خود را تهی کن، غفلت و لغزش های خود را

ص: 55



بارفتن بمنی، از خود بیرون کن، و در منی چیزی که برای تو حلال نیست و شایسته آن نیستی آرزو مکن و در عرفات به خطاهای خود اقرار کن و در نزد خدا عهد خود را به یکتائی خدا تجدید نما و در مزدلفه تقرب به حق جست و تقوی پیشه کن و وقتی که بالای کوه می روی، روح خود را به ملاء اعلیٰ پیروز در آور و وقتی که در منی گوسفند قربان می کنی گلوی هوا و هوس و طمع را ذبح کن.

هنگام پرتاب سنگ به ستون های جمرات، هوس ها و پستی ها و زشتی ها را از خود بران و هنگامی که سرت را می تراشی عیب های آشکار و غیر آشکار خود را از خود دور کن و هنگام دخول بحرم و کعبه، در امان و لطف و پوشش و حفظ و حراست خدا در وصول به هدف وارد شو، در حالی که عظمت خدا و شناخت بزرگی و ارجمندی او در نظرت محقق و مجسم شده باشد و به عنوان خوشنودی از قسمت قضا و قدر خدا و خضوع در برابر عزت او حجر

ص: 56

اسود را استلام کن و هنگام طواف وداع، باغیر خداوداع کن، و هنگام وقوف در کوه صفا، روح و باطن خود را به لقای خدا در روزی که با او ملاقات شود (روز قیامت) باصفا کن و بکوه مروه که رسیدی اوصاف خود را براساس تقوی و ترس از خدا قرار بده و بر شرط حج خود و وفای بعهدی که با پروردگارت کرده و برای او تا روز قیامت واجب نموده ای پایدارش باش و بدانکه خداوند حج را تنها از این رو واجب کرده و در میان همه عبادات به خود نسبت داده آنجا که می فرماید:

( وَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ) برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه او کنند آنانی که توانائی رفتن به سوی آن را دارند (آل عمران آیه 97)

از این رو پیامبر خدا صلی الله علیه وآله سنت های حج را در لابلای مناسک حج بترتیب، تشریح کرد، تا مردم برای مرک و قبر و حشر و قیامت آماده و مهیا گردند و در این حج سبقت دخول به بهشت

ص: 57

برای بهشتیان و دخول به دوزخ برای دوزخیان با مشاهده مناسک از اول تا آخر، برای صاحب عقل و اندیشه بروز می کند و بنمایش گذارده می شود .

## اسرار و حکمت های حج

در یکی از سفرها هنگامی که امام زین العابدین علیه السلام از سفر حج مراجعت کرد، شبلی (یکی از زهاد زمانش) به استقبال آن حضرت شتافت، حضرت به او رو کرده و فرمود : ای شبلی آیا حج بجا آورده ای ؟ شبلی گفت آری ای فرزند رسول خدا، (آنگاه بین حضرت و شبلی بترتیب ذیل گفتگو شد).

امام : - آیا بر میقات (محل بستن احرام) وارد شده و از لباس دوخته برهنه شده و غسل کردی ؟

شبلی : - آری

امام : - آیا وقتی که وارد میقات شدی این نیت را

ص: 58

کردی که لباس گناه را از خود در آورده و لباس اطاعت را پوشیده ای؟

شبلی : - نه .

امام : - وقتی که از لباس دوخته بیرون آمدی ، آیا نیت کردی که از ریا و نفاق و ورود در امور شبهه ناک دور خواهی شد؟

شبلی : - نه .

امام : - وقتی که غسل کردی آیا نیت کردی که خود را از گناهان و خطاها بشوئی؟

شبلی : - نه .

امام : - بنابر این توبه میقات وارد نشده ای و لباس دوخته شده ات را در نیاورده ای و غسل هم نکرده ای .

سپس امام فرمود : آیا خود را پاکیزه کردی؟ و احرام بستنی؟ و عقد نیت حج را بستنی؟

شبلی : - آری .

ص: 59

امام : - وقتی که خود را پاکیزه کردی و احرام بستنی و عقدنیت حج را بستنی آیا نیت کردی که در پرتو نور توبه خالص برای خدا پاکیزه شده ای؟

شبلی : - نه .

امام : - وقتی که احرام بستنی آیا نیت کردی که هر آینه حرامی را که خدا حرام کرده بر خود حرام خواهی کرد؟

شبلی : - نه .

امام : - وقتی که احرام حج بستنی ، آیا نیت کردی که هر گونه عقد و پیمان غیر خدا را بگشائی و از خود بشکنی؟

شبلی : - نه .

امام : - پسنه خود را پاکیزه ساخته، و نه احرام بسته و نه عقد حج را بسته ای .

سپس امام فرمود: آیا وارد میقات شدی و در آنجا

ص: 60

دور کعت نماز احرام خواندی .

شبلی : - آری .

امام : وقتی که وارد میقات شدی نیت زیارت کردی ؟

شبلی : نه .

امام - وقتی که دور کعت نماز را خواندی نیت - کردی که با بهترین اعمال و بزرگترین حسنات بندگان ، یعنی نماز که بهترین وسیله ای بخداوند عالمیان است ، تقرب بخدا جسته ای ؟

شبلی : - نه .

امام : وقتی که لبیک گفتی ، آیا نیت کردی که برای خدا بخاطر هر اطاعتی سخن گوئی و در برابر هر معصیتی خاموش شوی ؟

شبلی : - نه .

امام : - بنابراین تو وارد میقات نشده و نماز نخوانده

ص: 61

و ليك هم نكفته اى .

سپس فرمود: آیا وارد حرم شدى و كعبه را دیدى و نماز خواندى؟

شبلى : - آرى .

امام : - هنگامى كه وارد حرم شدى، آیا نیت كردى كه هر غيبتى را كه مسلمانان از اهل اسلام مى كنند بر خود حرام مى كنى؟

شبلى : - نه .

امام : - وقتى كه به مكه رسیدى ، آیا به قلب خود نیت كردى كه رسیدن به حضور خدا را قصد كرده اى ؟

شبلى : - نه .

امام : - بنابراین وارد حرم نشده ، و كعبه را ندیده و نماز هم نخوانده .

سپس فرمود: آیا خانه خدا را طواف و ارکان كعبه را مس كرده و سعى صفا و مروه نمودى؟

ص: 62

شبلی : آری

امام : - وقتی که سعی کردی آیا نیت کردی بسوی خود گریخته و خدا این معنی را از تو دانسته است ؟ .

شبلی - نه .

امام : - بنابراین خانه را طواف نکرده و ارکان را مس نکرده ای .

سپس فرمود: آیا با حجر الاسود مصافحه کرده ، و در مقام ابراهیم توقف نموده و در آن مکان دور کعت نماز خوانده ای ؟

شبلی : -- آری .

در این هنگام امام علیه السلام فریادی آنچنان زد که نزدیک بود از دنیا برود.

سپس فرمود : آه .. آه . . کسی که با حجر الاسود مصافحه کند، بسان اینست که با خدا مصافحه کرده است ، بنگر ای بیچاره پاداشی را که

بسیار ارجمند است با

ص: 63



نافرمانی خود ضایع مکن و همچنین ارزش مصافحه را با مخالفت و انجام کارهای حرام مانند گنهکاران گم مکن .

سپس فرمود: وقتی آیا که در مقام ابراهیم ایستادی آیا نیت کردی که در برابر هر اطاعتی توقف کرده ، و در برابر هر گناهی مخالفت نمائی ؟

شبلی : - نه

امام : - وقتی که دور کعت نماز خواندی آیا نیت کردی که نمازی مانند نماز ابراهیم علیه السلام خوانده ، و با صدای خودینی شیطانرا بخاک بسائی ؟

شبلی : - نه .

امام : - بنابر این تو باحجر الاسود مصافحه نکرده ، و در مقام ابراهیم علیه السلام توقف نکرده ، و دورکعت نماز در آن هم نخوانده ای .

سپس فرمود: آیا بر چاه زمزم وارد شدی و از آب آن آشامیدی ؟

ص: 64

شبلی : - آری .

امام : آیا نیت کردی که با طاعت خدا وارد شده و چشمانت را از گناه فروبندی ؟

شبلی : - نه .

امام : - بنابراین تو بر آب زمزم وارد نشده و از آب آن هم نیاشامیده ای .

سپس فرمود: آیا سعی بین صفا و مروه و در بین این دو راه رفته ای ؟

شبلی : - آری .

امام : - آیا در این حال نیت کردی که بین امید و ترس هستی ؟

شبلی : - نه .

امام : - بنابراین این توسعی نکرده و بین صفا و مروه هم راه نرفته و رفت و آمد نکرده ای .

سپس فرمود : آیا بسوی منی بیرون رفتی ؟

ص: 65

شبلی : آری.

امام - آیا در این هنگام نیت کردی که مردم از زبان و دل و عملت در امان باشند؟

شبلی : - نه

امام - بنابراین برای منی هم بیرون نرفته ای .

سپس فرمود: آیا در عرفات توقف و بکوه رحمت بالا رفته ای؟ و آیا بیابان نمره را شناختی و در کنارستون و جمرات نیایش با خدا کردی؟

شبلی : - نه .

امام: آیا در توقف خود در عرفات ، خداوند را خوب شناختی؟ و آیا فهمیدی که نامه اعمال دست خدا است و او بر باطن دل تو آگاه است ؟

شبلی : - نه .

امام : - آیا هنگام صعود به کوه رحمت (در عرفات) نیت کردی که خداوند همه افراد با ایمان از زن و مرد را

ص: 66

مشمول رحمت خود قرار دهد و هر فرد مسلمان از زن و مرد را دوست بدارد؟

شبلی : نه.

امام: در بیابان نمره ( حدودی برای صحرای عرفات معین شده که نام آنها ، ثوبه ونمره وذی المجاز ، و مازمین است) نیت کردی که به تو امر نشود مگر این که آنرا انجام دهی و به تونهی نشود مگر آنرا ترک کنی.

شبلی : نه

امام : - وقتی که در کنار علامت و نمره ها ایستادی نیت کردی آنها بر اطاعت های تو گواهی می دهند و ترا با حافظان دیگر به امر پروردگار آسمان ها حفظ می کنند؟

شبلی : - نه .

امام - بنابراین تو در عرفات توقف نکرده و برکوه رحمت صعود نکرده و نمره را نشناخته و دعا نکرده و توقف در کنار نمرات هم نکرده ای .

ص: 67

سپس فرمود: آیاتو در بین دو علم (علامت) عبور و قبل از عبور دور کعت نماز خوانده ای؟ و آیا به مزدلفه (مشعر) رفته و در آنجا سنگ ریزه برچیده و به مشعر الحرام عبور کرده ای؟

شبلی: آری.

امام: - وقتی که دور کعت نماز خواندی، آیا نیت کردی که این نماز، نماز شکر شب دهم است، که هر گونه دشواری را بر طرف کرده و هر سختی را آسان می گرداند.

شبلی: - نه.

امام: - وقتی که بین دو علامت راه می رفتی و در راه رفتن بین آن دو متمایل به چپ و راست آن نمی شدی، آیا نیت کردی که از دین حق بر طرف راست و چپ نه در قلب و نه در زبان و نه در سایر جوارح، منحرف نشوی؟

شبلی: - نه.

ص: 68

امام : وقتی که به مزدلفه رفتی و در آنجا سنگ ریزه برچیدی: آیا نیت کردی که هر گناه و نادانی را از خود برداشته و به جای آن علم و عمل گذاشته ای؟

شبلی : - نه .

امام - : وقتی که به مشعر الحرام عبور کردی آیا نیت کردی که قلب را شعار پرهیزکاران و آنانکه از خدا ترس و خوف دارند آگاه سازی؟

شبلی : - نه .

امام : - بنابراین تو از دو علامت عبور نکرده و دور کعت نماز نخوانده و به مزدلفه نرفته و از آن سنگ ریزه جمع ننموده و به مشعر الحرام هم عبور نکرده ای .

سپس فرمود: آیا به منی رفتی و در آنجا سنگ بر جمره زدی و سرت را تراشیدی و قربانی کردی و نماز در مسجد خیف خواندی؟ و آیا به مکه مراجعت نمودی و طواف افاضه را بجا آوردی؟

ص: 69

شبلی : - نه .

امام : - هنگام رسیدن به منی و سنگ انداختن به جمره آیا نیت کردی که به مقصودت رسیده و خداوند تمام حاجت های ترا بر آورد؟

شبلی : - نه .

امام : - وقتی که به جمره سنگ زدی آیا نیت کردی که بطرف دشمنت ابلیس سنگ زده و در تمام حج از او روگردان شوی؟

شبلی : - نه .

امام : وقتی که سرت را تراشیدی آیا نیت کردی که از آلودگی ها و گناهان بنی آدم پاک شده و از گناهان همچون هنگامی که از مادرت متولد شدی بیرون می آیی؟

شبلی : - نه .

امام : وقتی که در مسجد خیف نماز خواندی ، آیا نیت کردی که تو از غیر خدا و گناهت نمی ترسی؟ و به جز

ص: 70

رحمت خدا خدا امید به چیزی نداری؟

سال شبلی : - نه .

امام : - وقتی که قربانی کردی ، آیا نیت کردی که گلوی طمع را با حقیقت پرهیز کاری که به آن تمسک کرده ای بریده و پیروی از سنت ابراهیم علیه السلام در قربانی فرزندش و میوه دلش و گل قلبش و زنده نگاه داشتن سنت او را بعد از او ، و تقرب جستن بخدا برای نسل آینده بنمائی؟

شبلی : - نه .

امام : وقتی که به مکه مراجعت کردی و طواف افاضه بجا آوردی، آیا نیت کردی که از فیض رحمت خدا برخوردار شده و به اطاعت خدا برگشتی و بدرستی او تمسک جسته و واجبات او را بجا آوری و به خدای متعال تقرب بجوئی؟

شبلی : - نه .

امام : - بنابراین به منی نرفته و ستون های جمره را

ص: 71



سنگ نزه و سرت را تراشیده و قربانی نکرده و مناسک حج را انجام نداده و نماز در مسجد خیف نخوانده و طواف افاضه بجا نیاورده و تقرب به خدا هم نجسته ای بنابراین ، برگرد که توحج بجا نیاورده ای .

شبلی : - از اینکه حج را ضایع کرده شروع به گریه کرد، ولی دنبال کار را گرفت و بی وقفه به دنبال یاد گرفتن حج صحیح رفت، سرانجام در سال بعد حج درست بر اساس شناخت و یقین انجام داد .

(مستدرک ج 2 ص 182)

ص: 72

## فلسفه حج و چرا یکبار واجب شده؟

حضرت رضا علیه السلام فرمود: علت و فلسفه حج عبارت است از کوچ کردن بسوی خدا و رو آوردن به درگاه خالق و طلب توسعه امر معاش و دل کندن از آنچه از امور مادی به دست آورده و توبه از گذشته و شروع به اعمال نیک نسبت به آینده و مصرف اموال و رنج های بدنی و ممنوع داشتن نفس از لذات و هوس ها و تقرب به خدا در عبادت و خضوع و خشوع و خاکساری در برابر خدا و تحمل گرما و سرما، امید و ترس و پایداری دائم در این سیر و امور دیگری که

ص: 73

عاید همه خلق می شود، از منافع و اشتیاق و خوف از خدا و رو بسوی خدارفتن .

از جمله منافع : ترك قساوت قلب و پستی نفس و عدم فراموشی یاد خدا و قطع امید و آرزو و تجدید حقوق و باز داشتن نفس از فساد و منفعت رسانی ای که مشرقیان و مغربیان و صحرانشینان و دریانشینان و بجا آورندگان حج و غیر آنها از تاجر و کاسب و فروشنده و مشتری و نویسنده و بیچاره از آن بهره مند گردند. و برآوردن حاجت های مردم اطراف و محل هائی که اجتماع آنان در مکه امکان دارد .

(لیشهد و امنافع لهم) تا شاهد منافی برای خود باشند اما فلسفه این که چرا حج یکبار واجب شده این است که خداوند واجبات را با توجه به ناتوان ترین مردم تشریح نموده که از جمله آن واجبات حج است ، که يك بار واجب شده ، سپس آنان که قدرت و استطاعت بیشتر دارند آنها را ترغیب به حج نموده که به میزان قدرتشان به حج بروند و از

ص: 74

هشام بن حکم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم، به چه علت خداوند بندگان خود را به حج و طواف، مکلف کرد؟ فرمود: خداوند متعال خلق را به خاطر علتی نیافرید بلکه او چنین خواست و طبق مشیتش تا وقت معینی خلق کرد، سپس آنان را امر و نهی نمود که این مطلب هم فرمان بری از دین است و هم مصلحتشان در امور دنیا، و تا مردم شرق و غرب عالم در يك نقطه اجتماع کرده و یکدیگر را بشناسند و امر تجارت از شهری به شهرهای دیگر گسترش یابد و بر اثر آن کرایه دهندگان و مرکب دارها بهره مند شوند، و آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله شناخته شود و اخبار او یاد آوری شده و فراموش نگردد و اگر هر گروهی تنها در بلاد خود و اطراف همان اکتفا و تفاهم کنند هلاک شده، و شهرها و کشورها (از نظر اقتصادی و غیره) ویران می گردد و داد و ستد و بهره تجارتی از میان رفته و خیرها پوشیده شده و کسی به آنها دست نخواهد یافت این است فلسفه حج (بحار حج ص 7).

حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: وقتی که این آیه ( وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ ) نازل شد مؤمنین گفتند ای رسول خدا آیا در هر سال حج واجب است؟ رسول اکرم صلی الله علیه وآله کرد، آنان بار دیگر این سؤال را تکرار کردند؟ حضرت فرمود: نه واگر می فرمود: آری واجب می شد، در این موقع این آیه نازل شد ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنۡ أَشْيَاءٍ اِنَّ تُبَدِّلُكُمْ تَسْؤُكُمْ ) . ای کسانی که ایمان آورده اید مپرسید از چیزهایی که اگر آشکار شود شما را بد آید . (مائده 101) (بحار حج ص 5) .

## پاداش آدم در ساختن کعبه

در کتاب لب اللباب روایت شده : خداوند به آدم فرمان داد کعبه را بناکن و آدم آن را بنا کرد ، پس از بنای آن آدم عرض کرد: خدایا هر اجیری مزد دارد . مزد عمل مرا بمن بده ، خداوند فرمود: وقتی که دور کعبه طواف کردی ترا برحمت خود می آمرزم ، عرض کرد : بیفزای ، فرمود: اگر فرزندان تو دور کعبه طواف کنند آنان را نیز می آمرزم .

فرمود : کسی که به نیت کعبه حرکت کند ولی به او

ص: 77

نرسد، اورانیز می آمرزم، عرض کرد: بیفزای. فرمود: هر کسی که طواف کنندگان برای او دعا و استغفار کنند، به برکت دعای آنان او را نیز می آمرزم. (مستدرک ج 2 ص 147).

### وجود کعبه قبل از آدم علیه السلام

حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره کعبه سؤال شد، که آیا قبل از بعثت پیامبر اسلام کسی حج می نمود؟ فرمود: آری، به دلیل اینکه قرآن از قول شعیب می گوید او به موسی در مورد ازدواج با دخترش گفت: (عَلَىٰ أَنْ تَأْجِرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ) یعنی به این شرط دخترم را همسر تو کنم که هشت که هشت حج اجیر من باشی (قصص - 27) نگفت هشت سال (ثمانی سنین) و همچنین آدم و نوح، حج بجا آوردند و سلیمان بن داود همراه جن و انس و پرنده و باد، حج کعبه را بجای آورد، و حضرت موسی بر بالای کوه

ص: 78

سرخ حجج بجا آورد و می گفت لبیک لبیک و کعبه همانگونه که خداوند در قرآن می فرماید: نخستین خانه ای است که برای مردم قرار داده شد و در سرزمین مکه است، که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است (1).

و نیز فرمود در قرآن مجید: بیاد بیاور هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه کعبه را بالا می بردند (2).

و نیز می فرماید: و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک کنید (3).

و خداوند حجر الاسود را بر آدم نازل کرد، در حالی

ص: 79

---

1- (انَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ) (آل عمران) (96)

2- (وَإِذِ رَفَعَ إِبْرَاهِيمَ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلَ) (بقره - 127).

3- (وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ الطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعَ السُّجُودِ) (بقره) 125



که کعبه وجود داشت . (بحار حج ص 15)

## تعداد حج آدم علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت آدم علیه السلام هزار بار پیاده باین خانه اشاره به کعبه رو آورده که در این هزار بار هفتصد بار حج بجای آورده و سیصدبار عمره و از ناحیه شام به طرف کعبه می آمد و برکوه ثور و در مکانی که در آن توبه اش پذیرفته شد آنجا که دیوار حطیم بر آن قرار

دارد که بین درب کعبه و حجر الاسود باشد ، حج بجای می آورد و آدم کعبه را صد سال پیش از آنکه حواریا به بیند ، طواف کرد و جبرئیل به او گفت ( حَيَّاكَ اللَّهُ وَ لَبَّاكَ ) خداوند تو را زنده بدارد و اجابت کند ترا (محبته ص 152)

حضرت امام رضا علیه السلام بنقل از پدران خود در ضمن حدیث مفصلی می فرماید: مردی از امیرمؤمنان علی علیه السلام پرسید: آدم چند بار حج بجای آورد؟ فرمود: او هفتصد

ص: 80

حج با پای پیاده بجای آورد.

نخستین حجی را که بجای آورد، همراهش جغدی بود که او را به آب رهنمایی کرد و از بهشت همراه آدم بیرون آمده بود و از خوردن گوشت جغد و پرستو نهی شده است .

از آنحضرت سؤال شد : نخستین کسی که از اهل آسمان حج بجای آورد که بود، فرمود: جبرئیل علیه السلام بود.

(وسائل ج 8 ص 91)

امام باقر علیه السلام فرمود : آدم علیه السلام به این خانه (اشاره به کعبه) هزار بار با پای پیاده آمده، هفتصد بار برای حج و سیصدبار هم عمره بجای آورده است.

(وسائل ج 8 ص 94)

ص: 81

امام باقر علیه السلام به نقل از پدران خود، فرمود: خداوند متعال به جبرئیل و حی فرستاد. (من خدای مهربان و بخشنده ام) من آدم و حواری مورد شکایتشان مشمول رحمت خود قرار دادم و برای آنان خیمه ای از خیمه های بهشت فرود آوردیم، من آنان را رحمت کردم بخاطر گریه ها و خوف و تنهائیشان، پس خیمه را بر ترعه (و کانالی) که بین کوه های مکه قرار دارد، منصوب کن.

امام فرمود: ترعه همان مکان کعبه و پایه های آن

است که فرشتگان قبل از آدم، آن پایه ها را بر پا داشته اند، جبرئیل از آسمان نزد آدم فرود آمد و خیمه را در مکان کعبه و پایه هایش را بمقدار کعبه قرارداد.

سال امام فرمود: جبرئیل آدم را از کوه صفا و حوا را از کوه مروه به زمین آورد و این دورا در آن خیمه به هم رسانید. ستون خیمه شاخه ای از یاقوت سرخ بود، نور و روشنائی آن، کوه های مکه و اطراف آن را روشن کرد، و تا آنجا که از هر طرف روشنائی رسید، امروز حرم بحساب می آید.

سپس فرمود: از این رو خداوند آن را حرم قرارداد، برای حرمت خیمه و عمود آن که از بهشت فرود آمده، و فرمود: از این سبب نیکی ها و بدی ها را در حرم چندین برابر قرار داد و فرمود: طناب های خیمه در اطراف خیمه کشیده شد، انتهای میخ های آن اطراف مسجد الحرام را نشان می داد و آن میخ ها از طلاهای خالص بهشت بود. و طناب های

ص: 83

آن از موهای بافته شده ارغوان بود، فرمود: خداوند به جبرئیل وحی کرد تا با هفتاد هزار فرشته وارد آن خیمه شوند و آن خیمه را از شیاطین سرکش حفظ نمایند و با آدم انس بگیرند و به خاطر تعظیم و احترام خانه و خیمه دور آن طواف کنند، جبرئیل با آن فرشتگان به کنار خیمه فرود آمده و آن را از شیاطین سرکش حفظ و حراست کرده و دور ارکان کعبه و خیمه، در هر روز و شب طواف می کردند، همان گونه که در آسمان دور بیت المعمور طواف می نمودند.

و فرمود: رکن های کعبه در زمین مقابل (بیت المعمور) در آسمان قرار گرفته است .

سپس خداوند متعال به جبرئیل وحی فرمود، نزد آدم و حوا برو و آنان را از محل ارکان خانه ام کعبه، که برای فرشتگانم و برای خلقم از فرزندان آدم است، دور گردان، جبرئیل، نزد آدم و حوا آمد و آنان را از خیمه بیرون کرد و از کانال خانه دور گرداند و خیمه را از محل کانال

ص: 84

دور کرد، سپس بفرموده خداوند: آدم را بر کوه صفا و حواری بر کوه مروه گذاشت، آدم به جبرئیل گفت: آیا بر اثر غضب الهی بر ما است که مکان ما را تغییر دادی و ما را از هم جدا نمودی؟ یارضای خداوند بر این تقدیر بوده است؟ جبرئیل به آنان گفت: این کار بر اثر غضب خداوند نبود ولی آنچه خداوند انجام میدهد بازخواست نمی شود.

ای آدم، خداوند هفتاد هزار فرشته فرستاده تا باتو مأنوس شوند و دور ارکان کعبه و خیمه طواف نمایند، آنان از خداوند خواستند که برای آنها در مکان خیمه، خانه ای در محل ترعه (کانال) مبارکی که در مقابل بیت المعمور قرار گرفته بنا کند تا آنها طواف کنند همانگونه که بیت المعمور را در آسمان طواف می نمایند، خداوند وحی کرد که ترا از آنجا دور کنم و خیمه را از آن مکان بردارم.

آدم گفت به تقدیرات خدا خوشنودیم و فرمان او در

ارکان خانہ کعبہ را با سنگی از صفا و سنگی از مروہ و سنگی از طور سینا و سنگی از کوه سلم ، (کہ در پشت کوفہ است) بہ پا ساخت ، خداوند بہ جبرئیل وحی کرد ساختمان خانہ را تمام و کامل کن ، جبرئیل بہ فرمان خدا آن چہار سنگ را بابال خود از محل های خود برداشت و مطابق دستور خدا در جای ارکان خانہ بر آن پایہ ہائی کہ خداوند مقدر کردہ گذاشت و نشانہ های آنها را نصب کرد سپس بہ جبرئیل وحی کرد کہ آنرا با سنگی از کوه ابوقیس بنا و تکمیل کن و بر آن خانہ دو درب شرقی و غربی قرار بدہ .

سپس فرمود: جبرئیل طبق فرمان رفتار کرد ، وقتی کہ کار بہ پایان رسید ، تمام فرشتگان ، دور آن خانہ طواف کردند ، وقتی کہ آدم و حوا بہ رشتگان نگاہ کردند کہ دور خانہ طواف می کنند ، بہ آنها پیوستند و ہفت دور ، کعبہ را طواف کردند ، سپس بہ طلب غذا از کنار کعبہ

دور شدند (بحار حج ص 16).

امام صادق علیه السلام فرمود: کعبه در زمان ابراهیم خلیل علیه السلام 9 ذراع بود، سپس عبدالله بن زبیر او را بنا کرد و ارتفاع آنرا 18 ذراع قرار داد، سپس حجاج آنرا ویران کرد و تجدید بنا کرد و آنرا 27 ذراع قرارداد.

(وسائل ج 9 ص 328).

علی بن ابراهیم و دیگران به اسناد مختلف به امام نسبت می دهند که فرمود: قریشیان کعبه را خراب کردند، به این ترتیب که از کوه های مکه سیل آمد و به کعبه خرابی وارد شد، در کعبه يك مجسمه آهوی طلائی که پاهایش از جواهرات بود دزدیده شد و دیوار کعبه کوتاه بود و این زمان سی سال قبل از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله بود، قریش خواستند که کعبه را خراب کنند و از نو بسازند و عرض آن را زیاد کنند ترسیدند که اگر کلنگ به آن بگذارند، عذاب خدا بر آنان نازل شود.

ولید بن مغیره گفت: مرا بخودم واگذارید تا کعبه را

ص: 87



خراب کنم، اگر خوشنودی خدا در این باشد که عذابی به من نمی رسد و گرنه ما را (همین عمر) کافی است، بر بام کعبه رفت و سنگی را حرکت داد، همان جا ماری به طرف ولید بیرون آمد و خورشید گرفته شد، وقتی که چنین دیدند بگریه و تضرع افتادند و گفتند: خداوندا ماجز اصلاح اراده دیگری نداریم، مار پنهان شد، آنان کعبه را خراب کردند و سنگ هایش را اساس بنا قرار داده و شروع به بنا کردند، تا به اندازه ای که زمان ابراهیم علیه السلام ساخته شده بود مجدداً آن را ساختند، بعد خواستند در عرض کعبه بیافزایند، اما تا قواعدیکه ابراهیم قرار داده بود حرکت دادند که آن ها را از جابه کنند، زلزله ای شدید آمد و تاریکی سختی آنها را فرا گرفت.

بنای کعبه بدست ابراهیم از نظر طول (30) ذراع و از نظر عرض (22) ذراع و از نظر ارتفاع (9) ذراع بود، قریش گفتند در ارتفاع کعبه می افزائیم وقتی که ساختمان

آن را به پایان رساندند و نوبت به نصب حجر الاسود رسید، بین افراد قریش اختلاف در نصب حجر الاسود افتاد، هر يك از قبائل میخواست این افتخار نصیب او شود. اختلاف بالا گرفت، سرانجام باین پیشنهاد راضی شدند که این کار را به داوری يك نفر واگذار کنند و گفتند نخستین کسی که از باب بنی شیبه وارد شود در این کار داوری کند.

لحظه ای بعد دیدند حضرت محمد صلی الله علیه وآله از آن درب وارد شد، گفتند این امین است که می آید، به داوری او راضی شدند، پیامبر صلی الله علیه وآله ردای مبارك خود را روی زمین پهن کرد (برخی گفته اند که ردای آن بزرگوار، کساء طارونی بوده) و حجر الاسود را در آن گذاشته و فرمود: از هر يك قسمت از چهار قسمت قریش مردی به نمایندگی به پیش آید.

چهار نفر بنام های عتبة بن ربیعة از طایفه عبد شمس واسود بن مطلب از طایفه بنی اسد بن عبدالعزی و ابو خذیفة

ابن مغیره از طایفه بنی مخزوم و قیس بن عدی از طایفه بنی سهم به پیش آمدند و چهار گوشهٔ عمارت بلند کردند و آوردند نزدیک ساختمان کعبه آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله آنرا برداشت و بجایش گذاشت و اختلاف رفع شد.

پادشاه روم یک کشتی ای که در آن وسائل سقف و چوب و ساختمان بوده همراه عده ای کارگر به حبشه فرستاده بود تا در آنجا کلیسایی بسازند، بادتندی وزیده بود و آن وسائل را بساحل دریا انداخته بود، وقتی که این خبر به قریش رسید، به ساحل رفتند و در آنجا آن وسائلی را که از چوب و زینت و غیره بود و به درد ساختمان کعبه می خورد، خریداری کرده و به مکه آوردند و اندازه آن چوب ها با ساختمان (غیر از حجر الاسود) مطابقت کرد وقتی که ساختمان پایان یافت، پارچه ای به او پوشاندند بنام کساء اُردیه .

(وسائل ج 9 ص 329).

حسن بن علی نعمان گوید: وقتی که مهدی عباسی

ص: 90

تجدید بنای ساختمان مسجد الحرام را کرد (و آن را توسعه داد) در چهار گوشه مسجد خانه هائی وجود داشت ، از صاحبان خانه ها خواست تا آنها (با فروش یا غیره) واگذار کنند، تاجزه مسجد شود ، صاحبان آن راضی نشدند .

مهدی این مسئله را از فقهاء پرسید ، همه گفتند: شایسته نیست که چیزی از غصب داخل مسجد الحرام شود.

علی بن یقظین که در آنجا حضور داشت به مهدی گفت: اگر نامه ای برای موسی بن جعفر علیه السلام بنویسی و از او این سوال را بپرسی، ترا از حقیقت ماجرا خبر می دهد.

مهدی نامه ای به فرماندار مدینه نوشت که از امام موسی بن جعفر علیه السلام این مسئله را بپرس و بگو، خانه ای را می خواهیم داخل مسجد کنیم صاحب او امتناع از فروش دارد، راه چاره چیست؟ فرماندار طبق دستور خدمت امام موسی بن جعفر علیه السلام رسید و مسأله را پرسید .

امام فرمود: این مسأله را از ابوالحسن (حضرت

رضا) علیه السلام پیرس . او از حضرت رضا پرسید؟ حضرت فرمود: آیا حتما باید به این مسأله جواب داده شود؟ فرماندار عرض کرد: - آری، فرمود: برای مهدی بنویس (بنام خداوند بخشنده مهربان) اگر کعبه اول بنا شده و مردم سپس در کنار آن فرود آمده اند، فضای اطراف آن متعلق به کعبه است و اگر سکونت مردم در آنجا مقدم بر خانه کعبه بوده آنان سزاوارترند، وقتی که این نامه به حضور مهدی رسید نامه را بوسید .

سپس فرمان به خراب کردن آن خانه راها داد. صاحبان خانه ها خدمت حضرت رضا رسیده از حضرت خواستند که نامه ای برای مهدی بنویسد که قیمت خانه هایشان را بپردازد، حضرت نامه ای برای مهدی نوشت ، که چیزی به آنان عطا کن او هم آنان را راضی کرد . (1)

ص: 92

---

1- وسائل ج 9 ص 331 .

## فلسفه نامگذاری کعبه به (کعبه)

گروهی از یهودیان به حضور رسول اکرم صلی الله علیه وآله شرفیاب شده و در مورد اموری سؤال کردند ، از جمله یکی از آنها پرسید، چرا کعبه را کعبه نام گذاری کردند .

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: زیرا در وسط دنیا قرار گرفته است . (بحار حج ص 13)

## فلسفه علامت ها و حدود حرم

بزنطی گوید: از حضرت رضا علیه السلام در مورد حدود

ص: 93

و نشانه های حرم سؤال کردم؟ (منظور ستون هایی به شکل مکعب مستطیل به ارتفاع سه متر در آخرین حد فواصل حرم است که برای نشانه ساخته شده که این حد و در احرام گویند (م) که چگونه بعضی بهم نزدیکند و بعضی از هم دورند؟ فرمود: خداوند متعال وقتی که آدم را از بهشت بیرون کرد و به زمین فرود آورد، او را بر کوه ابوقیس فرود آورد و او از وحشت و این که چیزی را که در بهشت می شنید اینک نمی شنود بدرگاه خدا شکایت کرد، خداوند یاقوت سرخی نزد آدم فرستاد و آدم آنرا در محل کعبه گذارد و دور آن طواف می کرد و روشنی آن به محل علامت ها می رسید و آن علامت ها بر اثر نور آن یاقوت، معلوم شد، خداوند این حدود امتداد روشنائی را حرم قرار داد.

(بحار حج ص 17)

ص: 94

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام درباره این آیه از سوره (آل عمران 97) (وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا) کسی که داخل آن شود در امان خواهد بود پرسیدم؟ فرمود: هر خانقی در این سرزمین در امان است، در صورتی که حدی از حدود خدا بر گردنش نباشد، که سزاوار مؤاخذه برای آن حد شود، گفتم کسی که با خدا و رسولش محاربه کند و سعی در فساد زمین داشته باشد آیا در حرم در امن و امان است؟ فرمود: چنین کسی همچون راه زنی است که گوسفند یا متاع دیگر مردم را می رباید حکمش با امام است، هر طور صلاح دانست، همان انجام می شود، گفتم: در مورد خیانت کاری که وارد حرم می شود، چه می فرمائید؟ فرمود: نباید دستگیر و یا صدمه ای به او برسانند، زیرا خداوند می فرماید: (وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا) (بحار حج ص 17).



حلبی گوید : امام صادق علیه السلام در تفسیر ( وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ) فرمود: وقتی که بنده ای را در بیرون حرم دستگیر کردند، سپس بسوی حرم فرار کرد، سزاوار نیست که در حرم دستگیر شود، ولی او را از بازار جلوگیری می کنند نباید چیزی بفروشد و غذا به او نمی دهند آب به او نمی آشامند و با او سخن نمی گویند، که اگر با او چنین رفتار کنند امید است که از حرم بیرون آید و در بیرون حرم دستگیر شود و اگر در حرم دست به کارهای ناشایسته ای زد در همانجا دستگیر می شود. (بحار حج ط قدیم ص 17).

### **برتری کعبه و مسجد الحرام**

ابن عمار گوید امام صادق علیه السلام فرمود : خداوند می فرماید در اطراف کعبه صدو بیست رحمت است : شصت رحمت آن به طواف کنندگان و چهل رحمت آن به نمازگزاران و بیست رحمت آن به ناظران می رسد.

(بحار حج ط قدیم ص 45) .

ص: 96

امام صادق علیه السلام می فرماید: وقتی که خداوند به ابراهیم علیه السلام وحی کرد که: (خانه ام را برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجود کنندگان پاکیزه کن، صد و هفتاد رحمت بکعبه فرود آمده، که شصت رحمت آن برای طواف کنندگان و پنجاه رحمت آن برای مجاوران و چهل رحمت آن برای نمازگزاران و بیست رحمت آن برای ناظران داده شد. [\(1\)](#))

و امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: در دنیا چهار قصر از قصرهای بهشتی وجود دارد.

1 - مسجد الحرام .

2 - مسجد پیامبر (در مدینه)

3 - مسجد بیت المقدس

4 - مسجد کوفه [\(2\)](#)

ص: 97

---

1- بحار حج ط قدیم ص 12.

2- بحار حج ط قدیم ص 55

## نگاه به کعبه عبادت است

زراره گوید: در پشت مقام ابراهیم در حضور امام محمد باقر علیه السلام نشسته بودم دیدم ، امام با تمام حواس رو به کعبه توقف کرده و به کعبه می نگرد، آنگاه فرمود: نگاه به کعبه عبادت است، خداوند خانه ای در زمین محبوب تر از کعبه نیافریده، سپس با دستش اشاره ای به کعبه کرد (و فرمود) : و نه گرامی تر از کعبه و خداوند متعال در روزی که آسمان ها و زمین را آفرید ، بخاطر کعبه ماه هائی را در قرآن خود گرامی داشت و آنها را اشهر حرم معرفی کرد ،

ص: 98

که سه ماه آن (ذیقعه، ذیحجه و محرم) پشت سر هم هستند و يك ماه آن (رجب را) تنها برای عمره حرمت داده است. (بحار حج چاپ قدیم ص 12) (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: کوچک ترین پاداش نگاه به کعبه این است که خداوند به هر نگاهی يك حسنه عطا می کند و يك گناه از وی محو می کند و يك درجه به مقام او می افزاید. (بحار ص 14).

نیز روایت شده: کسی که به کعبه بنگرد، در تمام زمان نگاهش برای او حسنات نوشته می شود و گناه از او محو می گردد، تا موقعی که چشمش را از آن بردارد.

(محجه ص 154).

ابوذر غفاری گوید: پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: نگاه

ص: 99

---

1- منظور این است که این ماه ها محترم است و جنگ در این ماه ها حرام می باشد تا مردم آزادانه در این ماه ها به زیارت کعبه پرداخته و حج و عمره بجای آورند. (مترجم)

کردن به چهره علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت است ، نگاه کردن به چهره پدر و مادر که از روی مهربانی و ترحم باشد عبادت است ، نگاه کردن به صفحات قرآن عبادت است و نگاه به کعبه نیز عبادت محسوب می شود . (1)

ص: 100

---

1- بحار حج ص 14.

## فلسفه حج و بنای کعبه از گفتار علی بن ابیطالب علیه السلام

امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه در نهج البلاغه می فرماید (1): و هر چند امتحان و آزمایش بزرگ تر باشد، ثواب و پاداش آن بزرگ تر و فراوان تر است آیا نمی بینید که خداوند پیشینیان را از زمان آدم تا آخرین نفر این جهان آزمایش فرموده، بسنگ هائی که (سنگ های کعبه از آن بنا شده) نه زیان دارد و نه سود و نه بینش دارد و نه شنوائی،

ص: 101

---

1- خطبة 234 از نهج البلاغه فیض - و خطبه 92 از نهج البلاغه صبحی الصالح.

پس آن سنگ ها را بیت الحرام خود قرارداد ، خانه ای که آنرا برای مردم بر پاساخت و آنرا در دشوارترین جاهای زمین از جهت سنگستان بودن و کم ترین جاهای بلند دنیا از جهت کلوخ و خاك داشتن و تنگ ترین دره ها قرار داد ، که در بخشی از زمین بین کوه های ناهموار و ریگ های نرم و چشمه های کم آب و دهکده های از هم دور که شتر و اسب و گاو و گوسفند هم در آنجا فربه نمی شود . . واقع شده است .

پس آدم و فرزندانش را امر کرد که به جانب آن متوجه گردند و بیت الحرام محلی برای سوداگران مسافر مقصد باراندازیشان گردید، میوه های دل ها (اصحاب دل و معنویت) به آن خانه فرود می آیند، از بیابان های بی آب و گیاه ، دور از آبادی و از بلندی دره های سراشیب و از جزیره های دریاها (که از قطعات زمین) جدا شده است ، تا این که روش های خود را با خضوع و فروتنی (در سعی و

طواف) می‌جنبانند، در اطراف خانه تهلیل (لا اله الا الله) می‌گویند و برپاهایشان هروله می‌کنند (با شتاب می‌روند) در حالی که برای رضای خدا ژولیده مو و غبار آلوده هستند، جام‌هایشان را پشت سر انداخته‌اند و بر اثر تراشیدن موها و زیاد شدن آن، زیبایی‌های خود را زشت کرده‌اند، خداوند ایشانرا امتحان و آزمایش نمود، امتحان بزرگ تر و سخت و آشکار کامل که آنرا سبب دریافت رحمت و رسیدن به بهشت گردانید.

اگر خداوند می‌خواست خانه محترم و عبادت‌گاه‌های بزرگ خویش را بین باغ‌ها و جوب‌ها و زمین نرم و هموار با درخت‌های بسیار و بامیوه‌های در دسترس و ساختمان‌های بهم پیوسته و دهات نزدیک بهم و بین گندم‌های سرخ، مرغزار سبز و زمین‌های پرگیاه و کشتزارهای تازه و شاداب و راه‌های آباد قرار دهد، مقدار پاداش را متناسب کمی آزمایش می‌گردانید.



اگر پایه‌هایی که خانه بر آنها نهاده شده و سنگ‌هایی که به آنها بنا گردیده از زمرد سبز و یاقوت سرخ و نور و روشنایی بود، چنین ساختمانی توهم و شك را در سینه‌ها کاهش می‌داد و کوشش و تلاش شیطان را از دل‌ها برطرف می‌ساخت و اضطراب و نگرانی و تردید را از مردم دور می‌نمود ولی خداوند بندگانش را به سختی‌های گوناگون می‌آزماید و با کوشش‌های رنگارنگ از آنان بندگی می‌خواهد و ایشان را به اقسام آنچه پسندیده طبع‌ها نیست، آزمایش می‌کند.

برای بیرون کردن کبر و خودپسندی از دل‌ها و جای دادن فروتنی در جان‌هایشان و برای این که آن آزمایش‌ها درهای گشاده بسوی فضل و احسان خود و وسائل آسان برای عفو و بخشش خویش قرار دهد (1)

ص: 104

---

1- بحار حج طقدیم ص 10 .

## محشور شدن کعبه در روز قیامت

ابو حامد گوید: رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: خداوند بخانه کعبه وعده داد که در هر سال ششصد هزار نفر حج آنرا بجای آورند و اگر کم تر از این تعداد شدند، خداوند با فرستادن فرشتگان، آن کمبود را جبران می کند و کعبه در روز قیامت همچون عروسی در شب زفاف محشور می گردد، هر کس که حج بجای آورده باشد، پرده های آن را گرفته و در اطراف آن راه می رود، تا این که کعبه وارد بهشت می شود و آنان نیز همراه آن وارد بهشت می گردند (1).

## مکان های برگزیده خداوند کدامند؟

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: خداوند متعال از شهرها

ص: 105

---

1- محجه ص 154 .

چهار شهر را برگزید، که در قرآن مجید فرموده ( وَالتَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ وَ طُورِ سَيْنِينَ وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ).

سوگند به انجیر و زیتون و طور سیناء و به این شهر امین. منظور از انجیر مدینه و منظور از زیتون بیت المقدس و منظور از طور سینین کوفه و منظور از این شهر امین مکه است .

### **علت نامگذاری کعبه به اولین خانه**

امام باقر علیه السلام فرمود : وقتی که خداوند اراده کرد زمین را بیافریند به بادهای فرمان داد که خود را به دل آب زنند، تا موج به وجود آمد، سپس آن موج ها به کف ها مبدل شد و آن کف ها يك کف گردید ، خداوند آن کف را در محل کعبه جمع کرد، کوهی از کف دریاها از آن آفرید ، سپس زمین را از زیر آن کوه گسترش داد این است قول خداوند

عالم در قرآن که فرمود :

ص: 106

( إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ الَّذِي بِنِكَاهُ مُبَارَكاً ) نخستین خانه ای که برای مردم ساخته شد: در زمین مکه است که پر برکت و مایه هدایت است آل عمران 196.

پس نخستین خانه ای که روی زمین آفریده شد ، کعبه بوده و سپس سایر نقاط زمین از آن کشیده شده است . (1)

### علت نامگذاری کعبه به ( خانه عتیق )

ابو خدیجه گوید؛ به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چرا کعبه به خانه عتیق نامیده شد؟ فرمود: خداوند سبحان حجر الاسود را از بهشت نزد آدم فرستاد ، آنگاه کعبه مروارید سفیدی بود خداوند آن را به آسمان برد ، ولی پایه های آن در زمین باقی ماند که محاذی آن کعبه، مرواریدی قرار داشت ، هر روز هفتاد هزار فرشته بر آن وارد شده که هرگز مراجعت نمی کردند .

ص: 107

خداوند به ابراهیم و اسماعیل فرمان داد که کعبه را روی آن پایه ها بنا کنند و از این رو به آن (بیت عتیق) گفته شد، چرا که از غرق شدن در طوفان نوح آزاد شد یعنی غرق نشد. (بحار حج چاپ قدیم ص 13 و 14).

ثمالی گوید: از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم پیرامون مسجد الحرام، چرا خداوند آنرا عتیق نامید؟ فرمود: همه خانه هائی را که خداوند بر روی زمین قرار داده، صاحب و سکنه دارند، غیر از خانه کعبه، زیرا در این خانه احدی سکونت ندارد و این خانه صاحبی جز خدا ندارد و این خانه حرم است، سپس فرمود: خداوند این خانه را قبل از آفرینش سایر مخلوقات آفرید، سپس زمین را بعد از آن آفرید و آنرا از زیر این خانه گسترش داد.

محاربی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال سرتاسر زمین جز کعبه را در طوفان نوح غرق کرد از این رو کعبه موسوم به عتیق گردید، زیرا در آن طوفان

ص: 108

از غرق شدن ایمن بوده .

محاربی گوید : از امام پرسیدم : آیا در این موقع کعبه به آسمان صعود کرد؟ فرمود: نه بلکه آب هم به آن نرسید و از آن دور شد بحار ط ق ص 18 .

### **علت نام گذاری مکه به ام القری**

یکنفر شامی از امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام پرسید: چرا مکه به (ام القری) یعنی مادر شهرها ، نام گذاری شد؟ فرمود: زیرا که زمین از زیر آن کشیده شده (و گسترش یافت) (بحار حج ط قدیم ص 18) .

### **علت نامگذاری مکه به ( بیت الله الحرام )**

حسان گوید : از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا مکه ( بیت الله الحرام ) نام گذاری شد؟ فرمود : زیرا ورود

ص: 109

مشركان به آن حرام شده است.

### علت نامگذاری حرم به (مکه)

حضرت رضا عليه السلام فرمود: از این رو مکه را مکه گویند ، زیرا مردم بت پرست در آن سوت می کشیدند و به کسی که قصد آنرا داشت، گفته می شد (قدمکا) یعنی می خواهد سوت بکشد یا - سوت کشید، این است فرموده خداوند در قرآن که می فرماید: ( ما كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ الْأَمْكَاءِ وَ تَصَدِيَةً ) نماز آنان مردم جاهلیت نزدیک خانه (خدا) جز سوت و کف زدن نبود . (1) (2)

### علت نامگذاری مکه به (بکه)

حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا مکه به ( بکه ) موسوم گردید ؟ فرمود : زیرا مردم در آنجا

ص: 110

---

1- انفال آیه 35

2- بحار حج ص 18

ازدحام کرده و با دست خود یکدیگر را بر اثر ازدحام جمعیت رد می کنند. (بلکه در لغت از بك ، بمعنی محل ازدحام است ) .

نیز فرمود : از این رومکه را «بکه» نامیدند ، زیرا مردم در آنجا از خوف خداگریه می کنند (1) .

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا کعبه را (بکه) گویند؟ فرم زیرا مردم در اطراف آن گریه می کنند.

ص: 111

---

1- وسائل ج 9 ص 376 .



## نام های مکه

ابن عمار گوید : امام صادق علیه السلام فرمود : مکه پنج نام دارد :

1 - ام القرى (مادر شهرها) .

2- مکه .

3- بکه .

4 - بساسه ( چرا که هرگاه مردم در آن ظلم کنند خداوند آنان را از آنجا رانده و هلاک می کند ) .

5 - ام رحم ( چرا وقتی که مردم ملازم آن گردند،

ص: 112

مشمول رحمت خدا قرار می گیرند (1).

## درب های مکه

حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه (سواء العاکف فیہ والباد) مجاور و بادیه نشین در آن مساوی اند پرسیدم؟ فرمود: سزاوار نیست که برای خانه های مکه، درب هائی گذارده شود، زیرا حاجیان وارد خانه و در میدان خانه (صحن خانه) می نشستند، تا مناسک خود را انجام

دهند (درب ها مانع خواهد شد) و نخستین کسی که برای خانه های مکه درهایی قرار داد معاویه بود (2).

## بهترین مکان ها در مکه

ابو حمزه ثمالی گوید: امام سجاد علیه السلام از ما پرسید

ص: 113

---

1- وسائل ج 9 ص 376.

2- بحار حج چاپ قدیم ص 19 .

کدام مکان‌ها بهترین مکان است؟ گفتم خدا و رسولش و فرزند رسولش داناترند، فرمود: اما بهترین مکان‌ها، بین رکن حجر الاسود و مقام ابراهیم است، هرگاه مردی مانند حضرت نوح 950 سال در میان قومش عمر کند و در همین مکان روزها روزه بگیرد و شب‌ها زنده داری کند، ولی وقتی با خدا ملاقات کرد (مرگ سراغ او آمد) و ولایت ما را نداشته باشد هیچک از این عبادات برای او سودی نخواهد داشت (محنة البیضاء ص 153).

### ارزش نماز در مکه

امام صادق علیه السلام بنقل از پدران خود روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: نماز در مسجد من (مسجد النبی) نزد خدا معادل ده هزار نماز در سایر مساجد است، مگر مسجد الحرام که نماز در آن که معادل صد هزار نماز است

(بحار حج ص 55)

ص: 114

خالد قلانی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: مکه حرم خدا و حرم رسول خدا و حرم علی علیه السلام است، نماز در آن معادل صد هزار نماز و یک درهم (انفاق در آن) معادل صد هزار درهم است و مدینه حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه وآله و حرم امیر مؤمنان است، که نماز در آن مسجد معادل ده هزار نماز و یکدر هم انفاق در آن معادل ده هزار درهم است و کوفه حرم خدا و حرم رسول خدا و حرم علی علیه السلام است که نماز در آن معادل هزار نماز است. (1)

### ارزش سجده در مکه

امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که در مکه سجده کند مانند کسی است که در راه خدا بخون خودش آغشته شده باشد (بحار 19)

ص: 115

---

1- بحار حج ص 55.

امام صادق علیه السلام فرمود: ذکر تسبیح در مکه معادل انفاق مالیات کوفه و بصره در راه خداست. (1)

## پاداش ختم قرآن در مکه

امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که قرآن را در مکه ختم کند، نمی‌رد تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه وآله را به بیند، و منزل خود را در بهشت بنگرد. (بحار حج ص 19).

امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که تمام قرآن را در مکه از جمعه تا جمعه (در طول يك هفته) بخواند و کمتر یا زیادتر بخواند و در روز جمعه او را بپایان برساند، خداوند برای او از نخستین جمعه ای که در دنیا بوده تا آخرین جمعه ای که در دنیا است پاداش می‌نویسد و اگر در سایر روزها ختم کرد باز این پاداش را (از اولین روز آن روز) (مثلا دوشنبه) که در دنیا بوده تا آخرین دوشنبه برای او می‌نویسند.

ص: 116

امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که قرآن را در مکه ختم کند، نمی‌میرد تا اینکه رسول خدا را ببیند و منزل خود را در بهشت می‌نگرد، و ذکر تسبیح او در مکه معادل انفاق مالیات بصره و کوفه در راه خدا ارزش دارد و کسی که در مکه هفتاد رکعت نماز بخواند در هر رکعت سوره

توحید و قدر و آیه سخره (آیه 54 تا 56 سوره اعراف) و آیه الکرسی را بخواند حتماً شهید از دنیا می‌رود، غذا خورنده در مکه مانند روزه گیرنده در غیر آنست و روزه یک روز مکه معادل یک سال روزه در غیر مکه است و کسی که در مکه راه می‌رود در عبادت خدا راه می‌رود (1).

### پاداش بیمار در مکه

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که یک روز در مکه بیمار شود، خداوند برای عمل نیک او که انجام می‌دهد

ص: 117

معادل پاداش عبادت شصت سال پاداش می نویسد و کسی که در گرمای سوزان مکه يك ساعت صبر کند آتش دوزخ بقدر مسیر صد سال از او دور می شود و بهشت بقدر مسیر صد سال به او نزدیک می گردد. (1)

ص: 118

---

1- بحار حج چاپ قدیم ص 20

## علت وجود کبوتر مخصوص در حرم

امام سجاد علیه السلام روزی کبوتری را در مکه نگاه کرد و بهمراهان فرمود: آیا می دانید که علت وجود این کبوتر در حرم چیست؟ گفتند: تو ای فرزند رسول خدا داناتر هستی، آن را برای ما بیان کنید، فرمود: در زمان های گذشته مردی بود که کبوتری به خانه اش پناهنده شد و در شکاف درخت خرمائی که در خانه او قرار داشت برای خود لانه ای درست کرد و آن مرد بر جوجه های این کبوتر نظارت داشت .

ص: 119



همین که آن جوجه ها رشد کرده و می خواستند به پرواز در آیند، آن مرد از درخت بالا می رفت و آنها را از لانه می گرفت و ذبح می کرد ، کبوتر (مادر) به آن می نگریست و بسیار غمگین می شد، مدت درازی بهمین ترتیب گذشته که هیچ جوجه ای از این کبوتر به پرواز در نیامد ، تا روزی به درگاه خدا شکایت کرد.

خداوند فرمود: اگر این مرد بار دیگر این کار را کرد قبل از آنکه دستش به جوجه ها برسد عذاب بر او نازل می کنم وقتی که جوجه های آن کبوتر مجدداً رشد کردند آن مرد طبق عادت از درخت بالا رفت که آن جوجه ها را بگیرد ، قسمتی از درخت را که بالا رفته بود ، شنید سائلی (فقیری) بدرگاه درخواست کمک می کند ، از درخت پائین آمده و چیزی به سائل داد و سپس از درخت به بالا رفت و جوجه ها را گرفت و ذبح کرد.

خداوند فرمود: بنده من با صدقه دادن ، جلو بلای مرا گرفت ولی من بزودی عوضی به این کبوتر می بخشم که عوض نیک است و موجب بقاء نسل ابدی او خواهد شد،

ص: 120

به کبوتر الهام کرد که به همین حرم بیاید و صید آنرا در حرم حرام کرد .

اکثر این کبوتران که می بینید از نسل همان کبوتر است و آن کبوتر نخستین کبوتری بود که در حرم سکونت گزید. (1)

## داستان ابراهیم و مکه

هشام گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت ابراهیم در بیابان شام فرود آمد و در آنجا سکونت کرد وقتی خداوند اسماعیل را به هاجر داد، ساره بسیار محزون شد ، چون ساره دارای فرزند نبود و بر اثر حسادت موجب اذیت ابراهیم در مورد هاجر می شد ، حضرت ابراهیم به درگاه خدا شکایت کرد ، خداوند به او وحی فرمود که ( مثال زن همچون چوب کج است که اگر آن را بخود واگذاری بهره مند می شوی و اگر راستش کنی می شکنند ) سپس به

ص: 121

---

1- مستدرک ج 2 ص 139.

ابراهیم علیه السلام فرمان داد که اسماعیل و مادرش را از شام بیرون ببرد .

ابراهیم عرض کرد : پروردگارا آنها را کجا ببرم؟ خطاب شد به حرم و محل امن من و نخستین نقطه ای که از زمین آفریده ام ، یعنی بمکه ببر ، جبرئیل بآفاق به حضور ابراهیم علیه السلام فرود آمد ، هاجر و ابراهیم به آن سوار نمود، هر لحظه که ابراهیم مکان نیک و پر درخت و خوش آب و هوایی را در راه می دید به جبرئیل می گفت . آنجا اینجا است ؟

جبرئیل می گفت: نه نه ، به این ترتیب تا بمکه رسیدند و آنها را در محل کعبه گذاشت ، ساره به ابراهیم پیمان بسته بود که قبل از فرود به زمین مراجعت کند وقتی که هاجر و اسماعیل در آن سرزمین (مکه) فرود آمدند در آن محل درختی بود هاجر چادر شبی که همراه داشت روی آن درخت افکند و سایه ای قرارداد و با اسماعیل زیر سایه آن درخت رفتند ،

ص: 122

وقتی ابراهیم آنها را آنجا گذارد و قصد مراجعت نزد ساره را نمود .

هاجر عرض کرد: چرا ما را در محلی که نه انیسی هست و نه آب و علفی وا گذاشتی؟ ابراهیم فرمود: آن خدائی که به من فرمان داد که شما را در این مکان بگذارم حاضر است و بتو توجه دارد، سپس خدا حافظی کرده و مراجعت کرد وقتی که به کوه ذی طور رسید ، ابراهیم از دور نگاهی به هاجر و اسماعیل کرد و گفت : (پروردگارا بی گمان من جای دادم از فرزندانم به بیابانی بی کشت و زرع نزدیک خانه پر حرمت تو ، پروردگارا تا پهای دارند نماز را، پس دلهایی از مردم را بسوی ایشان متوجه کن و آنها را از میوه ها روزی برسان باشد که ایشان شکرگزار شوند) (1)

سپس به طرف شام برگشت ، هاجر در مکه تنها با اسماعیل باقی ماند ، وقتی که روز بالا آمد اسماعیل که

ص: 123

---

1- سورة ابراهيم آيه 37 .

کودکی خوردسال بود تشنه شد و آب خواست ، هاجر برخواست به طرف بیابان ناحیه کوه صفارفت و فریاد زد آیا در این وادی انیسی هست ؟ اسماعیل را دیگر نمی دید بالای کوه صفارفت در بیابان سرابی به چشمش خورد ، خیال کرد که آب است، از کوه بطرف بیابان با شتاب و سعی فرود آمد، باز اسماعیل از نظرش پنهان شد آبی در آنجا نیافت، برگشت دید در ناحیه کوه صفا گویا آبی پیدااست به طرف آن رفت دید سراب است ، خلاصه هفت بار بکوه صفا و مروه برای جستجوی آب تلاش کرد .

سپس بالای کوه مروه به اسماعیلش نگاه می کرد (فکر می کرد اسماعیل از شدت تشنگی شاید جاننش را از دست بدهد) ناگهان دید زیر دو پای اسماعیل آب آشکار شده، به طرف اسماعیل دوید ، بوسیله ریک زمین اطراف آب را گرفت می خواست آب آرام بگیرد ، جریان نیابد از این رو آن آب به زمزم (که بمعنی آرامش) است نامیده شد.

ص: 124

طایفه جرهم در ذی‌المجاز و عرفات سکونت داشتند، وقتی که آب زمزم آشکار شد، پرندگان و حیوانات دسته‌دسته به طرف آب می‌آمدند

طایفه جرهم از پرواز پرندگان به طرف آب دریافتند که خبری هست به دنبال آنها راه افتادند تا آمدند بمکه دیدند طفلی در کنار مادرش نشسته و در کنار آب و درختی غنوده‌اند، به پیش آمده به هاجر گفتند: تو کیستی؟ سرگذشت تو و این کودک چیست؟ هاجر گفت من کنیز و همسر ابراهیم خلیل هستم و این کودک پسر او است خداوند دستور داده که ابراهیم ما را به اینجا بیاورد.

طایفه جرهم گفتند: اجازه بده که همسایه شما شویم، وقتی که روز سوم شد و ابراهیم برای دیدار هاجر و اسماعیل آمد هاجر به ابراهیم گفت: در اینجا طایفه‌ای از جرهم هستند درخواست می‌کنند که اجازه بدهی که همسایه ما شوند، آیا اجازه به آنها می‌دهی؟ ابراهیم گفت: آری.

ص: 125

هاجر طایفه مذکور را اجازه داد، آنها دسته دسته نزدیک آب زمزم آمدند و خیمه های خود را بر پا کردند و هاجر و اسماعیل (از وحشت تنهائی بدر آمده) با آنها مأنوس شدند .

ابراهیم در دیدار بعدی، جمعیت بسیاری را که در اطراف محل سکونت هاجر و اسماعیل سکونت کرده بودند دید و بسیار خوشحال شد، وقتی اسماعیل کم کم بزرگ شد هر فرد از طایفه جرهم يك گوسفند و دو گوسفند به اسماعیل هدیه کردند و هاجر و اسماعیل با آن گوسفندها زندگانی خود را تأمین می کردند تا وقتی که اسماعیل به سن رشد رسید .

در این هنگام خداوند به ابراهیم فرمانداد تا کعبه را بنا کند، ابراهیم عرض کرد، آیا خانه را در کجا بنا کنم؟ خطاب رسید. همان مکانی که قبه بر آدم نازل شد و حرم به وسیله آن روشن گردید و آن قبه ای که بر آدم نازل شده بود

ص: 126

همچنان تا روز طوفان نوح علیه السلام باقی مانده بود .

وقتی که جهان در این طوفان غرق گردید ، خداوند این قبه را بالا برد، همه دنیا (جز قبه) غرق شد ، از این رو به خانه خدا ، عتیق گویند زیرا از غرق شدن در امان شد ، وقتی که خدا فرمان بنا کردن کعبه را به ابراهیم داد ابراهیم مکان آنرا نمی دانست، خداوند جبرئیل را فرستاد ، محل کعبه را خط کشید و پایه های آن را از بهشت بر ابراهیم نازل شد ، حجر الاسود که بر آدم نازل شده بود از برف سفیدتر بود وقتی که دست کافران بر آن رسید سیاه شده بود .

ابراهیم بساختن خانه مشغول شد . اسماعیل از کوه ذی طور سنگ می آورد بالاخره خانه را تا 9 ذرع بالا آوردند، سپس ابراهیم به محل حجر الاسود راهنمایی شد ، آنرا بیرون آورد و در محل خود که اکنون در آن قرار دارد نصب کرد و برای کعبه دو درب ، يك درب شرقی و يك درب

ص: 127



غربی قرار داد ، درب غربی را (به درب مستجار) نامیدند.

سپس با شاخه های درخت و گل سقف آنرا پوشاندند و هاجر کساء و پارچه ای که همراه داشت بر درب آن آویزان کرد و زیر آن زندگی می کردند وقتی که بنای کعبه به پایان رسید و ابراهیم و اسماعیل از آن فارغ شدند حج بجای آورد، ابراهیم و اسماعیل و جبرئیل روز ( ترویه ) یعنی روز هشتم ذیحجه بر آنان نازل شد و گفت ای ابراهیم : برخیز و آب برای سفر ( به منی و عرفات ) بردار زیرا آب در منی و عرفات نیست، از این روروز هشتم به روز ( ترویه ) نامیده شد ( ترویه به معنی سیراب شدن و برای سفر آب برداشتن است ).

ابراهیم به سوی منی رفت و شب را در آنجا بسر آورد و آنچه را آدم در آنجا بجای آورد ، او نیز بجای آورد. پس از فراغت از بنای کعبه ؛ ابراهیم عرض کرد : ( خدایا این شهر مکه را شهر (أمن و أمان قرار بده) و اهل آن

ص: 128

را از ثمرات (گونگون) روزی ده آنها که ایمان بخدا و روز واپسین آورده اند. (1)

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور از ثمرات میوه های دل ها است، یعنی اهل آن را طوری قرار بده که مردم را دوست بدارند، تا مردم بسوی آنان رفت و آمد کنند و به مکه بازگردند.

ص: 129

---

1- بحار حج چاپ قدیم ص 85

## لرزش قلب هنگام لبیک گفتن

سؤال می شود: چرا وقتی که امام سجاد علیه السلام تلبیه (لبیک لبیک) می گفت خوف و وحشت و اضطراب به او دست می داد؟ چرا رنگش زرد می شد و اعضای بدنش به لرزه در می آمد، بطوری که ترس آن بود، بر اثر اضطراب شدید از مرکبش بزمین بیفتد؟ چرا؟

آیا در تلبیه اضطراب است؟ آیا امام سجاد از کسانی نیست که خداوند پلیدی و ناپاکی را از ساحت مقدسشان دور کرده و آنان را پاک و پاکیزه نموده؟

ص: 130

آیا امام سجاده علیه السلام در طول زندگیش همواره روزه دار و دریاد خدا و شاکر و در حال سجده نبوده؟

آیا جبرئیل بین زمین و آسمان فریاد بر نیاورد که تو زینت عبادت کنندگان و آقای سجده کنندگان هستی؟ چرا؟ اما این تلبیه، همان جواب ابراهیم علیه السلام است که از ناحیه خدا مردم را به حج دعوت کرده است، بنابر این چرا در آن اضطراب باشد؟

پاسخ اینکه این اضطراب به حال آنانی است که در درگاه خدا خوف دارند و امیدوار بخداوند متعال هستند.

به امام سجاده علیه السلام عرض شد: آیا بر شما واجب است تلبیه بگوئید؟ (پس چرا آن را بر اثر شدت اضطراب درست نمی گوئید؟) امام اشکش جاری شد و فرمود: ترس آن دارم که به من پاسخ داده شود (لایبیک ولا سعیدیک) (یعنی نه پاسخت را می خواهم و نه خوش آمدی).

ص: 131

این است حال بندگان خدا و زاهدان وارسته در حال تلبیه ، حال گنهکاران که قلبشان به غیر خدا اشتغال دارد و نمی دانند که از کجا و به کجا میروند چه باید باشد؟ پس بر گوینده تلبیه واجب است آماده و مهیا با چشمی گریان و حالی پریشان و با کمال تواضع و فروتنی باشد ، تا پاسخ لبیک و سعیدیک را بشنود، چراکه این تلبیه مقدمه ورود به خانه مقدس خدا و ورود به رحمت و وسیع حق است.

ازری گوید: از مالک بن انس فقیه مدینه شنیدم می گفت گاهی بحضور امام صادق علیه السلام شرفیاب می شدم امام از من استقبال گرمی می کرد و تقدیر می نمود روزی امام علیه السلام به من فرمود: ای مالک من ترا دوست دارم ، من از این دوستی مسرور شدم و خدا را بر این امر سپاس می گویم ، او گوید: امام صادق علیه السلام مردی بود که از یکی سه حالت بیرون نبود پاروزه دار بود، یا در حال قیام و عبادت بسر می برد و با ذکر خدا می گفت و از بندگان بزرگ و از بزرگ ترین پارسایانی

بود که از خدا خوف و وحشت داشتند، بسیار سخن می گفت و خوش مجلس بود و پر بهره، وقتی که می گفت (رسول خدا گفت) تا نام پیامبر صلی الله علیه وآله برده می شد رنگش سبز و بار دیگر زرد می شد.

بطوری که کسانی که او را می شناختند در آنحال او را نمی شناختند، من یکسال با امام صادق علیه السلام حج بجای آوردم وقتی که بر مرکبش هنگام احرام قرار می گرفت، هر وقت تلبیه می گفت، صدا در گلویش گیر می کرد و نزدیک بود که از مرکبش بزمین بیفتد، به او عرض کردم مگر مجبور هستی بگفتن لبیک؟ چرا گفتن لبیک بر تو واجب است؟ فرمود: ای فرزند ابو عامر: چگونه جسارت کنم و بگویم (لبیک اللهم لبیک) ترس آن دارم که خداوند در پاسخم بگوید: نه پاسخت را می خواهم و نه خوش آمدی (1)

ص: 133

---

1- بحار حج چاپ قدیم ص 41.

( وَ أُذِنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ) .

و در میان مردم برای (ادای) حج بانك درده تا بیانند به سوی تو مردمان پیاده یا سوار بر شتران لاغر اندام که از راه دور می آیند (حج - 27)

وقتی که ابراهیم علیه السلام از بنای ساختمان کعبه فارغ شد ، خداوند فرمان فوق را به ابراهیم علیه السلام صادر کرد ، ابراهیم عرض کرد صدای من بر مردم نمی رسد .

ص: 134

خداوند فرمود: تو اعلام کن ، بر تو است اعلام و بر من است که صدای ترا به مردم برسانم ابراهیم علیه السلام بر بالای مقام رفت، مقام بطوری بالا-رفت که از همه کوه ها بالاتر رفت و انگشتانش را بر گوش هایش گذاشت رو بشرق و غرب کرد و فریاد زد (هان ای مردم بر شما حج به خانه خدا نوشته شده ، دعوت خدا را اجابت کنید).

مردم حتی از زیر دریاهاى هفتگانه و در بین مشرق و مغرب تا همه اطراف زمین و از پشت مردان و رحم مادران باشعار (لبیک اللهم لبیک) به این ندا پاسخ مثبت دادند ، آیا آنان را نمى بینی که از هر طرف به حج لبیک گویند که آیند کسی که آنروز دعوت ابراهیم علیه السلام را اجابت کرد تا روز قیامت بحج می آید (یعنی کسانی که تا روز واپسین هر ساله موفق بحج می شوند از جمله کسانی هستند که در آن روز دعوت

خدا را به زبان ابراهیم اجابت کرده اند ، این است معنی آیه قرآنی که در سوره آل عمران آیه 97 می خوانیم :

ص: 135



( فیه آیات بینات مقام ابراهیم ) در آن نشانه های روشن خدا پرستی از جمله مقام ابراهیم علیه السلام است ) منظور از بینات، ندای ابراهیم علیه السلام بر بالای مقام به حج است

سلیمان بن جعفر گوید : از حضرت رضا علیه السلام در مورد تلبیه و علتش پرسیدم؟ فرمود: وقتی که مردم احرام می بندند ، خداوند به آنان ندا می کند .

ای بندگان و کنیزان من ، حتماً آتش را بر شما حرام می کنم، همان گونه که شما برای من احرام بستید (و اموری را بفرمان من بر خود حرام کردید) قول آنان به (لبيك اللهم لبيك) در حقیقت اجابت دعوت خداست که آنان راندای به حج کرد . (وسائل ج 9 ص 48)

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وقتی احرام بست جبرئیل بحضورش آمد و عرض کرد: اصحاب خود را به عجم ، و حج (یعنی با صدای بلند لبيك وبا قربانی) عبور بده

جابر بن عبدالله گوید روحاء نرسیده بودیم که صداهای ما گرفته شد (روحاء محلی است بین مدینه و مکه که

ص: 136

در چهل و سه مایلی مدینه واقع شده است). (1)

به نقل امام باقر علیه السلام رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: کسی که در احرام خود بر اساس ایمان و حساب خدا، هفتاد بار لبیک بگوید، خداوند یک میلیون فرشته را گواه بر برائت او از آتش و برائت او از نفاق می گیرد (وسائل ج 9 ص 5).

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که اشتغال به حج تمتع دارد، وقتی که خانه های مکه را دید، تلبیه را قطع کند و دیگر نگوید.

امام صادق علیه السلام فرمود: موسی علیه السلام پیامبر در صفائح روحاء (بین مدینه و مکه) سوار بر شتر سرخی که زمام آن از لیف بود و بر آن دو عبای قطوانی بود، می گفت: (لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْكَ).

فرمود: و همچنین یونس بن متی در حال عبور از همین محل می گفت: (لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ).

و همچنین عیسی بن مریم علیه السلام وقتی که از همین محل عبور کرد می گفت: (لَبَّيْكَ عَبْدُكَ ابْنُ أُمَّتِكَ).

ص: 137

رسول اکرم صلی الله علیه وآله نیز در این محل عبور کرد و می گفت: (لبیک ذا المعارج لبیک): (وسائل ج 9 ص 54).

امام صادق علیه السلام فرمود خداوند چهار دستور را از زنان برداشت .

1- گفتن تلبیه با صدای بلند .

2- هروله (دویدن) در صفا و مروه .

3- وارد شدن بداخل کعبه .

4- استلام (دست زدن) حجر الاسود (1)

ص: 138

---

1- وسائل ج 9 ص 51 .

## عدم جواز تلبیه در مواردی که دستور نیست

ابان بن تغلب گوید: در حضور امام باقر علیه السلام در کنار مسجد الحرام بودم، گروهی در اطراف کعبه لبیک می گفتند، امام به من فرمود: آیا این ها را که تلبیه می گویند می نگری ، بخدا سوگند صدای این ها در نزد خدا مبعوض تر از صداهای الاغ است (1)

ص: 139

---

1- وسائل ج 9 ص 57 .

## فلسفه ورود بکعبه از باب بنی شیبه و تکبیر در آن

سلیمان بن مهران گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: رسول اکرم صلی الله علیه وآله چند بار حج بجای آورد؟ فرمود بیست حج بجای آورد، در همه این حج ها در (مأذنین) عبور می کرد، به آنجا که می رسید فرود آمده، ادرار می کرد، پرسیدم چرا در آنجا فرود می آمد و ادرار می کرد؟ فرمود: زیرا این محل نخستین محلی است که در آن بت ها پرستیده می شد و از همین محل سنگی برداشته

ص: 140

شد و با آن سنك بت هبل را درست کردند، همان بتی که علی بن ابیطالب علیه السلام وقتی که بر دوش پیامبر صلی الله علیه وآله بالارفت آنرا پشت کعبه ساقط کرد، پیغمبر صلی الله علیه وآله دستور داد آن بت را در باب بنی شیبیه دفن کردند و ورود به مسجد الحرام از باب بنی شیبیه سنت شد (تابت و بت پرستی را زیر پا بگذارند و وارد مسجد شوند).

سلیمان گوید: گفتم: به چه علت تکبیر در آنجا، تنگی آنجا را برطرف می کند. فرمود؟ چون سخن بنده به الله اکبر، معنیش این است از امثال آن بت های تراشیده و خدایان ساختگی است و ابلیس با شیاطین خود، راه حاجیان را در این محل تنگ می کند، وقتی که ابلیس صدای تکبیر شنید، با شیاطین خود می پرند و می روند و فرشتگان آنها را تعقیب می نمایند، تا این که در دریای خضراء می افتند.

گفتم چرا تنها برای کسی که اولین حج او است،

ص: 141

ورود به خانه کعبه مستحب است ، نه برای آنانکه حج دوم و بیشتر آنها است؟ فرمود: کسی که برای اولین بار حج بجای می آورد، دعوت واجب به حج را ادا می کند ، پس لازم است که داخل خانه ای که به آن دعوت شده بشود ، نا در آن گرامی داشته شود.

گفتم چرا برای او تراشیدن سر واجب است ، اما برای آنان که اولین بار حج او نیست واجب نمی باشد، فرمود: تا این تراشیدن نشانه ای از نشان های آنان باشد که در امن و امانند آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید : ( لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ انشاء الله آمِنِينَ مَحَلِّقِينَ رُؤُوسِكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ ) که شما در مسجد الحرام می آئید ، اگر خدا بخواهد، ایمن شده سرهایتان را تراشیده و ( موهایتان ) کوتاه شده و از هیچ کس نترسید (فتح آیه 27) .

گفتم چرا رفتن و گام نهادن به مشعر بر او واجب شد؟ فرمود: تا سزاوار وسط بهشت گردد . (1)

ص: 142

---

1- بحار حج ط قدیم ص 8.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: فلسفه طواف کعبه این است که: (خداوند عالمیان به فرشتگان فرمود: من در روی زمین جانشین و حاکمی قرار خواهم داد).

فرشتگان گفتند (پروردگارا) آیا کسی در زمین قرار می دهی که فساد و خونریزی کند؟ سوره بقره آیه (30).

وقتی که فرشتگان این پاسخ را به خدا دادند، بعد فهمیدند که گناه کرده اند، پشیمان شدند، بعرش خدا پناه بردند و طلب آمرزش از خدا کردند، خداوند دوست داشت که سایر افراد مانند این بندگان عبادت کنند در آسمان چهارم خانه ای در مقابل عرش قرار داد و آن بنام (ضراح) خوانده شد، سپس در آسمان دنیا خانه ای بنا کرد که نامش بیت المعمور است و در مقابل ضراح قرار داد.



سپس در مقابل آن در زمین، کعبه را بنا کرد و آنگاه به آدم امر نمود تا کعبه را طواف کند، آدم کعبه را طواف کرد و خداوند توبه آدم را پذیرفت و این طواف را در بین فرزندان آدم تا روز قیامت مرسوم نمود.

ثمالی گوید: بحضور امام باقر علیه السلام مشرف شدم، دیدم آنحضرت به درگاه دری که به مسجد الحرام باز می شد نشسته است و به طواف کنندگان نگاه می کرد به من فرمود: ای ابا حمزه اینان به چه امر شده اند؟ نفهمیدم که منظور امام از این سؤال چه بود که پاسخ گویم؟ فرمود: اینان امر شده اند که در این سنگ ها طواف کنند، سپس پیش ما بیایند تا ولایتشان را از ما بیاموزند (1)

ص: 144

---

1- بحار حج ص 7.

## چرا طواف هفت دور است؟

ثمالی گوید: از امام سجاده علیه السلام پرسیدم چرا طواف کعبه هفت دور است؟ فرمود: خداوند سبحان به فرشتگان فرمود: من در روی زمین جانشین و حاکمی قرار خواهم داد، در پاسخ خدا گفتند: آیا کسی را در زمین قرار می دهی که فساد و خون ریزی می کند؟ خداوند فرمود: من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید (بقره 30).

خداوند فرشتگان ( معترض را ) هفت هزار سال از نور خود محروم ساخت، آنها هفت هزار سال به عرش خدا

ص: 145

پناه بردند، خداوند به آنها رحم کرد و توبه آنها را پذیرفت و برای آنان بیت المعمور را که در آسمان چهارم است قرارداد و آن را مرکز وملجأ امن و امان کرد، و بیت الحرام (کعبه) را زیر بیت المعمور در زمین قرارداد و آن را مرکز و امان قرار داد.

از این رو بحساب (هفت هزار سال) طواف خانه، هفت دور واجب شد برای هر هزار سال یک دور قرار داده شد. (علل الشرایع ص 45).

از وصیت های پیامبر صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام است یا علی: عبد المطلب (جد پیامبر) صلی الله علیه وآله در زمان جاهلیت پنج سنت قرار داد، که خداوند آنها را در اسلام اجراء و امضا نمود که عبارتند از:

1- زن پدر را بر پسران حرام کرد، خداوند نیز در قرآن فرمود: (وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ) ازدواج نکنید با زنانی که پدران شما با آنان ازدواج کرده اند (نساء آیه 22)

ص: 146

2- و کسی که گنجی پیدا کرد ، و خمس آن را بعنوان تصدق پرداخت کرد، خداوند نیز در قرآن فرمود: ( وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ ) و بدانید که هر آن چیزی که به غنیمت گرفته اید بی گمان پنج يك آن برای خداست .

(انفال آیه 14)

3- وقتی که چاه زمزم را حفر کرد آنرا (محل) سقایة الحاج (آب دادن حاجیان) قرارداد ، خداوند در قرآن فرمود: ( أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ) آیا آب دادن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را مانند (کار) کسی قرار می دهید که به خدا و روز واپسین ایمان آورده . (توبه آیه - 19)

4- دیه قتل را صد شتر ، سنت کرد ، خداوند همین سنت را در این مورد، در اسلام سنت نمود .

5 - طواف کعبه در نزد قریش ، عدد مخصوص نداشت، عبدالمطلب هفت دور را برای آنان سنت کرد ،

ص: 147

خداوند همین سنت را در اسلام امضا نمود. (بحار حج ص 56 ط قدیم)

## پاداش طواف کنندگان

اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: کسی که کعبه را یکبار طواف کند، خداوند برای او هزار پاداش نوشته و هزار گناه از او محو کرده و هزار درجه به او می دهد، و هزار درخت در بهشت برای او می کارد و پاداش آزاد کردن هزار بنده را برای او می نویسد وقتی که

به ملتزم رسید. (1)

خداوند هشت در بهشت را بروی او می گشاید و به او گفته می شود از هر کدام که می خواهی وارد شو.

اسحاق گوید: به امام عرض کردم: فدایت گردم

ص: 148

---

1- (فاصله میان حجر الاسود و درب کعبه را ملتزم نامند، زائران خانه در آنجا متوقف شده و خدا را می خوانند. (مترجم)

این همه پاداش برای کسی است که طواف می کند، فرمود آری: آیا ترا خبر ندهم ببالاتر از این گفتم خبر بده ، فرمود: کسی که نیاز برادر ایمانیش را برآورده سازد ، خداوند برای او پاداش طواف و طواف و طواف تا ده بار شمرد ، می نویسد (بحار حج ط قدیم ص 45)

در کتاب عوالی اللیالی نقل شده پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: طواف بسیار بجای آورید زیرا ، طواف کم ترین چیزی است که در نامه ای اعمال شما در روز قیامت یافت می شود. (مستدرک ص 147) .

نیز فرمود: خداوند به وجود طواف کنندگان مباحات می کند . و باز فرمود: کسی که هفت بار طواف کعبه کند و دو رکعت نماز بخواند مانند کسی است که بنده ای آزاد کرده است (مستدرک ص 147) .

ص: 149

## چرا بشهر طائف (طائف) گویند؟

ابراهیم قهریار بنقل از برادرش و او به اسناد خود گوید :

حضرت رضا علیه السلام در طائف بود ، فرمود : آیا می دانی که چرا طائف را طائف (طواف کننده) گویند ؟ گفتم نه ، فرمود: ابراهیم در دعا از خدا خواست که خداوند از میوه های مختلف به خانوادهاش روزی دهد، قطعه ای از سرزمین اردن با میوه هایش برای آن ها جدا شد و به مکه آمد و هفت بار طواف کعبه نمود ، سپس در محل خودش قرار گرفت، طائف را بهمین جهت طائف گویند که کعبه را طواف کرده (بحار 18)

ص: 150

## چند سؤال در مورد حجر الاسود و پاسخ آن

بکیر بن اعین گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم به چه علت حجر الاسود در آن رکنی که اکنون در آن هست نصب شده و در غیر آن نصب نشده است؟

2- و به چه علت آنرا می بوسند؟

3- و چرا از بهشت بیرون آورده شد؟

4- و چرا پیمان و عهد بندگان به آن وضع گرفته شده، نه غیر آن؟ و علت این چیست؟ فدایت شوم، این

ص: 151



سؤالات مرا جواب بده که فکرم در این باره حیران است .

امام فرمود: سؤال کردی و در مسأله سخت گیری کردی و بطور تحقیق جو یا شدی، حال بشناس و بفهم و قلبت را آماده گردان و گوشت را باز کن که بخواست خدا، از ماجرای حجر الاسود ترا خبر می دهم :

خداوند متعال حجر الاسود را که گوهر (و خلاصه واصل چیزی) بود ، از بهشت بیرون آورده و نزد آدم فرستاد، سپس در این رکن کعبه نصب شد بخاطر عهد و پیمانی که با او وجود دارد .

توضیح این که : وقتی که خداوند از پشت پسران آدم ذریه آن ها را پدید آورد، در همین مکان (حجر الاسود) از آنها پیمان گرفت (1) و در همین مکان پروردگارش را

ص: 152

---

1- پیمان خدا پرستی که عبارت از دلالت فطرت انسانی به خدا و حق باشد چنانکه آیه 172 سوره اعراف بر آن دلالت دارد (مترجم)

متوجه آنها کرد و در همین رکن پرنده ( جبرئیل ) برقائم (امام زمان) نازل می شود و او نخستین کسی است که با قائم بیعت می کند ، سوگند بخدا آن پرنده جبرئیل است .

حضرت قائم (هنگام ظهور) به این مقام تکیه می کند و این حجر الاسود حجت و دلیل برقائم است و گواهی دهنده برای آنهاست که به این مکان وفاداری کردند و شهادت می دهد برای آنان که ادای عهد و میثاقی که خداوند از بندگان گرفته است، نموده اند.

اما بوسیدن و التماس از حجر الاسود ، شاید تجدید همان عهد و پیمان و تجدید بیعت باشد تا مردم آن عهدی را که خداوند از آنها گرفته ادا کنند و هر سال کنار حجر الاسود بیایند و آن عهد را تجدید و ادا نمایند آیا نمی بینی که تو (هنگام استلام و توقف کنار حجر الاسود) می گوئی .

( اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِشُيْخِي بِالْمُؤَاظَةِ )

ص: 153

« بار الها امانت خود را ادا کردم و پیمانم را نگاه داشتم تا حجر الاسود به وفای عهد من گواهی دهد » .

بخدا سوگند این پیمان را احدی جز شیعیان ما ادا نمی کنند و احدی این عهد و پیمان را نگه نداشت ، غیر از شیعیان ما ، آنها کنار حجر الاسود می آیند ، حجر الاسود آنها را می شناسد و تصدیق می کند، ولی غیر شیعیان کنارش می آیند، حجر الاسود آنها را انکار کرده و تکذیب می کند.

از این رو که این عهد و پیمان را غیر از شما (شیعیان) نگه نداشتند ، بخدا سوگند حجر الاسود به نفع شما برای آنان که وفای بعهد کردند و تجدید عهد نمودند گواهی می دهد ، و بخدا سوگند به ضرر آن ها گواهی به کینه و انکار و کفر می دهد و این حجر الاسود ، در روز قیامت حجت رسا از ناحیه خدا بر ضرر آنهاست ، در روز قیامت به صحنه می آید در حالی که زبان گویا و دو چشم در صورت اولش دارد مردم آنرا می شناسند و انکارش نمی کنند ، او برای آنان که وفای به عهد کردند و تجدید عهد و میثاق در کنارش نموده اند

ص: 154

گواهی به نگهداری عهد و پیمان و امانت می دهد و کسانی که راه انکار و کفر را پیموده اند از اینرو که عهد و پیمان را فراموش کرده اند، به ضرر آنها گواهی می دهد .

اما علت خروج آن از بهشت : آیا می دانی که حجر الاسود ، چه بوده ؟

بکیر می گوید: گفتم نه، نمی دانم.

فرمود: حجر الاسود فرشته بزرگی از فرشتگان در پیشگاه خدا بود، وقتی که خداوند عهد و پیمان از فرشتگان گرفت ، نخستین کسی که ایمان به خدا آورد و به این ایمان و عهد اقرار نمود، همین فرشته بود، خداوند آنرا امین بر همه مخلوقاتش نمود و میثاق و پیمان را در پیش آن به ودیعت و امانت گذارد و مردم را تکلیف کرد که در پیش آن در هر سال تجدید عهد کرده و اقرار به میثاق و عهدی که خداوند از آنها گرفته نمایند.

خداوند حجر الاسود را با آدم در بهشت قرار داد ،

ص: 155

آدم در کنار حجر الاسود پیمان خود را بیاد می آورد و تجدید عهد در هر سال می کرد وقتی که آدم ترك اولی کرده و از بهشت رانده شد ، عهد و میثاقی را که خدا از او و فرزندانش در مورد محمد صلی الله علیه وآله وصی آنحضرت گرفته بود، فراموش نمود و او را بهت زده و حیران کرد وقتی که آدم در کنار این فرشته که به صورت مروارید سفید توبه کرد ، خداوند آنرا از بهشت نزد آدم انداخت .

وقتی که آدم در سرزمین هند بود ، وقتی که آدم آنرا دید با آن انس گرفت و بیش از این آنرا نمی شناخت که يك گوهری است، خداوند آنرا به زبان آورد و گفت :

ای آدم ! آیا مرا می شناسی؟

آدم گفت : نه نمی شناسم .

گفت : «آری شیطان بر تو چیره گشته و یاد خدارا از خاطر برده ای» در این وقت خود را به همان صورتی که در بهشت با آدم بود در آورد و به آدم گفت : عهد و پیمان چه

ص: 156

شد؟ آدم به طرف او برخاست و بیاد پیمان افتاد و گریست و در برابرش خضوع نموده و آنرا بوسید و تجدید اقرار و عهد و پیمان کرد، سپس خداوند آن را به صورت مروارید سفید و صاف که نور از آن بر می خاست در آورد، آدم آنرا از روی احترام و تعظیم به دوش گرفت و براه افتاد وقتی که خسته می شد، جبرئیل آنرا حمل کرد تا به مکه رسیدند.

آدم همواره در مکه با آن انس داشت و هر روز و شب با آن تجدید عهد و پیمان می کرد.

وقتی که خداوند سبحان جبرئیل را به زمین فرستاد و کعبه را بنا نمود، جبرئیل به این مکان بین رکن و درب کعبه نازل شد، در همین محل بود که از آدم پیمان گرفته شد و فرشته (حجر الاسود) در همین محل عهد و پیمان را دریافت، به همین جهت حجر الاسود رادر همین رکن قرار داد و آدم را از مکان کعبه به کوه صفا و حواریا به کوه مروه انتقال داد و حجر الاسود را در رکن گذاشته و تکبیر و تهلیل

ص: 157

گفت و از آن تجلیل کرد .

از اینرو سنت بر این جاری شده که مردم در کوه صفا روبروی این رکنی که حجر الاسود در آنجاست قرار می گیرند و تکبیر می گویند .

اما چرا خداوند عهد و پیمان را به این فرشته (حجر الاسود) سپردنه غیر او ؟

زیرا خداوند تبارك و تعالی وقتی که پیمان ربوبیت خود و نبوت حضرت محمد صلی الله علیه وآله و وصایت حضرت علی علیه السلام را از او گرفت فرشتگان ارزه براندام شدند نخستین فرشته ای که برای اقرار به این پیمان ها ، شتاب کرد ، همین فرشته (حجر الاسود) بود و در میان فرشتگان محبت هیچ کدام به محمد و آل او به شدت محبت این فرشته نمی رسید، از این رو خداوند در بین آنها این فرشته را برگزید و پیمان را به

او واگذاشت و این فرشته در روز قیامت به صحنه می آید با زبانی گویا و چشمی تیزبین تا به وفای عهد آنان که در این

ص: 158

مکان وفای به عهد کرده اند و میثاق و پیمان را نگاه داشته اند گواهی دهد (1)

\*\*\*\*\*

روایت شده «که حجر الاسود ، یاقوتی از یاقوت های بهشت است که در روز قیامت به صحنه می آید در حالی که دو چشم و یک زبان دارد با آن زبان سخن می گوید و گواهی می دهد برای آنانکه از روی صدق و حقیقت آنرا استلام کرده اند و پیامبر صلی الله علیه وآله بسیار آنرا می بوسید» (2)

\*\*\*

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: خداوند به ابراهیم علیه السلام وحی کرد: برای من خانه ای در زمین بنا کن، تا مرا در آن عبادت کنی ، اندازه زمین (واصل زمین) بر ابراهیم نامعلوم بود ، خداوند «آرامش» را بر ابراهیم نازل کرد و این آرامش

ص: 159

---

1- بحار ( حج ) ص 50 .

2- محجه ص 154 .



عبارت بود از بادی که دوسر داشت ، یکی از آن سرها تابع سردیگر بود ، این آرامش بر اساس و شالوده کعبه که قبلا فرشتگان آنرا پی ریزی کرده بودند حرکت می کرد و ابراهیم ساختمان را بر هر مکانی که آرامش بر آن قرار می گرفت م یساخت و ببالا آورد، ابراهیم کعبه را بنا می کرد و اسماعیل سنک می آورد، تا اینکه پایه ها به بالا آمد .

وقتی که ابراهیم به مکان حجر الاسود رسید ، به اسماعیل گفت: سنگی برای این محل بیاور ، اسماعیل چنان سنگی را نیافت، ابراهیم گفت برو و پیدا کن، اسماعیل به بیابان رفت ، تاچنان سنگی را با آن اوصاف پیدا کند ، جبرئیل بر او نازل شد و حجر الاسود را به او داد، اسماعیل حجر الاسود را آورد و در آن محل گذاشت ابراهیم گفت: چه کسی این سنگ را به تو داد ؟ اسماعیل گفت: «آن کسی که به بنای تو اعتماد ندارد» .

کعبه مدتی به همان وضع برپا بود ، تا این که ویران

ص: 160

شد و قوم عمالقه آنرا ساختند و مدتی برپا بود و باز ویران شد و طایفه جرهم آنرا ساختند و پس از مدتی ویران شد و قریش آنرا ساخت .

در این وقت رسول اکرم صلی الله علیه وآله نوجوان بود که بر پایه پاکی و اخلاق پیامبران بزرگ شده بود و به او « امین » می گفتند ، وقتی که قریش به محل حجر الاسود رسیدند ، هر طایفه ای از قریش خواست که افتخار نصب این صخره به او واگذار شود.

در این باره اختلاف بالا گرفت ، سپس به اتفاق رأی تصمیم گرفتند ، قضاوت را به نخستین کسی که بر آنها وارد می شود واگذار کنند و این شخص رسول خدا صلی الله علیه وآله بود ، تا او را دیدند گفتند این « امین » بر ما وارد شد ، او را از جریان خبر دادند ، آنحضرت پوشش خود را کنار گذاشت ، جامه ای خواست ، حجر الاسود را در میان آن گذاشت :

فرمود: از هر طایفه قریش یک نفر به نمایندگی جلو

ص: 161

بیاید، از هر طایفه يك نفر آمد و فرمود هر کدام گوشه جامه را گرفتند و با هم حجر الاسود در ابر داشته نزدیک محل آوردند و رسول اکرم صلی الله علیه وآله آنرا برداشت و در جای خود گذاشت ، همه از این حکمیت تعجب کردند از این رو که او با این کار اختلاف را بر طرف کرده و همه را خشنود نمود (1).

\*\*\*

امام باقر علیه السلام می فرماید: حجر الاسود همچون پیمان است و دست کشیدن به آن به منزله بیعت با آن است و آن حضرت وقتی دست به حجر الاسود می کشید عرض می کرد:

(اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِيُشْهِدَنِي عِنْدَكَ بِالْبَلَاغِ)

« خداوندا امانت خود را ادا کرده و پیمانم را نگه داشتی تا حجر الاسود نزد تو گواهی به ادای این پیمان

ص: 162

---

1- بحار ص 11 (حج)

عیاشی در تفسیر خود از عید الله حلبی نقل می کند که امام باقر و امام صادق علیه السلام فرمودند: در نخستین سال خلافت عمر، عمر به حج رفت و در آن سال مهاجران و انصار حج بجای آوردند و علی علیه السلام با حسن و حسین علیه السلام و عبد الله بن جعفر نیز حج بجای آوردند ...

هنگامی که وارد مکه شدند، عمر، حجر الاسود را استلام کرد (یعنی دست کشید) و گفت: «بخدا سوگند من می دانم که تو سنگی هستی که نفع و ضرر نداری، اگر رسول خدا صلی الله علیه وآله ترا استلام نمی کرد، من ترا استلام نمی کردم».

علی علیه السلام به عمر فرمود: ساکت باش ای ابو حفص، چنین انجام نده، رسول اکرم صلی الله علیه وآله استلام حجر نکرد مگر به خاطر امری که آنرا می دانست، اگر تو قرآن خوانده

ص: 163

باشی و تأویل قرآن را همچون افرادی که تاویل آن به آن‌ها آموخته شده می‌آموختی، می‌دانستی که این حجر الاسود ضرر و نفع دارد، او دارای دو چشم و يك زبان گویا می‌باشد، گواهی می‌دهد به وفای عهد کسانی که وفای پیمان کردند.

عمر عرض کرد: از کتاب خداقرآن در این مورد با من سخن بگو و مرا به آن راهنمایی کن.

علی علیه السلام فرمود: خداوند در قرآن (سوره اعراف آیه 172) می‌فرماید: «ویاد بیاور زمانی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنها را پدید آورد و آنها را بر خودشان گواه گرفت (گفت) آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند آری گواهی می‌دهیم که تو خدای مائی».

وقتی که اقرار به ربوبیت خدا کردند و خود را به عنوان بنده خدا معرفی نمودند خداوند از آن‌ها پیمان حج خانه با حرمت (کعبه) را گرفت، سپس چیز رقیقی، رقیق تر

ص: 164

از آب را خلق کرد و به قلم فرمود وفای به عهد فرزندان آدم را در همین چیز رقیق بنویس، سپس به حجر الاسود فرمود: این وفای به عهد را نزد خود نگهدار و برای بندگانم گواهی به وفای آن بده، حجر در حال اطاعت از خدا فرود آمد.

ای عمر وقتی که حجر را استلام می کنی آیا چنین نمی گوئی :

« امانت خود را ادا کردم و پیمانم را نگه داشتم تا حجر الاسود به وفای عهد من گواهی دهد ».

عمر گفت : آری چنین می گویم .

ن علی علیه السلام فرمود: به این موضوع ایمان بیاور (1).

\*\*\*

امام باقر علیه السلام فرمود: «رسول اکرم صلی الله علیه وآله هر وقت که هنگام طواف کنار دور کنی را که حجر الاسود و رکن یمانی در آن بود عبور می کرد، آن دو را استلام

ص: 165

---

1- مستدرک ج 2 ص 148 .

\*\*\*

مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا این دو رکن (رکن اسود و رکن یمانی) را مسح می کنند ، ولی دور کن دیگر (رکن شامی و غربی) را مسح نمی کنند؟ فرمود: «زیرا رسول اکرم صلی الله علیه وآله دور کن اول را مسح کرد و دور کن دوم را مسح نکرد، بنابراین چیزی که رسول اکرم صلی الله علیه وآله بر آن ایراد نگرفته، ایرادی بر آن نیست» (2).

\*\*\*

نیز فرمود: «رکن یمانی ، دری از درهای بهشت است، که خداوند از آن زمان که آنرا گشوده ، از آن کسی

ص: 166

- 
- 1- مدرك قبل - چهارگوشه كعبه را چهار ركن آن گویند كه عبارتند از: 1- ركن اسود (كه حجر الاسود در آن نصب است) 2- ركن شامی
  - 3- ركن غربی 4- ركن یمانی (در زاویه جنوبی مقابل یمن) (مترجم).
  - 2- مستدرک ج 2 ص 150

رامنع نکرده و بدانکه بین این رکن اسود و رکن یمانی، فرشته ای هست که بنام «هجیر» خوانده می شود او دعای مؤمنان را آمین می گوید»  
(1).

\*\*\*

از حضرت رضا علیه السلام سؤال شد، اگر ازدحام جمعیت کنار حجر الاسود زیاد شد، آیا باید برای استلام آن با همدیگر مقاتله کرد (یعنی تا این اندازه فشار آورد) فرمود: «اگر از دحام به این حد رسید (استلام نکن) بلکه با دست خود به آن اشاره کن» (2).

ص: 167

---

1- مستدرک ج 2 ص 150 .

2- وسائل ج 9 ص 410 .



ابن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام درباره حطیم پرسیدم، فرمود: «حطیم» ما بین حجر الاسود و درب کعبه است، گفتم چرا آن را حطیم گویند، فرمود: زیرا مردم در آنجا هم دیگر را (بر اثر ازدحام) فشار می دهند» (1)

خالد بن میسر گوید: در حضور امام باقر علیه السلام بودم فرمود: «آیا می دانید کدام نقطه زمین در نزد خدا از نظر

ص: 168

---

1- بحار ص 52 - حطیم در لغت به معنی شکستن است، و نظر به اینکه احیاناً هنگام فشار افراد صدمه و یا شکستگی می بینند، شاید از اینرو به آن مکان حطیم گویند (مترجم).

مقام بهتر است؟ آنگاه فرمود: آن نقطه، مکه الحرام است که خداوند آنرا به عنوان حرم برای خود پسندیده است.

سپس فرمود: آیا می دانید در مکه کدامیک از نقاط از نظر احترام بهتر است؟

فرمود: این نقطه بین رکن و مقام و درب کعبه است، این نقطه حطیم اسماعیل است، که او گوسفندانش را در این مکان حرکت می داد و در این مکان نماز می خواند.

بخدا سوگند اگر بنده ای در این مکان پاهای خود را مستقر کند و شب و روز عبادت نماید ولی حق و حرمت ما اهل بیت را نشناسد، هرگز چیزی از اعمال او قبول نمی شود» (1).

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر برای تو میسر شد که همه نمازهای واجب و غیر واجب را در حطیم بخوانی، بخوان، زیرا این مکان بهترین نقطه روی زمین است، که

ص: 169

---

1- بحار ص 52.

ما بین درب کعبه و حجر الاسود قرار گرفته و اینجا همان مکانی است که خداوند توبه آدم را پذیرفت و پس از حطیم ، نماز در حجر اسماعیل بهتر است و بعد از حجر ، نماز بین رکن عراقی (غربی) و درب کعبه بهتر است و این مکان همان مکانی است که مقام ابراهیم در آن واقع شده است و بعد از آن پشت مقام که اکنون به آن مقام می گویند.

و سپس هر چه که نزدیک کعبه باشد بهتر است ، کسی که در مسجد الحرام يك وعده نماز بخواند ، خداوند هر نمازی را که خوانده و هر نمازی را که در آینده تا هنگام مرگ می خواند قبول می کند و نماز در آن معادل صد هزار نماز است و وقتی که مردم در منی اقامت کنند ، منادی از طرف خداوند سبحان ندا سر می دهد اگر می خواهید مرا خوشنود کنید ، من از شما خوشنود شدم [\(1\)](#)

ص: 170

---

1- بحار ص 53 .

## انجام دور کعت نماز پشت مقام ابراهیم

امام صادق علیه السلام فرمود: «برای احدی روانیست که دورکعت نماز واجب طواف را در جای دیگر غیر از پشت مقام بخواند، چرا که خداوند در قرآن می فرماید:

( وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ اِبْرَاهِيمَ مُصَلِّی )

«و از مقام ابراهیم نماز گاهی برای خود انتخاب کنید» (1) و اگر آن دورکعت را در غیر آن بخوانی قبول نیست و باید اعاده کنی» (2).

ص: 171

---

1- بقره - 125.

2- وسائل ج 9 ص 480.

ابو حمزه ثمالی گوید: «امام سجاده علیه السلام به ما فرمود: کدام يك از نقطه های زمین بهتر است؟ گفتم خدا ورسول و فرزند رسولش بهتر می دانند؟ فرمود: «اما بهترین نقطه ها ما بین رکن (حجر الاسود) و مقام ابراهیم است و اگر مردی عمر نوح علیه السلام کند که در میان قومش 950 سال بود روزها روزه بدارد و شب ها را در همین مکان با عبادت بسر برد ، سپس با خدا بدون ولایت ما ملاقات نماید، هیچ گونه سودی به حال او نخواهد داشت» (1)

ص: 172

---

1- محجة ص 153 .

عمار ساباطی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که خداوند سبحان به ابراهیم وحی کرد که مردم را به حج دعوت کند، آن سنگی که در آن اثر پاهایش نقش بسته بود که همان مقام باشد، آن را برداشته مقابل کعبه، چسبیده به کعبه محاذی مکانی که اکنون در آن قرار دارد گذاشت، سپس روی آن ایستاد، با صدای بلند فرمان خدا را به مردم ابلاغ کرد، وقتی که لب به سخن گشود، سنگ زیر پایش طاقت نیاورد پاهای ابراهیم در آن فرورفت، ابراهیم،

پاهای خود را از آن بیرون کشید .

از آنجا که ازدحام جمعیت برای زیارت مقام ابراهیم باعث صدمه و لطمه طواف کنندگان می شد، مردم آن زمان صلاح دانستند که آن را از جای خود برداشته و به مکانی که اکنون در آن است بگذارند تا طوافگاه از طواف کنندگان خلوت گردد .

وقتی که پیامبر صلی الله علیه وآله به پیامبری رسید ، مقام را به محل اصلیش که ابراهیم علیه السلام در آن نصب کرده بود ، انتقال داد و همچنان مقام در همانجا بود تا پیامبر صلی الله علیه وآله از دنیا رفت .

در زمان خلافت ابوبکر و اوائل خلافت عمر نیز همچنان در آنجا باقی بود تا این که عمر به حاضران گفت : مردم به این مکان از دحام می کنند ، کدام يك از شما محل مقام را در زمان جاهلیت می دانید ، مردی گفت من می دانم و با وسیله ای اندازه گیری کرده ام .

ص: 174

عمر گفت آیا آن وسیله را هنوز داری؟ گفت آری عمر گفت آنرا بیاور، او رفت و آورد به این ترتیب عمر دستور داد مقام را به همان محل کنونی طبق آن اندازه آن وسیله انتقال دادند (1)

### حجر اسماعیل علیه السلام یا قبر مادر او

خضر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: اسماعیل جنازه مادرش را در حجر (2) دفن نمود و برای آن دیواری بنا کرد تا قبر مادرش زیر پا قرار نگیرد (3).

### شفا بودن آب ناودان

ابن جبلة گوید: مردی از برادران ما در مکه بیمار

ص: 175

---

1- بحار ص 53 ( حج )

2- حجر به معنی پناه و دامن است ، که در پناه کعبه روبروی ناودان قرار گرفته است گویند آنجا مدفن اسماعیل و هاجر و بسیاری از پیامبران است ( مترجم ) .

3- حجر به معنی پناه و دامن است ، که در پناه کعبه روبروی ناودان قرار گرفته است گویند آنجا مدفن اسماعیل و هاجر و بسیاری از پیامبران است ( مترجم ) .



شد بحدی که به بستر مرگ افتاد ، در راه به امام صادق علیه السلام برخورد کردم، به من فرمود: فلان شخص چه شد؟ گفتم او را بحال مرگ دیدم فرمود: توقف کنید تا از آب ناودان کعبه به او بیاشامانیم .

ابن جبلة گوید: برای یافتن آب ناودان به جستجو پرداختیم، ولی نزد کسی نیافتیم و در حال جستجو بودیم که ناگهان ابری در آسمان پیدا شد ، سپس رعد و برقی ایجاد شده و باران بارید آمدم نزد شخصی که در مسجد الحرام بود و درهمی به او دادم و ظرفی از او گرفتم و آن ظرف را زیر آب ناودان گرفته و پر از آب کردم و آنرا نزد آن بیمار

بردم و از آب آن به او دادم آشامید ، بعد در کنارش بودم که دیدم پس از آن آب خوب شد»<sup>(1)</sup>

ص: 176

---

1- بحار ص 56 ( حج )

## آب زمزم درمان هر دردی است

ابن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: نام های زمزم بدین قرار است .

1- رکضه جبرئیل .

2- حفيرة (گودال) اسماعیل .

3- حفيرة عبد المطلب .

4- زمزم

5- برة

6 - مضمونه

ص: 177

7 - رواء

8 - شعبه

9 - طعام مطعم .

10 - شفاء سقم (درمان بیماری) . (1)

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود : «نگریستن و ورود به چاه زمزم بر طرف کننده بیماری است ، از آب آن بیاشامید در محلی که نزدیک به رکنی است که حجر الاسود در آن قرار دارد، چون زیر حجر الاسود چهار نهر بهشت وجود دارد که عبارت است از نهر فرات و نیل و سیحان و جیحان و آنحضرت فرمود :

از این رو به زمزم «سقایه» (جای آب دادن) گویند که رسول اکرم صلی الله علیه وآله دستور داد از طائف کشمش آوردند و آب آن را گرفتند، به حوض زمزم ریختند، چرا که آب آن تلخ بود ، حضرت خواست تلخیش شکسته شود ، پس آن را

ص: 178

---

1- بحار ص 56 حج

وقتی که خالص است نیشامید» (1).

ابن قدهاح گوید: امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خود فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: آب زمزم درمان است برای کسی که از آن می آشامد» (2).

و اگر می توانی قبل از آنکه برای سعی بین صفا و مروه بیرون روی، از آب زمزم بیاشامی، از آن بیاشام و هنگام آشامیدن بگو:

«خداوندا این آب را برای من علم سودمند و روزی وسیع و شفای از هر درد و بیماری قرار بده». (3)

به نقل از امیر مؤمنان علی علیه السلام رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «بهترین چیزی که از روی زمین می جوشد، آب

ص: 179

---

1- بحار ص 56 (حج)

2- بحار ص 56 (حج)

3- اللهم اجعل لی علماً نافعاً ورزقاً واسعاً وشفاء من کل داء وسقم (بحار ص 56 - حج)

زمزم است».

امام باقر علیه السلام فرمود: «پس از آنکه دو رکعت نماز طواف را خواندی اگر توانستی به زمزم بروی و از آب زمزم بیا شامی و از فیض آن بهره مند گردی، این کار را انجام ده» (1).

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «آب زمزم بهترین آب روی زمین است و بدترین آب روی زمین آب برهوت است که در حضرموت (یمن) واقع شده که شب سرهای کافران به آن برده می شود» (2).

### فلسفه سعی بین صفا و مروه

در تفسیر ابو الفتوح رازی نقل شده، ابن عباس گروهی را دید که مشغول سعی بین صفا و مروه بودند، به

ص: 180

---

1- مستدرک ص 158 .

2- بحار ص 56 .

آنان گفت: این سعی را، مادر شما، مادر اسماعیل (هاجر) برای شما به ارث گذاشته است، آنوقت که اسماعیل (در زمان طفولیت) تشنه بود، هاجر برای طلب آب به کوه صفا رفت و نگاه به بیابان کرد تا شخصی را ببیند، سپس فرود آمد و سعی کرد و به کوه مروه رفت و به بیابان نگاه کرد احدی را ندید و این رفتن به کوه صفا و مروه را هفت بار انجام داد، خداوند بر این اساس، سعی بین و مروه را هفت بار، در اعمال حج تو واجب کرد (1)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا سعی بین صفا و مروه، واجب است یا مستحب؟ فرمود: واجب است، سؤال شد: خدا در قرآن فرموده (فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا) «باکی نیست بر حاجی که سعی بین صفا و مروه کند» (2) در صورتی که لفظ «لا جناح» (باکی نیست) دلالت بر وجوب

ص: 181

---

1- مستدرک ص 161 .

2- بقره - 158 .

نمی کند.

امام فرمود: این آیه ناظر به « عمره قضاء » است رسول اکرم بر حجاج شرط کرده بود که بت ها را از بالای کوه صفا و مروه بردارند ، سپس سعی بین صفا و مروه نمایند ، مردی بر اثر گرفتاری موفق به سعی بین صفا و مروه نشد، تا اینکه ایام حج به پایان رسید و بت پرستان بت هایشان را به کوه صفا و مروه عود دادند .

عده ای به حضور پیامبر صلی الله علیه وآله رسیده و پرسیدند فلان کس موفق به سعی بین صفا و مروه نشده و هم اکنون بت ها به صفا و مروه عود داده شده است؟

آیه فوق در پاسخ این سؤال نازل شد ، که هر چند بت ها در بالای کوه صفا و مروه باشد مانعی ندارد که آن مرد ، سعی بین صفا و مروه کند [\(1\)](#) (معلوم است که این تعبیر برای رفع حرمت سعی با بودن بت ها ، دلیل نفی وجوب نیست) .

ص: 182

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: « هیچ نقطه زمینی در نزد خدا بهتر از محل سعی بین صفا و مروه نیست، چرا که در سعی بین صفا و مروه، هر جبار و متکبری، ذلیل و خوار می گردد ». (1)

امام سجاد علیه السلام فرمود: « برای سعی کننده بین صفا و مروه، فرشتگان شفاعت می کنند و شفاعت آنها در این مورد قبول می شود ». (2)

ص: 183

---

1- مدرک قبل .

2- محجة ص 148 .



## تقصیر، همه محرمات احرام را حلال می کند

امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی که از سعی بین صفا و مروه فارغ شدی در حالی که (عمره) تمتع بجایمی آوری ، مقداری از موی سرت را از دو طرف و موی ریش را بگیر و ناخن (دست یا پا) را کوتاه کن و مقداری هم برای حج خود باقی بگذار ، وقتی که چنین کردی (که همان تقصیر است) آنچه به جهت احرام بر تو حرام شده بود ، حلال می شود» (1)

ص: 184

---

1- وسائل ج 9 ص 539 .

آنحضرت در مورد محرمی که از بعضی از موی سر و ریش می چینند، نه از بعضی دیگر فرمود، مانعی ندارد، کافی است (1).

محمد حلبی گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: زنی در حال انجام (عمره) تمتع است، شوهرش قبل از آنکه او تقصیر کرده باشد، برای همبستری با او شتاب می کند، آن زن از ترس غلبه شوهر بر او، به موی سرش متوجه شده و آنرا با دندان هایش قیچی می کند و یا ناخن هایش را با دندان کوتاه می کند آیا بر آن زن (گناه و کفاره ای) هست؟ فرمود: «نه، نزد همه کس که قیچی یافت نمی شود» (2).

### مساله ای در مورد زن حائض

از امام صادق علیه السلام در مورد زنی که عمره تمتع بجا

ص: 185

---

1- وسائل ج 9 ص 540.

2- وسائل ج 9 ص 541.

می آورد تا پس از آن حج تمتع بجای آورد ، وقتی که عمره تمتع را پایان رسانید و از احرام بیرون آمد ترس آن دارد که خون حیض ببیند! فرمود: «احرام برای حج تمتع ببندد و طواف کعبه را بجای آورده و سپس سعی بین صفا و مروه کند ( بعد برود برای عرفات و مشعر و منی ) مانعی ندارد که زن قبل از . طواف سعی خود را مقدم بدارد .

ولی اگر قبل از طواف حج تمتع ، خون حیض دید با مردم بیرون می رود ، و طواف خود را تأخیر می اندازد تا از خون حیض پاک گردد» (1)

### چرا روز هشتم را روز «ترویبه» گویند؟

معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود : از این روزه روز هشتم ، روز «ترویبه» گویند، چرا که جبرئیل

ص: 186

---

1- بحار ص 23 ( حج )

در این روز بر ابراهیم خلیل وارد شد و گفت: «ارتو من الماء لك ولا هلك» «یعنی برای خود و خانواده ات آب بردار» (چون در این روز از مکه به عرفات می روند) و بین مکه و عرفات، آب نبود.

سپس جبرئیل در عرفات بر ابراهیم وارد شد و به او گفت: اقرار به گناهانت کن و مناسک خود را بشناس (اعترف واعرف مناسکک) از این رو، آن محل، «عرفه» نامیده شد، سپس جبرئیل به او گفت «از دلف الی المشعر الحرام» «یعنی شب به طرف مشعر پیش بگیر» و از این رو آن محل «مزدلفه» نامیده شد (1).

حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم چرا روز ترویبه (هشتم) را «ترویبه» گفتند؟ فرمود: زیرا در عرفات آب نبود و حاجیان هنگام رفتن به عرفات ظرف خود را در مکه پر از آب می کردند و بعضی به بعضی دیگر می گفتند:

ص: 187

---

1- بحار ص 23.

«ترویتیم ترویتیم» (آب برداشتید آب برداشتید؟) از اینرو این روز به «روز ترویه» نامیده شد (1).

## فلسفه نامگذاری عرفات

معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم چرا عرفات را «عرفات» می نامند، فرمود: «جبرئیل در روز عرفه نزد ابراهیم علیه السلام آمد وقتی که ظهر شد، جبرئیل به او گفت: «اعترف بذنبك واعرف مناسكك»: «به گناهت اقرار کن و اعمال حج خود را بشناس» از این رو آن محل به «عرفات» نامیده شد، بخاطر قول جبرئیل به «اعترف»، ابراهیم نیز اعتراف به گناه خود کرد (2).

ص: 188

---

1- بحار ص 10 .

2- بحار ص 59 .

## علت توقف در عرفات

از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده فرمود: عده ای از یهودیان به حضور رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده ، از حضرت خواستند که به پرسش های آنان پاسخ دهد ، یکی از پرسش ها این بود که چرا خداوند فرمان داده که حاجیان بعد از عصر در عرفات توقف کنند ؟

پیامبر فرمود : عصر ، ساعتی است که آدم علیه السلام در این وقت نافرمانی خدا کرد، خداوند بر امت من واجب کرد در بهترین محل هایش توقف کنند و به تضرع و دعا و راز و نیاز بپردازند و برای آنان بهشت را عهده دار شد و آن ساعتی که حاجیان از عرفات منصرف می شوند همان ساعتی است که آدم از طرف خدا کلماتی را دریافت و خدا توبه اش را قبول کرد، خداوند توبه پذیر مهربان است.

سپس فرمود: سوگند به خدائی که مرا به حق به

ص: 189

عنوان مژده دهنده و ترساننده مبعوث کرد ، برای خدا در آسمان دری وجود دارد که به آن درب رحمت ، درب توبه درب نیازها، درب تفضل و لطف ، درب نیکی ، درب سخاوت ، و درب کرم و درب عفو گفته می شود ، احدی در عرفات اجتماع نکرد مگر اینکه از طرف خدا در همین وقت مشمول این صفات خواهد شد و برای خدا صد هزار فرشته است و با هر فرشته ای صد و بیست هزار فرشته هست و برای خدا رحمت بر اهل عرفات است ، رحمتش را بر آنان نازل می کند .

وقتی که آنان از عرفات بیرون آمدند ، خداوند فرشتگانش را به آزادی اهل عرفات از آتش دوزخ ، گواه می گیرد و خداوند بهشت را برای آنان واجب می نماید و منادی خداوند ندا سر می دهد از عرفات بروید در حالی که آمرزیده شده اید، شما مرا راضی کردید و من هم از شما راضیم .

ص: 190

یهودیان گفتند: راست می گوئی ای محمد صلی الله علیه وآله (1)

## فضیلت عرفات، و استجابت دعا در آن

از علی علیه السلام نقل شده رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: « از عمره تا عمره دیگر کفاره (گناهان) بین این دو است، و پاداش حج قبول شده بهشت است، و بعضی از گناهان، گناهان نابخشودنی است، مگر در عرفات که قابل بخشش می شود (2) .

بزنی گوید: حضرت رضا علیه السلام از امام باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود: «هیچ کس از خوب و بد در کوه عرفات توقف و دعا نکرد مگر اینکه خداوند دعایش را مستجاب نمود، اما در مورد شخص خوب، خداوند نیازهای دنیا و آخرتش را بر آورد و اما شخص بد، خداوند نیاز دنیای

ص: 191

---

1- بحار ص 57 (حج) .

2- بحار ص 12 .



اورا رفع نماید» (1).

امام باقر علیه السلام فرمود: «روزی امام سجاد علیه السلام در عرفه گروهی را دید که نیازهای خود را از مردم می طلبند، فرمود: وای بر شما آیا در چنین روزی از غیر خدا سؤال می کنید، با این که امید می رود که بچه ها در رحم های مادرشان در چنین روزی سعادت‌مند شوند» (2)

عمر بن یزید گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود وقتی که حاجی وارد مکه شد خداوند دو فرشته را مأمور او می کند تا او را در طواف و نماز و سعی، حفظ کنند، وقتی که او در عرفات توقف می کند، این دو فرشته به شانه راست او می زنند (دست می گذارند) و می گویند: در مورد آنچه از گناهانت گذشته است مورد کفایت (وعفو) واقع شدی، بنگر که در آینده چکار می کنی؟ « (3)

ص: 192

---

1- بحار ص 58

2- بحار ص 58

3- بحار ص 59

امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ کس از مؤمنان از هر شهر و بلدی در عرفات توقف نکرد مگر اینکه خداوند مؤمنین آن شهر و بلد را آمرزید و هیچ کس از افراد خانواده مؤمنین، در عرفه توقف نکرد مگر اینکه خدا خانواده با ایمان او را آمرزید» (1).

مردی به امام سجاده علیه السلام عرض کرد: جهاد و سختی های جها در اترك کرده و حج و راحتی های آن را گرفته ای، امام که به چیزی تکیه کرده بود، نشست و فرمود: وای بر تو آیا سخن پیامبر صلی الله علیه وآله به تو نرسیده که در آخرین حجش در عرفات هنگام غروب به بلال فرمود: به مردم بگو ساکت شوند.

آنگاه فرمود: خداوند، پروردگار شما در این روز بر شما نظر افکند، نیکان شما را آمرزید، و شفاعت نیکانتان را در مورد بدانتان پذیرفت، پس کوچ کنید در

ص: 193

حالی که آمرزیده خدا هستید و خداوند ضامن گنهکارانی است که در پیشگاهش رضایت از آنان دارد (1)

\*\*\*\*

محمد بن یعقوب از علی بن ابراهیم نقل می کند که او گفت: پدرم گفت: عبد الله بن جنذب را در عرفات دیدم و هیچ کس را نیکوتر از او نیافتم همواره دستش را به سوی آسمان دراز کرده و اشک برگونه اش جاری بود، وقتی که مردم پراکند شدند به او گفتم: هیچ کس را در این موقف، نیک تر از تو ندیدم.

گفت: «بخدا سوگند، دعای من فقط برای برادران (دینی) بود، چرا که امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هر کس برای برادرانش در غیاب آنها دعا کند، از عرش به او ندا داده می شود، برای تو صد هزار برابر آن برادران، اجر هست، از اینرو من نپسندیدم که صد هزار برابر تضمین شده را به یکی که نمی دانم مستجاب می شود یا نه عوض

ص: 194

---

1- مستدرک ج 2 ص 9.

کنم» (1).

رفاعه گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه (199 بقره) (أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ).

(سپس از همانجا که مردم کوچ می کنند به سوی سرزمین منی کوچ کنید) پرسیدم، فرمود: «اهل حرم در «مشعر الحرام» توقف می کردند ، ولی مردم در «عرفات» توقف می کردند و اهل حرم از مشعر به طرف منی کوچ نمی کردند ، تا اهل عرفات به آنان برسند ، مردی که به نام ابوسیار خوانده می شد ، مرکب (تندروی) داشت ، از اهل عرفات سبقت گرفت، وقتی که به اهل مشعر رسید ، آنها گفتند این ابوسیار است .

سپس به طرف منی حرکت کردند ، خداوند با آیه فوق فرمان داد که همه در عرفات توقف کنند و از عرفات

ص: 195

کوچ نمایند» (1).

در روایت آمده - امام سجاده علیه السلام در روز عرفه عده ای را دید که خواسته های خود را از مردم می طلبند، فرمود: «این افراد از افراد بدخلق خدا هستند مردم به طرف خدا روی آورده اند، ولی اینها به طرف مردم رو

کرده اند» (2).

ص: 196

---

1- بحار ص 59 - ناگفته نماند: قریش خود را اهل حرم و فرزند ابراهیم می دانستند و رفتن به عرفات را که از حریم مکه بیرون است، کسر شان خود می دانستند، آیه فوق در رد این افراد نازل شد (مترجم).

2- بحار ص 61.

## بزرگ ترین جرم در عرفات

در کتاب غایات، از ادريس بن يوسف نقل شده که از امام صادق عليه السلام پرسیدم گناه کدام يك از اهل عرفات ، بزرگ تر است؟ فرمود: « آن کسی که از عرفات بیرون می آید و گمان می کند که خدا او را نیامرزیده است» (1).

## فلسفه نامگذاری « مزدلفه »

معاوية بن عمار گوید امام صادق عليه السلام در مورد ابراهيم خليل عليه السلام فرمود: «جبرئیل در عرفات نزد ابراهيم رفت

ص: 197

---

1- بحار ص 61 .

و در آنجا توقف کرد تا خورشید غروب نمود ، سپس از آن کوچ نمود و به ابراهیم گفت: «از دلف الی مشعر الحرام» «یعنی به طرف مشعر الحرام حرکت کن» (از دلاف به معنی جمع و نزدیکی و تقدم است) از اینرو به مشعر الحرام «مزدلفه» گفتند» (1).

باز از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «از این رو به مشعر «مزدلفه» گویند، که مردم از عرفات به مشعر ، از دلاف ( یعنی حرکت نزدیک و دستجمعی به سوی آن) کردند» (2).

### علت نامگذاری مزدلفه به «جمع»

وقتی که از عرفات به مزدلفه (مشعر) که آنرا «جمع» ( به وزن هنر گویند) آمدی، نماز مغرب وعشا را با يك

ص: 198

1- مدرك قبل .

2- وسائل ج 10 ص 38 .

اذان و دو اقامه بخوان سپس نافله مغرب را بعد از عشا بخوان و از این رو به مزدلفه ، «جمع» گویند که نماز مغرب و عشا در اینجا با هم ( پشت سرهم ) بایک اذان و دو اقامه خوانده می شود .

وقتی که شب را در آنجا به صبح آوردی، نماز صبح را بخوان و در آنجا همچون وقوف در عرفات، توقف کرده و بسیار دعا کن، وقتی خورشید بر کوه «شبیر» طلوع کرد، از آنجا به طرف منی کوچ کن و از کوچ کردن قبل از طلوع خورشید دوری کن و همینطور در عرفات قبل از غروب خورشید کوچ نکن ، وگرنه کفاره قربانی بر تو واجب می شود. (1)

امام صادق علیه السلام فرمود: از این رو به مزدلفه « جمع » گفتند، چرا که در مزدلفه بین نماز مغرب و عشا جمع می شود (2).

ص: 199

---

1- بحار ص 61

2- بحار ص 61 (حج)



## علت نامگذاری «مشعر»

محمد بن حسن همدانی گوید « از ذوالنون بصری سؤال کردم که چرا از عرفات به مشعر حرکت می کنند از آنجا یک راست به حرم (مکه) حرکت نمی کنند؟ گفت: کسی که این سؤال را از امام صادق علیه السلام کرده بود برای من نقل کرد که امام فرمود کعبه خانه محترم خدا و حجاب او است، و مشعر درب (ورودی) کعبه است، وقتی که زائرین قصد زیارت کعبه را می کنند، خدا آن ها را در کنار «درب» متوقف میکند تا اجازه ورود به آنها دهد.

سپس آنان را در حجاب دوم «مزدلفه» متوقف

ص: 200

می سازد، وقتی که خداوند تضرع و راز و نیاز طولانی آنها را دید، به آنها فرمان می‌دهد که قربانی خود را نزدیک بیاورند، وقتی که قربانی خود را نزدیک آورده (و در منی) آن را قربان کردند و از گناهی که حجاب بین آنان و خدا بود، پاک شدند.

آنگاه به آنان فرمان می‌دهد که با طهارت برای زیارت کعبه وارد شوند

او گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم چرا در ایام تشریق (بازدهم و دوازدهم و سیزدهم) روزه گرفتن مکروه است؟

فرمود: زیرا مردم زوار خدا هستند و آنان مهمان خدا می‌باشند، شایسته نیست که مهمان نزد کسی که او را زیارت می‌کند و میزبانش هست، روزه دار باشد، پرسیدم مردی که دامن پرده کعبه را می‌گیرد، این موضوع چه معنی دارد؟ فرمود: مثل این مرد همچون مثل مردی است که

ص: 201

بین او و بین مردی دیگر بر سر جنایتی نزاع هست ، او دامن مرد دیگر را گرفته، از او التماس می کند ، به این امید که او از جنایتش بگذرد»  
[\(1\)](#)

## علت نام گذاری ابطح

امام صادق علیه السلام فرمود: «از اینرو ابطح» (محلّی در مشعر) را «ابطح» گویند زیرا آدم مأمور شد که در بطحاء مشعر ( مسیله پرریک مشعر) به رو بخوابد [\(2\)](#) تا صبح شود ، سپس مأمور شد بالای کوه مشعر برود و مأمور شد وقتی که خورشید طلوع کرد ، به گناه خود اعتراف نماید آدم این مأموریت هایش را انجام داد ، خداوند آتشی از آسمان فرستاد و قربانی آدم را فرا گرفت» [\(3\)](#)

ص: 202

---

1- بحار ص 8 .

2- زیرا ابطح در لغت به رو خوابیدن است.

3- وسائل ج 10 ص 38 .

## نماز در مزدلفه (مشعر)

امام صادق علیه السلام فرمود: «نماز مغرب را نخوان تا (از عرفات) به مشعر بیائی آنگاه در مشعر ، نماز مغرب و عشا را بایک اذان و دو اقامه بخوان (1) .

نیز فرمود: «نماز مغرب و عشا جمع می شود (با هم خوانده می شود) بایک اذان و دو اقامه و در بین این دو نماز نماز دیگری نخوان و فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه وآله این چنین نماز خواند» (2)

ص: 203

---

1- وسائل ج 10 ص 40 .

2- وسائل ج 10 ص 40 .

در کتاب دعائم الاسلام آمده که از امام صادق علیه السلام در مورد انجام نماز مغرب و عشا در شب مشعر قبل از رسیدن به مشعر سؤال شد، فرمود: «باید نماز را در مشعر بخواند هر چند ثلثی از شب رفته باشد و اگر کسی عمداً نماز مغرب و عشا را در مشعر نخواند، برگردن او است که قربانی کند» (1).

### علت نام گذاری «منی»

حضرت رضا علیه السلام فرمود: به این علت « منی » به «منی» نامیده شد، که جبرئیل در منی به ابراهیم نازل شد و به او گفت: «تمن علی ربك من شئت»: «هر چه می خواهی از پروردگارت تمنا و آرزو کن» ابراهیم خاطرش تمنا کرد که خداوند بجای فرزندش اسماعیل قوچی قرار دهد و او را امر به ذبح قوچ فدای عملش کند، خداوند آرزوی

ص: 204

ابراهیم علیه السلام را بر آورد».

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که مردم در «منی» منزل می گیرند و اقامت می کنند ، منادی ندا سر می دهد : اگر شما فناء آنچه را که حلال کردید (از محرّمات احرام) می دانستید پس از آموزش ، یقین به پشت سر آن قیامت پیدا می کردید (1).

عبد الحمید گوید : از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: «وقتی که مردم در منی اجتماع کردند ، منادی ندا می کند ای مردمانی که جمع شده اید، اگر می دانستید به چه خود را ( از محرّمات احرام ) بیرون آوردید ، یقین به آموزش پشت سر آن پیدا می کردید .

سپس خداوند متعال می فرماید : هرگاه بنده ای که رزق و روزی او را توسعه دادم در هر چهار (سال) به سوی

ص: 205

من «به منی» کوچ نکند او محروم است». (1)

نیز فرمود: «اگر حاجی در منی، اول شب خارج شد باید نصف شب در منی باشد و اگر بعد از نصف شب خارج شد مانعی ندارد که تا صبح در غیر منی باشد».

مرحوم صدوق در کتاب مقنع و فقیه گوید: سپس به منی برگرد و در شب های تشریق «شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم» در منی باش و اگر در غیر منی باشی برای هر شب کفاره قربانی يك گوسفند بر تو واجب می شود و اگر بعد از نصت شب بیرون رفتی مانعی ندارد که تا صبح در غیر منی باشی. (2)

بنقل از حضرت رضا علیه السلام امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی که حاجی از منی به سوی مکه کوچ می کند فرشته ای دستش را بین دو شانه او می گذارد و سپس به او گوید:

ص: 206

---

1- بحار ص 2.

2- مستدرک ص 21.

(گناهان سابقه بخشیده شد به فکر آینده باش) و اعمال را از نو شروع کن» (1).

### برچیدن سنگ ریزه برای رمی جمرات

زراره گوید: از امام زراره گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد سنگ ریزه برای رمی جمرات سؤال کردم؟ فرمود: از زمین مزدلفه (مشعر) سنگ ریزه برچیده می شود و پس از آن از منی برچیده می شود (2).

نیز فرمود: «اگر سنگ ریزه های جمرات را در حرم بر چینی کافی است و اگر آنها در غیر حرم بر چینی، کافی نیست، و فرمود: جمرات را به غیر سنگ ریزه نزنید» (3).

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «سنگ ریزه ها برای رمی

ص: 207

1- بحار ص 63 حج

2- وسائل ج 10 ص 52.

3- وسائل ج 10 ص 53.



جمرات ، مانند سرانگشت است ، سنگ ریزه های سیاه و سفید و سرخ را برنچین، بلکه آن سنگ ریزه های ابلق و خالخالی همچون زیور زیبا را برچین « (1) .

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود : «سنگ ریزه ها را از زمین برچین و چیزی از آنها را نشکن» . (2)

### **علت سنگ انداختن به ستون های جمرات**

امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام نقل می کند که فرمودند: از اینرو خداوند به سنگ انداختن به جمرات فرمان داد که ابلیس ملعون در محل این سه جمره ، در برابر ابراهیم علیه السلام دیده شد ، ابراهیم ابلیس را در این محل ها ،

ص: 208

---

1- وسائل ج 10 ص 54.

2- وسائل ج 10 ص 53.

سنگ باران کرد و همین سنت ( برای حاجیان در حج) شد (1).

امام صادق علیه السلام در مورد رمی جمرات فرمود: برای هر سنگ ریزه ای که انسان با آن به طرف جمرات می زند، يك گناه بزرگ هلاك کننده از او ريخته می شود» (2)

بنقل امام باقر علیه السلام، رسول اکرم صلی الله علیه وآله به مردی از انصار فرمود: وقتی که جمرات را سنگ زدی، برای هر سنگی که به آن زدی، در آینده از عمر توده پاداش نوشته می شود» (3).

ص: 209

---

1- وسائل ج 10 ص 68.

2- وسائل ج 10 ص 68.

3- وسائل ج 10 ص 68.

ابو بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: علت قربانی چیست؟ فرمود: «هنگامی که نخستین قطره از قطرات خون قربانی به زمین ریخت خداوند صاحب قربانی را می‌آمزد و کسی که تقوای به غیب پیدا کند خدا به او آگاهی می‌یابد، خداوند در قرآن (سوره حج آیه 36) می‌فرماید: (لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ) : «نه» گوشت‌های آن‌ها و نه خون‌هایشان به خدا نرسد، بلکه تقوای شما به او برسد».

سپس فرمود: بنگر که خداوند چگونه قربانی هایبیل را قبول کرد ، ولی قربانی قابیل را رد کرد « (1)

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود : « قربانی های خود را گرامی بدارید، چرا که آنها مرکب های شماروی پل صراط هستند » (2)

ش نیز فرمود: «در روز قربان ، هیچ کاری نزد خدا محبوب تر از ریختن خون نیست و در روز قیامت آن قربانی با شاخ ها و سم هایش می آید ، بدرستی که خون قربانی از طرف خدا قبل از آنکه به زمین بریزد در مکانی واقع می شود ، بوسیله آن نفس خود را پاک کنید». (3)

و در روایت آمده: «برای شما برای هر پشمی از پوست قربانی، حسنه و پاداش است و برای هر قطره خون آن حسنه است

ص: 211

---

1- مدرك قبل ص 174

2- وسائل ج 10 ص 176

3- محجة ص 195 .

و قربانی در میزان قیامت به حساب می آید، پس مژده باد به شما « (1).

مردی بنام سواده گوید: «ما جماعتی بودیم در منی قربانی مان گم شد، نگاه می کردیم ناگهان دیدیم امام صادق علیه السلام در کنار گوسفندانی ایستاده و برای خرید گوسفند گفتگو می کند و با فروشندگان سخت چانه می زند، در انتظارش بودیم، وقتی که از این کار فارغ شد نزد ما آمد و فرمود: گمان می کنم از چانه زدن من تعجب کردید، گفتیم آری، فرمود: آدم مغبون، نه آدم پسندیده و نه دارای اجر است « (2)

امام باقر علیه السلام فرمود: «برای مرد مستحب است که خودش نحر شتر یا ذبح گوسفند را به عهده بگیرد و بادهست خود آنرا قربان کند، اگر می تواند و اگر نمی تواند دست

ص: 212

---

1- محجة ص 195

2- مدرک قبل .

خود را روی دست ذبح کننده بگذارد ، اگر این را هم نمی تواند کنار آن بایستد تا نحر و ذبح شود و هنگام نحر و ذبح تکبیر بگوید « (1)

ص: 213

---

1- بحار ص 64.

## موارد وجوب سر تراشیدن

سلیمان بن مهران گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم، چرا تراشیدن سر برای کسی که اولین حج او است واجب است نه برای آنان که حج مکرر است؟ فرمود: تا با سر تراشیدن دارای نشانه ای از نشانه های آنان که در امن و امان هستند بشوند، آیا سخن خداوند را نشنیده ای که می فرماید که شما در مسجد الحرام در می آئید اگر خدا بخواهد ایمن شده، سرهایتان تراشیده و موهایتان کوتاه شده و از هیچ کس ترسید « (فتح - 27) (1)

ص: 214

در کتاب بحار از درالمنثور سیوطی به نقل از تاریخ خطیب از یحیی بن اکثم روایت شده گفت: الواثق (نهمین خلیفه عباسی) در مجلسی پرسید: وقتی که آدم حج بجای آورد، چه کسی سرش را تراشید؟ فقهای مجلس در جواب ماندند.

واثق گفت: من اکنون کسی را به این مجلس حاضر می کنم تا شما را به جواب این سؤال خبر بدهد، همان دم برای امام هادی علیه السلام پیام فرستاد، امام حاضر شد و فرمود: به نقل پدرانم رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: خداوند به جبرئیل فرمان داد یاقوتی را از بهشت فرود آورد، جبرئیل یاقوتی از بهشت نزد آدم آورد و با آن یاقوت سر آدم را مسح کرد و موهای سر آدم از آن پراکنده شد و هر جا که شعاع نور یاقوت رسید، تا همانجا حرم به حساب آمد «(1)».

امام صادق علیه السلام فرمود: «سر تراشیدن بهتر از تقصیر

ص: 215

---

1- مستدرک ص 139 .



(چیدن مقداری مو) است، زیرا رسول اکرم صلی الله علیه وآله در حجة الوداع (آخرین حجش) و در عمره حدیبیه سرش را تراشید» (1).

به نقل ابو بصیر امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: « وقتی که حاجی سرش را (در منی) تراشید هر موئی که از او به زمین می ریزد، در روز قیامت خداوند آن را نور قرار می دهد» (2)

نیز فرمود: تراشیدن سر بر سه نفر واجب است :

1 - مردی که موی سرش را با غسل و صمغ بهم چسبانده .

2 - مردی که نخستین حج او است و قبل از آن حجی بجای نیاورده .

3 - مردی که موی سرش را در وسط سرش جمع

ص: 216

---

1- مستدرک ص 181 - 182 .

2- مستدرک ص 181 - 182 .

کرده و بسته است (1).

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «بر کسی که نخستین حج را بجای می آورد واجب است سرش را تراشد، دیگر تقصیر نکند، چرا که تقصیر برای کسی است که قبلاً حج را بجای آورده است» (2)

ابو شبل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «شخص با ایمان وقتی که سرش را در منی می تراشد و آنرا دفن می کند، در روز قیامت به صحنه می آید در حالی که هر موئی از آن موها دارای زبان گویا است و بنام صاحبش لبیک می گوید» (3)

عمار ساباطی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی در سرش زخم هائی وجود دارد که نمی تواند

ص: 217

---

1- مستدرک ص 185 .

2- وسائل ج 10 ص 186.

3- وسائل ج 10 ص 184 .

آنرا بتراشد ، چه کند؟ فرمود: اگر قبلا حج بجای آورده موی سرش را بچیند و اگر قبلا حج بجای نیاورده بر او لازم است که سرش را بتراشد» (1).

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در روز حدیبیه دو بار فرمود : خدایا تراشندگان سر را بیامرز ، شخصی پرسید برای تقصیر کنندگان چی؟ فرمود: خدایا آنها را هم بیامرز» (2).

امام باقر علیه السلام فرمود : « رسول اکرم صلی الله علیه وآله برای تراشندگان سر، سه بار طلب آمرزش کرد ، ولی برای تقصیر کنندگان یکبار طلب آمرزش نمود» (3).

ص: 218

---

1- وسائل ج 10 ص 186 .

2- وسائل ج 10 ص 186 .

3- وسائل ج 10 ص 186 .

## علت نام گذاری مسجد خیف

معاویه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم چرا مسجد خیف را «خیف» گفتند؟ فرمود: (چون این مسجد نسبت به مجد نسبت به وادی (سیلگاه) منی، در جای بلندی واقع شده است و زمین مرتفع از سیلگاه (که سیل به آن آسیب نمی رساند) را خیف گویند» (1).

### « مسجد خیف »

«خیف» شده در مکانی را گویند که در دامنه کوه واقع شده در

ص: 219

---

1- بحار ص 62 (حج)

مکان مرتفعی که سیل به آن آسیب نمی‌رساند، از این رو به مسجد خیف در منی، خیف گویند که در دامنه کوه واقع شده و خیف همیشه بین دو کوه قرار دارد، مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان خودش کنار مناره ای بود که در وسط مسجد قرار داشت که از طرف قبله حدود سی ذراع و از طرف راست و چپ و پشت نیز همین حدود است، روایت شده که در مسجد خیف هزار پیغمبر نماز خوانده است و بجای آوردن دو رکعت نماز در اصل صومعه مستحب است» (1)

ص: 220

---

1- مجمع البحرین (خیف) - صومعه، ساختمانی است در میان صحن مسجد خیف که اطرافش باز است و دارای سقف گنبدی می‌باشد (مترجم)

در کتاب امالی شیخ مفید (ره) آمده که امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش فرمود: وقتی که ابرهه بن صباح پادشاه حبشه تصمیم گرفت تا کعبه را خراب کند، با تسلط کامل برای این کار به طرف مکه روانه شد مکه روانه شد.

لشگریان او شتران عبدالمطلب را که در چراگاه می چریدند، به دستور او گرفتند، عبدالمطلب بدر بار ابرهه رفت به او اجازه ورود دادند، ابرهه در قبه دیباج بر تخت خود نشسته بود، عبدالمطلب سلام کرد و او جواب سلام

را داد ، آنگاه به عبدالمطلب گفت: برای چه به اینجا آمده ای؟ از سخاوت و کرم و فضل توبه ما خبر داده اند و از شکوه و جمال و جلال تو چنین می بینیم که به تقاضای تو توجه کنم، اینک آنچه می خواهی بیان کن ، ابرهه پیش خود می گفت لابد عبدالمطلب آمده از من تقاضای مراجعت و صرفنظر از خراب کردن کعبه نماید .

بر خلاف انتظار او ، عبدالمطلب گفت: مأموران توبه چراگاه ریختند و شتران مرا گرفته اند، به آنها امر کن که شتران مرا به من برگردانند.

ابرهه از این تقاضا خشمگین شد و به عبدالمطلب گفت : تو از چشمم افتادی، آمده ای از شترانت می پرسی، ولی من برای ویران کردن شرف تو و شرف قوم تو و مایه افتخار شما که بخاطر آن از هر نسلی برتری دارید یعنی کعبه ای که از هر نقطه زمین برای حج آن بطرف آن گسیل می شوند آمده ام ، تو اصلا در این باره با من سخن نگفتی و

ص: 222

عبدالمطلب گفت: من صاحب آن خانه نیستم که توقصد ویران کردن آن را داری، من صاحب شترانی هستم که مأموران تو گرفته اند از اینرو من در مورد بازگرداندن آن ها که صاحبش خودم هستم آمده ام، اما خانه کعبه خودش صاحب دارد و خانه اش را از خلق حفظ می کند و او به خانه اش سزاوارتر است.

ابرهه دستور داد، شتران عبدالمطلب را به او باز گردانند و به سوی مکه روانه شد، در این سفر فیل بزرگی همراه لشکر بدستور ابرهه برای ویران کردن کعبه در حرکت بود، وقتی که آن فیل را بطرف کعبه می راندند می خواید وقتی که او را رها می کردند هروله کنان بر می گشت.

عبدالمطلب به غلامان خود گفت: پسر من را بگوئید بیاید، نخست عباس و سپس ابوطالب را خبر کردند آمدند، عبدالمطلب گفت منظورم ابوطالب و عباس نبود، پسر من را بگوئید بیاید، عبدالله پدر بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه وآله را خبر



کردند آمد، وقتی که عبدالله نزدیک آمد، عبدالمطلب به او گفت پسرم برو بالای کوه ابوقییس، به طرف دریانگاه کن ببین در آنجا چه می آید و به من خبرده.

عبدالله بالای کوه ابوقییس رفت، چندان در آنجا نبود که دید دورنمای سیاهی مثل سیل و شب پیداست، که همان پرندگان ابابیل بودند و به طرف کعبه می آمدند به روی ابوقییس افتاد و سپس به کعبه آمد و هفت بار طواف کرد، و سپس به صفا و مروه رفت و هفت بار طواف نمود. سپس عبدالله نزد پدر آمد و دیدنی های خود را گزارش داد.

عبدالمطلب گفت: پسرم ببین بعد چه شود و به من خبر بده، عبدالله رفت و دید آن پرندگان به طرف لشکر ابرهه هجوم کردند، به عبدالمطلب خبر داد عبدالمطلب بیرون آمد و صدا می زد: ای اهل مکه به طرف لشکر ابرهه خارج شوید و غنائم خود را بردارید.

مردم مکه به طرف لشکر آمدند، لشکریان همچون چوب متلاشی شده بودند و از پرندگان جزیک پرنده ای که سه سنگ یکی در منقارش و دو تا در دست هایش بود، باقی

نمانده بود، آن پرنده نیز با هر يك از سه سنگ خود یکنفر از لشکر حبشه را کشت، وقتی که به سراغ همه رفتند دیگر پرنده ای نه قبل نه بعد دیده نشد و وقتی که همه قوم ابرهه به هلاکت رسیدند، عبدالمطلب خود را به کعبه رساند و پرده کعبه را گرفت و گفت:

یا حابس الفیل بذي مخمس \*\*\* حبسته کانه مکوس

في مجلس ترهق فيه الانفس

یعنی: ای خدائی که جلوفیل را در محل مغمس (1) گرفتی و آنها را همچون سرنگون شده نموده و ممانعت کردی، در جائی که در آن روح ها از بدن ها خارج می شد « (2)

ص: 225

---

1- مغمس: محلی است در راه طائف به مکه که دو سوم فرسخ از مکه دور است.

2- مستدرک ج 2 ص 140

## نیایش امام حسین علیه السلام

انس بن مالك گوید : امام حسین علیه السلام کنار قبر خدیجه علیه السلام واقع در کوه حجون در مکه آمده و گریه کرد ، سپس به من فرمود: از اینجا برو ، من خود را پنهان کردم، حضرت به نماز مشغول شد و نماز را طول داد، شنیدم می گفت :

یا رب یا رب انت مولاه \*\*\* فارحم عیبداً الیک ملجاء

یاذا المعالی علیک معتمدی \*\*\* طوی لی لمن کنت انت مولاه

ص: 226

طوبی لمن كان نادماً أرقى \*\*\* يشكو الى ذی الجلال بلواه

و ما به علة ولا سقم \*\*\* اكثر من حبه لمولاه

اذا اشتكى بثه و غصته \*\*\* اجابه الله ثم لباه

اذا ابتلى بالظلام مبهتلاً \*\*\* اكرمه الله ثم ناداه

« ای خدای من وای پروردگاری که مولای بنده هستی ، رحم کن به بنده کوچکی که پناه گاهش تو هستی ، ای خدای بزرگ وار تکیه ام بر تو است ، خوشا بحال کسی که تو مولای او باشی و خوشا بحال کسی که در حال پشیمانی شب را در عبادت به سر می برد و شکایت و گرفتاری خود را به نزد خدای بزرگ می برد و خوشا بحال کسی که ناراحتی و بیماری بیش از حب و اشتیاق به مولایش ندارد ، وقتی

ص: 227

که گله و اندوه خود را به سوی خدا می برد ، خداوند او را اجابت کرده و پاسخ مثبت به او می دهد و وقتی که به گرفتاری و ناراحتی و دشواری، گرفتار می شود ، خدا او را گرمی داشته و به او جواب می دهد :

ليك عبدى وانت في كنفى \*\*\* و كلما قلت قد علمناه

صوتك تشتاقه ملائكتي \*\*\* فحسبك الصوت قد سمعناه

دعائك عندى يحول في حجب \*\*\* فحسبك الستر قد سفرناه

لوهبت الريح من جوانبه \*\*\* خر صريعاً لما تغشاه

سلنى بلا رغبة ولا رهب \*\*\* ولا حساب انى انا الله (1)

ص: 228

---

1- بحار جلد 10 ص 144 ( ط قديم )

: «لبيك اي بنده من، تو در پرتو لطف من هستی و هر چه گفتمی؛ به آن آگاهیم، فرشتگانم به صدای تو اشتیاق دارند، این صدا ترا کافی است و آن را شنیدیم، دعای تو در پیش گاه ما در جای خود محفوظ است و کافی است که ما کشف ستر از تو می کنیم (دعایت را مستجاب می نمایم).

بنده ای که اگر باد در اطراف دعایش حرکت کند (آنچنان غرق عبادت است) که بیهوش به زمین می افتد، بدون رغبت و ترس و احساس از من تقاضا کن، من «الله» هستم» .

### **مختصر احکام حج و عمره افعال عمره تمتع پنج است**

1 - احرام : و آن عبارت است از پوشیدن لباس احرام دو قطعه یکی که ستر عورت بآن نماید و دیگری که دوش ها را بپوشاند. نیت: احرام می بندم برای عمره تمتع در حج الاسلام قربة الى الله تلبیه : گفتن «لبيك اللهم لبيك، لبيك لا شريك لك لبيك و اضافه كردن ان الحمد والنعمة لك والملك لا شريك لك لبيك» .

ص: 229

2- طواف : هفت شوط گردیدن باطراف خانه خدا بدون کم و زیاد ، شروع از حجر الاسود و ختم بآن با طهارت نیت : هفت شوط طواف خانه خدا می نمایم برای عمره تمتع در حج الاسلام قربة الى الله تعالى .

3- نماز طواف : دورکعت در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام نیت : دورکعت نماز طواف عمره تمتع بجای می آورم قربة الى الله .

4- هفت شوط سعی صفا و مروه ، ابتداء نمودن از صفا و ختم به مروه که رفتن بمروه چهار مرتبه و برگشتن از مروه سه مرتبه نیت : هفت شوط سعی صفا و مروه می نمایم در عمره تمتع حج الاسلام و احب قربة الى الله تعالى .

5- تقصیر : چیدن اندکی از موی شارب یا ریش یا سر و ناخن نیت : تقصیر می کنم برای محل شدن از عمره تمتع حج الاسلام .

### **اعمال حج تمتع و آن 14 عمل است**

1- احرام : پوشیدن دو پارچه مانند عمره تمتع در

ص: 230

مکه مکرمه نیت : احرام می بندم در حج تمتع حج الاسلام واجب قربة الى الله . تلبیه : «لبيك اللهم لبيك ، لبيك لا شريك لك لبيك و احوط گفتن ان الحمد والنعمة لك والملك لا شريك لك لبيك» .

2- وقوف بعرفات : از اول زوال روز نهم تا غروب آفتاب . نیت : وقوف در عرفات می نمایم در حج تمتع حج الاسلام از زوال ظهر تا غروب آفتاب جهت واجب بودن آن قربة الى الله .

3- وقوف بمشعر الحرام : از طلوع فجر تا طلوع آفتاب . نیت : وقوف بمشعر الحرام می نمایم از طلوع فجر تا طلوع آفتاب جهت واجب بودن آن قربة الى الله تعالى ، ومستحب است جمع آوری ريك برای رمی جمرات ، روز اول 7 عدد . دوز روز بعد روزی 21 عدد كه جمعاً 49 عدد می شود .

4- کوچ کردن از مشعر الحرام بسوی منی :

5- رمی جمره عقبه بهفت سنگ ریزه دانه دانه پی در پی نیت: رمی جمره عقبه می نمایم در حج تمتع حج الاسلام

ص: 231



قربة الى الله .

6- ذبح گوسفند یا نحر نمودن شتر . نیت قربانی می نمایم در حج تمتع حج الاسلام قربة الى الله.

7- تراشیدن سر کسانی که سال اول حج آن ها می باشد و در سال های بعد مخیر است بین تقصیر و خلق .

### اعمال مکه مکرمه

8- طواف : هفت شوط طواف خانه . ابتداء از حجر الاسود و ختم بآن . نیت: هفت شوط طواف می نمایم در حج تمتع حج الاسلام قربة الى الله .

9- دور کعت نماز در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام نیت : دورکعت نماز طواف بجای می آورم در حج تمتع حج الاسلام .

10- سعی بین صفا و مروه که از صفا بمروه 4 واز مروه بصفا 3 . نیت: سعی صفا و مروه می نمایم هفت شوط در حج تمتع حج الاسلام .

11- طواف نساء : هفت شوط مانند طواف های سابق

ص: 232

نیت : هفت شوط طواف نساء مینمایم در حج تمتع حج الاسلام .

12- نماز طواف نساء : در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام نیت - دور کعت نماز طواف نساء می نمایم در حج تمتع حج الاسلام .

13- بیتوته در منی شب 11 و شب 12 نیت: میبیت در منی می نمایم امشب را در حج تمتع حج الاسلام .

14- رمی جمره اولی، ووسطی، و عقبه به هفت سنگ ریزه بعد از طلوع آفتاب روز 11 وروز 12 نیت : رمی جمره اولی بهفت سنگ می نمایم در حج تمتع حج الاسلام قربه الی الله تعالی و در جمره وسطی و جمره عقبه نام جمره مذکور را ببرد و همان نیست را که در جمره اولی ذکر شد بگوید. لزومی بذکر نیت ها بزبان نمی باشد اما حاجی باید بداند چه می کند ونیت وجوب وقربه را از ذهن دور نسازد بعد از انجام این اعمال، فریضه واجبه را انجام داده قبولی او را از خداوند مسئلت داریم و ملتمس دعا هستیم .

پایان

ص: 233

پیش گفتار 3

عظمت و پاداش حج 7

حج واجب 9

دعوت ابراهیم علیه السلام برای حج 13

چرا حج را حج نامیدند 14

فضیلت حج 14

حاجیان سه دسته اند 18

ص: 234

اصناف حاجیان 18

پاداش بی نظیر حج 20

حاجی میهمان خداست 22

حج جهاد ضعیفان 24

کدام يك افضل است حج یا نماز 26

حج افضل است یا برده آزاد کردن 27

حج افضل است یا صدقه 27

نتائج حج نسبت به خویشان 28

پاداش نیابت حج از دیگران 28

کسی که عادت به حج داشته و حال موفق نشده 30

دعا برای توفیق حج یافتن 32

پاداش تعدد حج 33

حقیقت حج چیست 36

چه کسی در روز قیامت کور است 39

ص: 235

از وصایای پیامبر صلی الله علیه وآله بعلي بن ابیطالب علیه السلام 40

کیفر کسی که مانع از حج دیگران گردد 43

کیفر سهل انگاری در نیابت حج میت 45

لزوم مال حلال برای حج 46

حج زن مشروط به همراهی محرم نیست 47

پاداش کسی که در راه حج فوت کند 49

دلجوئی از خانواده حاجی 51

کیفر مصرف پول حج در غیر موردش 52

راهنمایی های پرارزش 54

اسرار و حکمت های حج 58

فلسفه حج و چرا یکبار واجب شده ؟ 73

پاداش آدم علیه السلام در ساختن کعبه 77

وجود کعبه قبل از آدم علیه السلام 78

تعداد حج آدم علیه السلام 80

ص: 236

تاریخ کعبه و بنای آن 82

فلسفه نام گذاری کعبه به (کعبه) 93

فلسفه علامت ها و حدود حرم 93

سرزمین امن و امان 95

برتری کعبه و مسجد الحرام 96

نگاه به کعبه عبادت است 98

فلسفه حج و بنای کعبه از گفتار علی بن ابیطالب علیه السلام 101

مکان های برگزیده خداوند کدامند ؟ 105

علت نام گذاری کعبه به اولین خانه 106

علت نام گذاری کعبه به (خانه عتیق) 107

علت نام گذاری مکه به (بیت الله الحرام) 109

علت نام گذاری حرم به مکه 110

علت نام گذاری مکه به (بکه) 110

نام های مکه 112

درب های مکه 113

ص: 237

بهترین مکان ها در مکه 113

ارزش نماز در مکه 114

ارزش سجده در مکه 115

ارزش ذکر در مکه 116

پاداش ختم قرآن در مکه 116

پاداش بیمار در مکه 117

علت وجود کبوتر مخصوص در حرم 119

داستان ابراهیم علیه السلام و مکه 121

لرزش قلب هنگام لبیک گفتن 130

فلسفه لبیک گفتن 134

عدم جواز تلبیه در مواردی که دستور نیست 139

فلسفه ورود بکعبه از باب بنی شیبه و تکبیر در آن 140

فلسفه طواف کعبه 143

چرا طواف هفت دور است؟ 145

ص: 238

پاداش طواف کنندگان 148

چرا بشهر طائف (طائف) گویند؟ 150

چند سؤال در مورد حجر الاسود و پاسخ آن 151

علت نام گذاری حطیم 168

انجام دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم علیه السلام 171

سنگ مقام ابراهیم علیه السلام 173

حجر اسماعیل یا قبر مادر او 175

شفا بودن آب ناودان 175

آب زمزم درمان هر دردی است 177

فلسفه سعی بین صفا و مروه 180

تقصیر همه محرمات احرام را حلال می کند 184

مسأله ای در مورد زن حائض 185

چرا روز هشتم را روز «ترویبه» گویند؟ 186

فلسفه نام گذاری عرفات 188

ص: 239



علت توقف در عرفات 189

فضیلت عرفات ، و استجابت دعا در آن 191

بزرگترین جرم در عرفات 197

فلسفه نامگذاری «مزدلفه» 197

علت نام گذاری به (جمع) 198

علت نام گذاری «مشعر» 200

علت نام گذاری ابطح 202

نماز در مزدلفه (مشعر) 203

علت نامگذاری «منی» 204

بر چیدن سنگ ریزه برای رمی جمرات 207

علت سنگ انداختن به ستون های جمرات 208

فلسفه قربانی 210

موارد وجوب سر تراشیدن 214

علت نامگذاری مسجد خیف 219

داستان ابرهه 221

نیایش امام حسین علیه السلام 226

مختصر اعمال حج و عمره 229

ص: 240

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباچه ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

